



چاپ دوم

نیمرخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق در جمهوری اسلامی ایران: مطالعه ۹ استان

دکتر نوذر نخعی
استاد پزشکی اجتماعی





**نیمرخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق
در جمهوری اسلامی ایران:
مطالعه ۹ استان**

سرشناسه	: نخعی، نوذر، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: نیمرخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق در جمهوری اسلامی ایران: مطالعه ۹ استان/گردآوری و تألیف نوذر نخعی.
مشخصات نشر	: کرمان: مهرتا، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۱ص: مصور، جدول، نمودار.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۲۲۹-۱-۲ : ۳۲۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: واژه نامه.
موضوع	: طلاق -- ایران -- نمونه پژوهی
موضوع	: Divorce — Iran — Case studies
موضوع	: زناشویی -- ایران -- ارتباط -- نمونه پژوهی
موضوع	: Communication in marriage — Iran — Case studies
رده بندی کنگره	: HQ۹۲۲/۵۶/ن۳۹ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی	: ۳۰۶/۸۹۰۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۵۴۹۱۲

نیمرخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

- گردآوری و تألیف: نوذر نخعی
- گرافیک و طراحی: محسن ملانوری شمسی
- نوبت چاپ: دوم / ۱۳۹۸
- تیراژ: ۱۰۰۰
- ناشر: انتشارات مهرتا
- چاپ و صحافی: کارمانیا
- قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان



فهرست مندرجات

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۴
دیدگاه‌های نظری پیرامون طلاق.....	۵
عوامل خطرساز و حفاظت کننده طلاق.....	۴۱
وضعیت طلاق در کشور.....	۶۳
روش انجام مطالعه.....	۷۱
نتایج مطالعه.....	۸۳
واژه نامه.....	۱۵۹

مقدمه

طلاق زمانی به عنوان مسئله اجتماعی مطرح می‌شود که فراوانی آن از حد معینی خارج شده و غیر متعارف گردد. بدین لحاظ امروزه، طلاق دیگر یک مشکل فردی نیست، بلکه یک فرایند چند مرحله‌ای است که توجه به آن، نه تنها از زاویه تأثیراتش بر زن و شوهر و فرزندان مهم است، بلکه تبعات منفی آن بر کل جامعه و اقتصاد نیز قابل تأمل است. طلاق یکی از آسیب‌های اجتماعی است که در چند دهه‌ی اخیر در اکثر کشورهای جهان از جمله ایران رشد روزافزونی داشته است.

این کتاب نتایج ارزیابی وضعیت رضایت زناشویی و دلایل اقدام برای طلاق در نه استان کشور را ترسیم می‌نماید. علاوه بر این، با توجه به کمبود منابع فارسی در این زمینه، سعی گردید بر اساس یک مطالعه کتابخانه‌ای وسیع، مبانی نظری پیرامون طلاق در سه فصل اول کتاب تبیین گردد. از اداره باروری سالم و جمعیت، دفتر سلامت خانواده، جمعیت و مدارس معاونت بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، و همچنین معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی کرمان بواسطه حمایت مالی و اجرایی تدوین و چاپ این اثر و سازمان بهزیستی کشور بواسطه همکاری در جمع‌آوری داده‌ها تشکر می‌گردد. همچنین از کلیه کارکنان مرتبط معاونت‌های بهداشتی و ادارات بهزیستی ۹ استان که در جمع‌آوری داده‌ها همکاری نمودند، قدردانی می‌گردد.

نوذر نخعی

استاد پزشکی اجتماعی

مرکز تحقیقات علوم اعصاب دانشگاه علوم پزشکی کرمان

فصل اول: دیدگاه‌های نظری پیرامون طلاق

۱۶ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

ازدواج برای درصد قابل توجهی از زنان و مردان، به‌عنوان منبع رضایت‌مندی و شادی آغاز می‌شود، اما به‌عنوان منبع ناکامی و ناامیدی به‌پایان می‌رسد. چگونه تلاشی که با خوش‌بینی زیاد آغاز می‌شود، منجر به این حد از ناامیدی و ناکامی می‌گردد؟ چگونه کیفیت و ثبات زندگی‌های زناشویی در طول زمان، تغییر می‌کند؟ بررسی این سؤال‌ها از آن جهت اهمیت دارد که اغلب افراد در طول زندگی خود ازدواج را تجربه می‌کنند و درصد قابل توجهی از آنان به ورطه ناامیدی پا می‌نهند. ازدواج‌های مجددِ بعدی نیز متداول هستند ولی حتی بیش‌تر احتمال دارد به طلاق منجر شوند. درشرایطی که زندگی مشترک رضایت‌بخش می‌تواند به‌عنوان مانعی در برابر ابتلای همسران به ناخوشی‌های روان‌شناختی و رویدادهای منفی زندگی شود، پریشانی و بی‌ثباتی در زندگی مشترک، پیامدهایی منفی برای سلامت جسمی و عاطفی همسران و فرزندان آن‌ها دارد. در این فصل به تشریح دیدگاه‌ها و نظریه‌های پیرامون طلاق خواهیم پرداخت.

۱-۱- طلاق و فردگرایی^{۱۲}

در کشورهای حوزه اتحادیه اروپا، نرخ طلاق در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۰، ۴۰۰ درصد افزایش داشته است. نرخ طلاق از دهه ۱۹۶۰ تاکنون به‌طرز وحشتناکی در سراسر جهان خصوصاً در کشورهای صنعتی، در حال افزایش بوده است. شاید این تغییر در هیچ‌کجا مثل آمریکا تا این حد، ملموس نبوده باشد؛ جایی که در آن ۴۰ تا ۵۰ درصد آمریکایی‌ها در طول عمر خود حتماً طلاق را تجربه می‌کنند. صاحب‌نظران علوم اجتماعی در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که نرخ طلاق ارتباط منظمی

1- Toth K, Kemmelmeier M. Divorce attitudes around the world: Distinguishing the impact of culture on evaluations and attitude structure. *Cross-Cultural Research*. 2009 Aug;43(3):280-97.

2- Afifi TD, Davis S, Denes A, Merrill A. Analyzing divorce from cultural and network approaches. *Journal of Family Studies*. 2013 Dec 1;19(3):240-53.

با ارزش‌های فرهنگی دارد.

سه نتیجه‌گیری اولیه می‌توان از تحقیقات انجام‌شده روی طلاق و فرهنگ به‌دست آورد. اول اینکه، همچنان‌که فرهنگ‌ها بیش‌تر و بیش‌تر فردگرا و مدرن می‌شوند، نرخ طلاق، افزایش پیدا می‌کند. دوم این‌که، نرخ طلاق، همزمان با افزایش بیش‌تر تحصیلات زنان و استقلال مالی آن‌ها افزایش می‌یابد. سوم این‌که، نرخ طلاق موقعی، پایین‌تر است که مذهب، شاکله اصلی فرهنگ باشد. هنوز اغلب تحقیقات، دیدگاه نسبتاً ساده‌ای در مورد فرهنگ دارند، به‌همین خاطر، بسیاری از پیچیدگی‌هایی را که در ذات آن است را، از دست می‌دهند. حتی در فرهنگ‌های یکسان، دیدگاه‌ها در مورد طلاق، ممکن است متفاوت باشد، زیرا گوناگونی قابل‌توجهی در الگوهای ارتباطی درون فرهنگ‌ها وجود دارد. می‌توان نرخ طلاق را به‌بهترین شکل، محصول تحولات اجتماعی و فرهنگی دانست، عواملی که منجر به رفاه اجتماعی و مدرنیتهٔ افزایش‌یافته شده‌اند. در مقایسه‌های صورت گرفته میان ملل مختلف، نرخ طلاق، همواره با سطح فردگرایی فرهنگی جامعه مرتبط بوده است، به این‌شکل که جوامعی که به‌شدت، فردگرا هستند، نرخ طلاق بالاتری را تجربه می‌کنند. به هر شکل نرخ طلاق در جوامع فردگرا تمایل به افزایش و در حالت جمع‌گرایی، تمایل به کاهش دارد. فردگرایی از دید جامعه‌شناسان دو رویه مثبت و منفی دارد. برخی فردگرایی را معادل خودخواهی دانسته‌اند و از این رو، آن را منفی تلقی کرده‌اند و برخی آن را به معنای شکوفایی فرد تعبیر و آنرا مثبت ارزیابی می‌کنند.

برخی معتقدند چون فردگرایی به فرد اجازهٔ دنبال کردن خواسته‌های فردی‌اش را می‌دهد افرادی که در جوامع فردگرا زندگی می‌کنند، اغلب نمی‌خواهند رضایت فردی‌شان را به پای یک زندگی زناشویی بد، قربانی کنند، حتی موقعی که طلاق برای آن‌ها هزینه‌های مالی و عاطفی زیادی داشته باشد. به‌صورت خلاصه، به‌نظر می‌رسد افراد در جوامع فردگرا وقتی پای ورود، حفظ یا ترک یک زندگی مشترک به میان

۱۸ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

می‌آید، ابتدا منافع خودشان را در نظر می‌گیرند. فردگرایی به‌عنوان دلیل اساسی این‌که چرا افراد در آمریکا از هم طلاق می‌گیرند، عنوان شده است. فرهنگ‌های فردگرا تمایل دارند روی خود و اهداف فردی، بیش‌تر از گروه و اهداف آن، تمرکز کنند. تمرکز بیش‌تر روی خود باعث خواهد شد افراد به‌دلیل ناراضی‌تی از زندگی زناشویی و در پی یافتن رضایت و شادی شخصی، از همسران‌شان جدا شوند.

این رویکرد فردگرا به زندگی زناشویی، کاملاً در تضاد با روند معمول در فرهنگ‌های جمع‌گرا است. در مقابل، این‌گونه نظریه‌پردازی می‌شود که فرهنگ‌های جمع‌گرا نگرش‌های محافظه‌کارانه‌تری نسبت به طلاق دارند، در نتیجه، تمرکز آن‌ها بیش‌تر روی اهداف گروه است. در مقابل فرهنگ‌های به‌شدت فردگرا، افراد در فرهنگ‌های جمع‌گرا به‌احتمال بیش‌تری زندگی زناشویی خود را حفظ می‌کنند، حتی اگر به‌طور کلی از آن راضی نباشند. در جوامع جمع‌گرا تمایل بیش‌تری نسبت به پایبندی به آداب و رسوم اجتماعی و سنت‌ها وجود دارد، به‌عنوان نمونه می‌توان به احترام به خواسته والدین در زمینه انتخاب همسر یا ممنوعیت‌های مذهبی مرتبط با حفظ رابطه، اشاره کرد. برای مثال، طلاق به‌عنوان یک چیز بد و موضوعی که باید از آن اجتناب کرد در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر این در جوامعی مانند جوامع شرق آسیا تأکید بیش‌تری بر حفظ نهاد خانواده و از خود گذشتگی (برای فرزند، حفظ آبرو، پرهیز از انگ، و) می‌شود. در نتیجه، در چنین جوامعی احتمال این‌که ازدواج - حتی به‌رغم این‌که حفظ آن مانع رضایت شخصی فرد شود- به طلاق منجر گردد کم است. در مجموع میزان طلاق در یک جامعه می‌تواند به‌عنوان نشانگری از تبلور ارزش‌های فردگرا تلقی شود.

۱-۲- دیدگاه دوره زندگی^۱

دیدگاه دوره زندگی، رویکردی نظری و روش‌شناختی برای درک این موضوع

1- Elder, Glenn H., Jr., and Janet Z. Giele. (2009). The Craft of Life Course Research. NewYork: Guilford Press.

2- James M. White; David M. Klein, ed. (2007). Family theories (3 ed.). Sage. p. 122.

است که چگونه عوامل اجتماعی زندگی افراد و خانواده‌ها را از تولد تا مرگ، شکل می‌دهند. پنج اصل در این دیدگاه وجود دارد: (۱) افراد در طول زندگی‌شان، مدام در حال رشد و تحول هستند. (۲) همه افراد، از حس عاملیت برخوردارند، و این ظرفیت را دارند تا براساس تمایلات خود یا دیگران، عمل کنند. (۳) زمان‌بندی رویدادها و گذارهای مهم زندگی، زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. (۴) افراد در یک خلأ اجتماعی زندگی نمی‌کنند بلکه همه آنها زندگی‌های به هم مرتبطی دارند که بر گذارها و گذرگاه‌های یکدیگر اثر می‌گذارند. (۵) همچنین زمینه‌های تاریخی، سیاسی و اقتصادی، در طول گذارهای مهم زندگی، پیامدهای آتی زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. دیدگاه دوره زندگی، توسط شمار زیادی از دانشمندان علوم اجتماعی، در تحقیقات‌شان پیرامون دوره سالمندی و نیز خانواده‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. درواقع یکی از شاخص‌های این رویکرد، بین‌رشته‌ای بودن آن است؛ این رویکرد؛ سوالات و داده‌های پژوهشی طیف وسیعی از رشته‌های مختلف را کنار هم قرار می‌دهد.

تغییرات اجتماعی‌ای که به دنبال جنگ جهانی دوم ایجاد شد، منجر به شکل‌گیری شیوه‌های نوآورانه تفکر در مورد زندگی، جامعه و رابطه آنها شد. بی‌نظمی اجتماعی که به واسطه رکود اقتصادی عظیم جنگ جهانی دوم رخ داد و رفاه نسبی پس از جنگ، باعث شد دانشمندان به مسیر جدیدی در پژوهش‌هایشان هدایت شوند؛ آنها سوالات پژوهشی زیادی در مورد تأثیر زمینه‌های تاریخی و اقتصادی در شکل‌گیری انتخاب‌ها، کنش‌ها و پیامدهای فردی مطرح کردند. مشکلات اجتماعی اواسط و اواخر دوران بزرگسالی، موجب شد دانشمندان ترغیب شوند تا این موضوع را بررسی کنند که چگونه تجارب اولیه زندگی، بعداً روی دوران بزرگسالی افراد تأثیر می‌گذارد.

رویکرد فرهنگی اجتماعی معتقد است که دوره زندگی، تحت کنترل «هنجارهای سنی» است، یعنی قوانین غیررسمی که نقش‌ها و رفتارهای

متناسب با سن را بیان می‌کنند. بر این اساس، قوانین حاکم بر رفتارهای متناسب با سن، عمیقاً ریشه در اساس فرهنگی جامعه دارد و این قوانین به‌عنوان «ساعت اجتماعی» کار می‌کنند، که نشان می‌دهند ما در مورد رویدادهای زندگی خانوادگی آیا «به‌موقع» عمل کرده‌ایم یا عملکردمان «دیر هنگام» بوده است. محققان دریافته‌اند شاخص‌هایی مانند این که «او دیر بچه‌دار شده است» یا «اینکه بیان چنین جمله‌ای توسط یک مرد با این سن و سال، عجیب است» بیان‌گر این آگاهی فردی است که کدام رویدادها متناسب با هنجارهای سنی است. ساعت اجتماعی، ترتیب رویدادهای زندگی را مشخص کند، به این شکل که زمان مناسب برای این که افراد چه موقع باید ازدواج کنند، بچه‌دار شوند و بازنشسته شوند را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

وقتی محققان، این موضوع را تحلیل می‌کنند که چگونه دوره زندگی الگوها و پویایی‌های خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به این نتیجه می‌رسند که تجارب اولیه زندگی^۱ روی پیامدهای بعدی زندگی اثر می‌گذارند. چندین مکانیزم وجود دارند که منتهی به این نتیجه می‌شوند. اولین مورد، تأثیر وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده در دوران کودکی، حقوق کم یا زیاد افراد در طول زندگی و دسترسی‌های ناهمگون به دارایی‌هایی همچون مالکیت خانه، پس‌انداز، ارث و پاداش بازنشستگی در طول زندگی است. کیفیت روابط دوران کودکی به ویژه با مادر، بر سلامت روان افراد در بزرگسالی، اثرگذار است. بررسی‌های دوره زندگی نشان می‌دهد بزرگسالانی که والدین‌شان در دوران کودکی از هم جدا شده‌اند در مقایسه با آن‌هایی که والدین‌شان چنین تجربه‌ای را نداشته‌اند، اضطراب و افسردگی بیش‌تر، رضایت از زندگی کم‌تر و خشنودی کلی کم‌تری از زندگی را گزارش می‌کنند. برخی شواهد نشان می‌دهد آسیب‌های شدید دوران کودکی، الگوهای زندگی را تا پایان عمر شکل می‌دهند. برای مثال، قربانیان سوءاستفاده جنسی در کودکی، تمایل دارند رابطه جنسی در بزرگسالی را در سنین

پایین‌تری آغاز کنند، شرکای جنسی متعددی دارند و احتمال ابتلای آن‌ها به بیماری‌های مقاربتی زیادتر است، همچنین احتمال بیش‌تری وجود دارد که در نوجوانی، بارداری را تجربه کنند. این تحقیقات نشان می‌دهند گذارهای مشکل‌زا در یک مرحله از دوره زندگی می‌تواند پیامدهای غیرقابل بازگشتی در مرحله‌ای دیگر از زندگی داشته باشد.

۱-۳- نظریه تبادل اجتماعی^۱

وقتی دو نفر با هم در تعامل هستند، مبادله پاداش یا تنبیه بین آنها انجام می‌گیرد. نظریه تبادل اجتماعی (دیدگاهی نظری که بیش از همه در تحقیقات مربوط به زندگی زناشویی و روابط صمیمانه به آن ارجاع داده شده است)، بر این موضوع تأکید می‌کند که «روابط در نتیجه یک روند تبادل اجتماعی آشکار ایجاد می‌شوند، رشد می‌کنند، آسیب می‌بینند و در نهایت از بین می‌روند، که می‌توانند به‌عنوان یک معامله پایاپای میان پاداش‌ها و هزینه‌ها هم بین همسران و هم میان اعضای حاضر در یک رابطه و دیگران در نظر گرفته شوند». موفقیت یا شکست در زندگی زناشویی، بستگی به وزن جذابیت‌های رابطه یا همه ابعاد یک رابطه که می‌توانند پاداش‌دهنده باشند (برای مثال، امنیت عاطفی، رضایت‌مندی جنسی و جایگاه اجتماعی)، موانع ترک رابطه (برای مثال، محدودیت‌های مذهبی یا هزینه‌های مالی) و حضور گزینه‌های جذاب بیرون از رابطه (همانند خیانت زناشویی) دارد. براساس این دیدگاه، زندگی‌های زناشویی زمانی پایان می‌یابند که جذابیت‌های رابطه کم می‌شوند، موانع ترک رابطه، ضعیف می‌شوند و گزینه‌های جایگزین رابطه، که بالقوه فریبنده هستند، پررنگ می‌شوند.

1- Cook KS, Cheshire C, Rice ER, Nakagawa S. Social exchange theory. In: Handbook of social psychology 2013 (pp. 61-88). Springer, Dordrecht.



با استفاده از این نظریه، یک نوع تیپ‌شناسی تبادلی در مورد روابط زناشویی مطرح می‌شود، که در آن رضایت‌مندی زناشویی و ثبات زناشویی به‌عنوان ابعاد متعامد پیامدهای زندگی زناشویی در نظر گرفته می‌شوند. ازدواج‌ها می‌توانند رضایت‌بخش و پایدار باشند، رضایت‌بخش باشند اما پایدار نباشند، رضایت‌بخش نباشند اما پایدار باشند، نه رضایت‌بخش باشند و نه پایدار؛ آن‌ها با توضیح مفاهیم تبادل اجتماعی، زوجین را در یکی از این ۴ وضعیت قرار می‌دهند. برای مثال، زوجینی که رابطه زناشویی رضایت‌بخشی ندارند اما رابطه آن‌ها پایدار است، زوجینی هستند که جذابیت‌ها در رابطه آن‌ها کم است، اما موانع ترک رابطه در آن‌ها فوق‌العاده زیاد است. زوجینی که رابطه زناشویی رضایت‌بخشی دارند اما رابطه آن‌ها پایدار نیست، زوجینی هستند که جذابیت‌ها در رابطه آن‌ها کافی است، اما موانع ترک رابطه در آن‌ها کم است و گزینه‌های جایگزین بیرون از رابطه، برای آن‌ها جذاب‌تر هستند.

یکی از نقاط قوت و دلایل اصلی محبوبیت نظریه تبادل اجتماعی این است

۱۳ دیدگاه‌های نظری پیرامون طلاق

که بسیاری از متغیرها می‌تواند در چهارچوب آن قرار گیرند. نظریه تبادل اجتماعی برای اکثر مجموعه متغیرها، نشان می‌دهد چگونه آن متغیرها می‌توانند باهم ترکیب شده تا پیامدهای زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار دهند. دومین نقطه قوت نظریه تبادل اجتماعی، این است که این نظریه، به خاطر این که به وضوح، رضایت‌مندی زناشویی را از ثبات آن متمایز کرده است، این نظریه می‌تواند پیامدهای بالقوه متنوع زندگی زناشویی را در نظر بگیرد. تیپ‌شناسی متعادل، تنوع موفقیت و شکست در ازدواج را بررسی می‌کند، به این شکل که زوج‌های ناراضی این امکان را دارند که در کنار هم بمانند و از سوی دیگر ممکن است زوج‌های راضی و شاد، به زندگی زناشویی‌شان پایان دهند.

نظریه تبادل اجتماعی می‌تواند به خوبی، بیش تر رفتارهای انسان را تبیین و پیش‌بینی کند، استفاده از آن آسان است و علاقه بسیاری از محققان را به خودش جلب کرده است؛ زیرا ریشه در رفتارگرایی دارد. باین حال، این تمرکز بیش از حد بر افراد، یکی از دلایل مخالفت منتقدان حوزه تحقیقات خانواده با این نظریه است. برای برخی از آن‌ها خانواده، چیزی فراتر از گروهی از افراد است. روابط، تعاملات و پویایی‌های گروه می‌تواند باعث شود خانواده و اعضای آن، به شیوه‌های متفاوتی با آن چه ممکن است، توسط تکنیک‌های اقتصادی و رفتاری ساده، پیش‌بینی شوند، عمل کنند. این نظریه در اذعان به اتحاد گروهی و فداکاری فردی، ناتوان است. به رغم برخی انتقادات، نظریه تبادل اجتماعی، همچنان به عنوان یکی از نظریه‌های قدرتمند حوزه مطالعات خانواده، محسوب می‌شود.

همان گونه که خریداران در قبال پرداخت پول، کالایی را دریافت می‌کنند، افراد در قبال دریافت پاداش‌های اجتماعی، رفتارهایی را انجام می‌دهند. در هر دو مورد، هدف به حداقل رساندن هزینه‌ها و به حداکثر رساندن پاداش‌ها است. براساس قانون عرضه محصول، هر قدر محصولی باارزش تر باشد، عرضه کنندگان، بیش تر به دنبال فروش آن هستند. این موضوع،

۱۱۴ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

شبهه ایده هومانز می‌باشد. وی معتقد است رفتارهایی که، به‌شدت به آن‌ها پاداش داده می‌شود، بیش‌تر رخ خواهند داد و رفتارهایی که کم‌تر، به آن‌ها پاداش داده می‌شود، کم‌تر رخ خواهند داد. به‌همین ترتیب، قانون تقاضا بیان می‌کند که هر قدر قیمت کالایی، بیش‌تر باشد، مشتریان کم‌تری خواهد داشت. این موضوع در مورد رفتار، نیز صادق است؛ هر قدر بهای انجام فعالیت، بیش‌تر باشد، احتمال انجام آن، کم‌تر خواهد شد، و اغلب رفتار دیگری، جایگزین آن خواهد شد. نظریه تبادل اجتماعی بر چند گزاره استوار است:

گزاره موفقیت: هر قدر به رفتارهای فرد، بیش‌تر پاداش داده شود، احتمال تکرار آن‌ها در آینده بیش‌تر می‌شود. البته به این محدودیت باید توجه داشت که فراوانی انجام یک رفتار، نهایتاً کاهش پیدا می‌کند زیرا دو نفری که مشغول تعامل باهم هستند، از تکرار زیاد یک رفتار، خسته خواهند شد. هر قدر زمان میان انجام رفتار و دریافت پاداش، کوتاه‌تر باشد، احتمال تکرار رفتار، افزایش پیدا می‌کند. به‌همین ترتیب، هر قدر فاصله میان انجام رفتار و ارائه پاداش، طولانی‌تر باشد، احتمال تکرار آن رفتار در آینده، کاهش پیدا می‌کند. این موضوع، از این ایده، حمایت می‌کند که کودکان نباید به‌خاطر رفتاری که قبلاً از آن‌ها سر زده است، تنبیه شوند. همچنین پاداش‌های متناوب، به احتمال بیش‌تری منجر به تکرار رفتار خواهند شد. برای مثال، مردی که صبحانه همسر بیمارش را برایش به داخل اتاق خواب می‌آورد، در صورتی، تمایل به تکرار این رفتار، پیدا می‌کند که همسرش از او قدردانی کند و به‌خاطر این رفتارش از وی تعریف کند.

گزاره انگیزه (محرک): این گزاره بر تعمیم دادن رفتارها تمرکز می‌کند. منظور از این گزاره این است که رفتارهایی که پاداش داده می‌شوند، احتمالاً به رفتارهایی که ماهیتی مشابه با رفتار پاداش داده شده دارند، تعمیم پیدا می‌کنند و فرد مایل است آن‌ها را نیز انجام دهد [بدون این که مستقیماً پاداشی به آن‌ها تعلق گرفته باشد]. نوجوانانی

که برای تأیید والدین‌شان ارزش قائل هستند و به دنبال کسب رتبه برتر تحصیلی می‌روند، ممکن است برای خوشحال کردن والدین‌شان در فعالیت‌های فوق‌برنامه نیز شرکت کنند. مردانی که صبحانه همسرشان را برای او داخل اتاق خواب می‌برند، احتمالاً آن‌قدر برای تأیید همسرشان احترام قائل هستند که حاضرند در کارهای مربوط به خانه نیز به او کمک کنند؛ کارهایی مانند جارو کردن خانه شستن ظرف‌ها و حتی به این نکته نیز دقت می‌کنند که کارهایشان مانع انجام خواسته‌های همسرشان نشود.

گزاره ارزش: این گزاره بیان می‌کند، هر قدر پیامد یک عمل، بارزتر باشد، احتمال بیش‌تری وجود دارد که وی آن رفتار را انجام دهد. پاداش‌ها پیامدهای مطلوب، یک عمل هستند و باعث می‌شوند رفتار فرد، تکرار شود. باید در نظر داشت که تنبیه‌ها می‌توانند باعث بروز یک رفتار نامطلوب دیگر شوند. در نتیجه، به مراتب بهتر است که به رفتار خوب، پاداش داده و رفتار بد، نادیده گرفته شود. رفتاری که به آن پاداش داده نمی‌شود، به احتمال کم‌تری در آینده، تکرار خواهد شد، بنابراین اگر افراد، تحمل داشته باشند و صبر کنند، رفتار نامطلوب، به تدریج از بین خواهد رفت یا خود به خود، خاموش خواهد شد. اگر کودکان خردسال، از جمع کردن اسباب‌بازی‌هایشان اجتناب کنند، ارائه یک برچسب به آن‌ها نمی‌تواند تأثیر چندان زیادی روی نحوه احساس آن‌ها در مورد آن موضوع داشته باشد. باین‌حال، اگر این امکان برای آن‌ها فراهم شود تا بتوانند بازی مورد علاقه‌شان را انجام دهند، یا به آن‌ها کمک شود تا شیرینی مورد علاقه‌شان را درست کنند، پیامد آن، احتمالاً مثبت‌تر خواهد بود. تنبیه‌هایی مانند محرومیت یا کتک زدن، احتمالاً پیامدهایی فوری خواهد داشت. به همین دلیل، استفاده از این نوع شرطی‌سازی آزارنده، وقتی والدین خسته می‌شوند و اوضاع طبق برنامه پیش نمی‌رود، می‌تواند وسوسه‌برانگیز باشد. حذف تقویت‌کننده‌های مثبت، شکل دیگری از تنبیه است که می‌تواند در این نوع موقعیت‌ها مورد استفاده قرار گیرد. عدم دسترسی به یک اسباب‌بازی مطلوب تا زمانی که سایر

۱۱۶ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

اسباب‌بازی‌های از روی زمین، جمع شوند می‌تواند مثالی خوبی در این مورد باشد. با این حال، مشخص شده است استفاده از تنبیه در بلندمدت می‌تواند منجر به بروز خشم و سایر پیامدهای نامطلوب رفتاری شود.

گزاره محرومیت - اشباع: گزاره اشباع به این موضوع اشاره دارد که استفاده زیاد از پاداش، موجب کاهش مطلوبیت آن می‌شود. گزاره محرومیت، برعکس اشاره به این موضوع دارد که اگر ارائه پاداش، مدتی متوقف شود، ارزشمندتر می‌شود. هر قدر فوایدی که یک نفر به خاطر اعمالش به دست می‌آورد، بیش‌تر باشد، احتمال این‌که فرد آن رفتارها را تکرار کند، بیش‌تر می‌شود. گزاره محرومیت - اشباع می‌تواند، بسیاری از اتفاقاتی را که درون خانواده‌ها می‌افتد، تبیین کند. اگر جعبه شیرینی‌ها همیشه پُر باشد، شیرینی‌ها نمی‌توانند به اندازه خوردن یک بستی در اتاق نشیمن، پاداش‌دهنده باشند. البته اگر به صورت مکرر از بستنی نیز به عنوان پاداش، استفاده شود، نهایتاً آن هم ارزش پاداش‌دهندگی خود را از دست خواهد داد. وقتی بحث هزینه به میان می‌آید، باید به این نکته مهم توجه کنیم که تعارض، بخش جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره است. اگر والدین فرصت ندارند کودک را برای خرید بستنی، بیرون ببرند، ممکن است ترجیح دهند از ترکیب شیرینی و انجام یک بازی رایانه‌ای به عنوان محرک پاداش‌بخش، استفاده کنند. این شیوه خوبی است که باعث می‌شود کودکان به تصمیم‌گیری عادت کنند؛ مهارتی که یکی از مهم‌ترین مهارت‌های زندگی، محسوب می‌شود.

گزاره پرخاش - تأیید: اگر افراد، تنبیه شوند یا پاداشی را دریافت کنند که کم‌تر از حد انتظار آن‌ها است، عصبانی خواهند شد و احتمالاً از خودشان رفتار پرخاشگرانه، نشان خواهند داد. با این حال، اگر افراد، پاداشی بیش‌تر از آنچه انتظار داشتند دریافت کنند یا تنبیهی را که انتظار داشتند دریافت نکنند، خوشحال خواهند شد و احتمالاً رفتارهای خوشایندی را از خود نشان خواهند داد. انتظارات، معمولاً منبعی از ناکامی هستند. پدری که یک هفته را سخت کار کرده و به عنوان پاداش

به‌خودش قول داده که آخر هفته را به کوهپیمایی اختصاص دهد، اگر مجبور شود به‌جای این کار با همسرش بیرون رود، احتمالاً رنجیده‌خاطر و عصبانی خواهد شد. خشم او می‌تواند خودش را در قالب رفتارهای منفعل - پرخاشگرانه نشان دهد؛ به این‌شکل که وی تلاش خواهد کرد تا جایی که امکان دارد آن روز را برای همسرش تلخ کند، دقیقاً همان کاری که همسرش با او کرد. نوجوانی که سرانجام از زمان ورودش به دبیرستان، موفق به کسب رتبه‌ی عالی می‌شود، انتظار تشویق زیادی از جانب والدینش را دارد. وقتی با این جمله‌ی والدینش روبه‌رو می‌شود که «این وظیفه‌ی تو بوده و کار خاصی انجام نداده‌ای»، احتمالاً عصبانی خواهد شد و دست از تلاش برای موفقیت تحصیلی بردارد. همچنین ممکن است چنین نوجوانانی، دست به نقض قوانین بزنند، با افراد ناباب دوست شوند و رفتارهایی را انجام دهند که می‌دانند باعث نارضایتی والدین‌شان خواهد شد.

گزاره‌ی عقلانیت: این گزاره، فراتر از جنبه‌های رفتاری مورد تأکید که در گزاره‌های قبلی برجسته بودند، می‌رود و جنبه‌های انتخاب عقلانی نظریه را نشان می‌دهد. این گزاره، بیان می‌کند وقتی افراد مجبورند بین دو یا چند گزینه‌ی مطلوب، یکی را انتخاب کنند، آن‌ها قبل از انتخاب، ارزش پاداش‌ها و احتمال دستیابی به آن‌ها را بررسی می‌کنند. پاداش‌های سطح بالاتر، در صورتی که احتمال دستیابی به آن‌ها کم باشد، در موقعیت پایین‌تری قرار می‌گیرند. برعکس، پاداش‌های سطح پایین‌تر در صورتی که احتمال موفقیت در دستیابی به آن‌ها بیش‌تر باشد، در جایگاه بالاتری قرار خواهند گرفت.

۱-۴- نظریه‌ی دلبستگی^۱

این نظریه نشان می‌دهد، در دوران شیرخوارگی یک سیستم دلبستگی ایجاد می‌شود تا مجاورت میان نوزادان و مراقبان آن‌ها را حفظ کند تا از

1- Selcuk E, Zayas V, Hazan C. Beyond satisfaction: The role of attachment in marital functioning. Journal of Family Theory & Review. 2010 Dec;2(4):258-79.

۱۱۸ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

این طریق، جان شیرخوار در شرایط تهدیدکننده و خطرآفرین، حفظ شود. اگر شکلی از دلبستگی وجود داشته باشد که نسبت به نیازهای نوزاد و رفتارهای مجاورت‌جویانه او هنگام احساس تهدید، حساس و پاسخ‌گو باشد، این نوع دلبستگی، آرامش فراوانی را برای نوزاد به‌همراه خواهد داشت. دستاورد مجاورت و محافظت، ایجاد احساس آرامش و امنیت برای نوزاد خواهد بود، این احساسات، علاوه بر احساساتی ایجاد می‌شوند که حاکی از داشتن یک حس روانی مثبت نسبت به خود و دیگران است. کودک یاد می‌گیرد چگونه در مواقع مختلف مواجهه با استرس در طول زندگی، هیجان خود را تنظیم و از راهبردهای مقابله‌ای که متشکل از ویژگی‌های منحصر به فردی است که بیان‌گر سبک دلبستگی او است، استفاده کند.

میزان در دسترس بودن، حساسیت و پاسخ‌گو بودن مراقب اصلی شیرخوار، سبک دلبستگی او را تعیین می‌کند. سبک دلبستگی همچنین بستگی به این دارد که فرد چه قدر خودش را از لحاظ دوست‌داشتنی بودن، باارزش یا بی‌ارزش می‌دانسته است. با توجه به رفتارهایی که از نوزاد در مرحله جدایی، مدت‌زمان جدایی و برقراری ارتباط مجدد با مراقب سر می‌زند، سبک دلبستگی نوزاد در قالب یکی از این سه گروه طبقه‌بندی می‌شود: ایمن، نایمن - دوسوگرا و نایمن - اجتنابی. موقعی سبک دلبستگی نوزاد به‌عنوان ایمن، طبقه‌بندی می‌شود که وی هنگام حضور مراقبش با آرامش محیط خود را کاوش می‌کند، ولی بعد از ترک مراقب، و در طول دوره جدایی از او احساس ناراحتی می‌کند، اما هنگامی که مجدداً با مراقب خود رابطه برقرار می‌کند، احساس راحتی و آرامش می‌کند. مادرانی که نسبت به نیازهای نوزادان خود حساس و پاسخ‌گو هستند، کودکانی ایمن خواهند داشت. موقعی سبک دلبستگی نوزاد به‌عنوان دوسوگرا، طبقه‌بندی می‌شود که وی هنگام جدایی و در طول آن، احساس ناراحتی و ناکامی می‌کند و در غیاب مادرش، غیرقابل کنترل می‌شود و همچنین نمی‌شود وی را مشغول نگه داشت، از طرفی وقتی مادرش باز می‌گردد علاقه کمی به کاوش محیطش دارد.

مادرانی که نوزادان دوسوگرا دارند، رفتار متناقضی داشته‌اند، به این شکل که برخی اوقات کلاً در دسترس نبوده‌اند، یا این‌که بیش از حد نسبت به فرزندان‌شان مهربان بوده‌اند. سبک دلبستگی نوزاد، در صورتی اجتنابی در نظر گرفته می‌شود که وی در طول جدایی، ناراحتی کمی از خود نشان دهد و وقتی مادرش باز می‌گردد، به دنبال برقراری تماس با او نیست. مادران نوزادان اجتنابی، دائماً فرزند خود را طرد می‌کنند.

محققین آزمودنی‌ها را از تولد تا جوانی، پیگیری کردند. آن‌ها متوجه شدند نگرش‌های فعلی جوانان از روابط عاشقانه فعلی‌شان، ریشه در تجارب دلبستگی با مراقبان اولیه در نوزادی داشت. علاوه بر این، آن‌ها دریافتند سبک‌های دلبستگی افراد هم در دوران نوزادی و هم نگرش‌های دوره جوانی با توجه به روابط عاشقانه فعلی‌شان کیفیت روابط عاشقانه آن‌ها را وقتی در سن ۲۰ سالگی بودند، پیش‌بینی می‌کرد. آن‌ها دریافتند دلبستگی ایمن در ۱۲ ماهگی، منجر به افزایش شایستگی اجتماعی در تعامل با همسالان، وقتی آن‌ها در مقطع ابتدایی بودند می‌شد. شایستگی اجتماعی، منجر به روابط ایمن دوستانه صمیمی در ۱۶ سالگی می‌شد. این موضوع به نوبه خود، تجارب هیجانات مثبت‌تر در روابط عاشقانه را در پی داشت، و براساس تکالیف تعاملی ضبط‌شده ویدیویی، آن‌ها هیجانات منفی کم‌تری را نسبت به همسر خود بروز می‌دادند.

با این حال، مطالعاتی وجود دارد که ارتباط ضعیف یا متوسطی را میان دلبستگی به والدین و دلبستگی به همسالان یا دلبستگی در روابط عاشقانه، نشان می‌دهد. نظریه دلبستگی، توجه‌ها را به سمت نقش تاریخیچه فردی در زندگی زناشویی جلب می‌کند؛ متغیری که در دیدگاه‌های رفتاری و تبادل اجتماعی، نادیده گرفته شده است. از سوی دیگر، نظریه دلبستگی با توجه به این‌که پیوندهای میان تجارب کودکی و روابط بزرگسالی را نشان می‌دهد می‌تواند یک نظریه تحولی نامیده شود، اما یک دیدگاه تحولی در مورد خود ازدواج در اختیار افراد قرار نمی‌دهد. نظریه دلبستگی به تنهایی این موضوع را توضیح نمی‌دهد که

چگونه زوجین در طول زمان، تغییر می‌کنند.

اگر بخواهیم به‌صورت خلاصه بیان کنیم، مطالعات موجود در مورد نظریهٔ دلبستگی دریافتند که تجارب اولیه با مراقب و پویایی‌های فعلی رابطه، در زندگی افراد، مهم هستند. علاوه بر این، برخی محققان در این زمینه بحث کرده‌اند که رابطهٔ ایمن در سال‌های کودکی می‌تواند تأثیرات منفی روابط بعدی را از بین ببرد. محققین دریافتند افرادی که نموده‌های رابطهٔ عاشقانه ناایمن با همسرشان را داشتند، اگر نموده‌های دلبستگی کلی ایمن را داشتند، مشکلات کم‌تر و تاکتیک‌های تعارض‌آفرین مشکل‌زای کم‌تری در زندگی داشتند. با این حال، اگر نموده‌های کلی دلبستگی آن‌ها ناایمن بود، مشکلات بیش‌تری را در تاکتیک‌های تعارض خود نشان می‌دادند. بنابراین این که رابطهٔ اولیه میان مراقب و نوزاد، اساسی برای روابط بعدی با اشخاص مهم زندگی فرد ایجاد می‌کند یا نه، همچنان مسأله‌ای بحث‌برانگیز است. هرچند ادبیات پژوهشی مروری در این حوزه، بر اهمیت این موضوع، تأکید می‌کنند که روابط فعلی، مدل‌های فعال‌سازی دلبستگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، این موضوع به معنای نفی تأثیر پیوندهای دلبستگی اولیه، روی پیامدهای رابطه یا بهزیستی در طول زندگی نیست. کیفیت پیوندهای اولیه با مراقبان هنوز در زندگی افراد، تأثیرگذار است.

۱-۵- نظریهٔ مثلث عشق استرنبرگ^۱

استرنبرگ این موضوع را مطرح کرد که عشق می‌تواند در قالب سه جزء اصلی که اجزای یک مثلث را تشکیل می‌دهند، در نظر گرفته شود: صمیمت، هوس و تعهد. هر سطحی از مثلث، بیان‌گر یک جزء متمایزکننده اما به‌شدت وابسته به هم از عشق است. صمیمیت، اغلب درونی‌ترین جزء در یک رابطهٔ عاشقانه است. صمیمت احتمالاً با خود - افشاسازی، آغاز می‌شود، و شامل در میان گذاشتن هیجانات و داستان‌ها با یکدیگر است. چنین به اشتراک گذاشتنی، منجر به احساسات وابستگی

1- DeVito JA, DeVito J. The interpersonal communication book. Boston, MA: Pearson/Allyn and Bacon; 2007.

و متحد بودن در روابط عاشقانه می‌شود، و احتمالاً در رابطه به‌عنوان گرما، درک و تجربه خواهد شد. به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری هیجانی در رابطه، صمیمیت می‌تواند به‌عنوان بنیان عشقی که به‌تدریج در حال شکل‌گیری است، در نظر گرفته شود که دستیابی به آن می‌تواند بسیار مشکل باشد. البته صمیمت همچنان می‌تواند در طول رابطه، ثابت باقی بماند. هوس، علایق شهوانی نسبت به یکدیگر را شامل می‌شود و تاحد زیادی، بیان تمایلات و نیازها است. این سائق‌ها به‌عنوان منبعی از انگیزه، عمل می‌کنند که می‌توانند منجر به جذابیت جسمی، و برقراری عشق و رابطه جنسی، در یک رابطه عاشقانه شوند. با این حال، هوس تنها محدود به جنبه‌های جسمانی نمی‌شود، بلکه می‌تواند عزت‌نفس و مراقبت از دیگری را نیز شامل شود. برخلاف صمیمیت، برانگیختگی روان‌شناختی و فیزیولوژیکی هوس، معمولاً با سرعت بیش‌تری ایجاد می‌شود، البته می‌تواند به‌سرعت نیز از بین برود. تصمیم/تعهد شامل تصمیم‌گیری در مورد این موضوع می‌شود که آیا زوجین باهم بمانند یا نه و اگر چنین روابطی با دیگران دارند آن را به حالت تعلیق درآورند. مدیریت اجزای عشق می‌تواند کاملاً پیچیده باشد، و کنترل هوس می‌تواند فوق‌العاده دشوار باشد. اما فردی که کنترل قابل‌توجهی روی جزء تصمیم/تعهد دارد می‌تواند روند رشد رابطه به‌سمت یک رابطه عاشقانه باکیفیت را تسریع کند یا آن را متوقف کند. تعهد و تصمیم می‌تواند تاحد زیادی، ناشی از یک طرح‌واره شناختی مشترک و تعهد به یک رابطه باشد، هرچند الزامی وجود ندارد که هر دو همزمان باهم وجود داشته باشند. بهترین توصیف برای تصمیم، انتخاب کوتاه‌مدتی است تا شخص خاصی را دوست داشته باشیم و به او عشق بورزیم، درحالی‌که تعهد که ارتباط نزدیکی با آن دارد، تعهد و برنامه‌های بلندمدت فرد برای حفظ یک رابطه عاشقانه خاص را شامل می‌شود. هم جزء هیجانی صمیمت و هم جزء شناختی تعهد/تصمیم معمولاً در روابط نزدیک، نسبتاً باثبات هستند. این موضوع به این معنا است

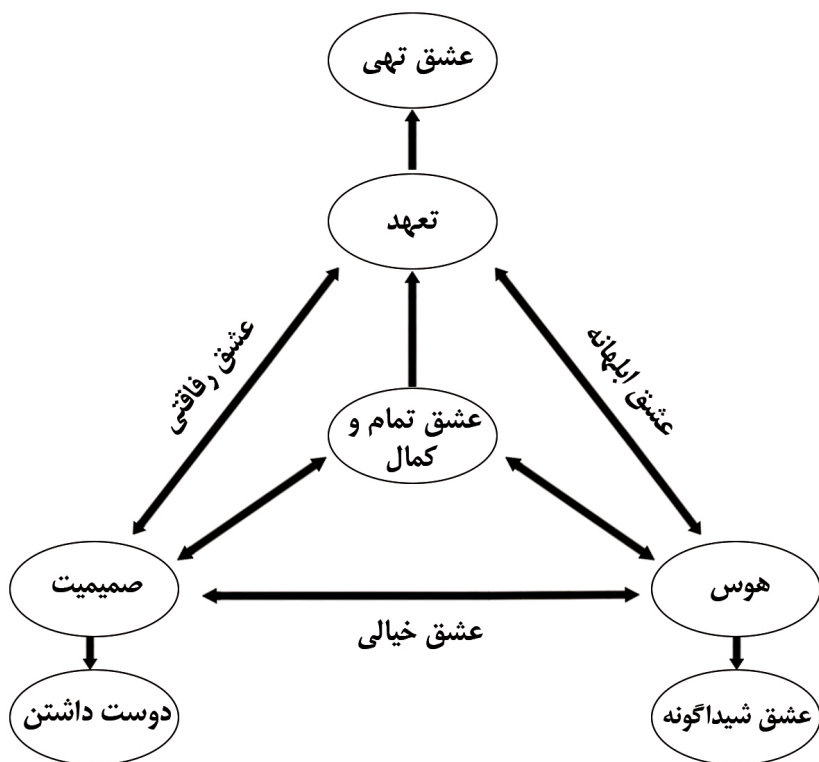
۱۲۲ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

که وقتی آن‌ها در رابطه‌ای تثبیت شدند می‌توان تداوم آن‌ها را انتظار داشت. با این حال به‌نظر می‌رسد، هوس کم‌تر باثبات و قابل پیش‌بینی باشد. علاوه بر این، هرچند برخی از افراد می‌توانند کنترل شناختی ذهن آگاهانه‌ای روی انتخابی که می‌کنند داشته باشند، آن‌ها قدرت تصمیم‌گیری بسیار کمی در مورد میزان هوس یا شور و شوقی که خواهند داشت، دارند. بنابراین این سه جزء عشق، از نظر ثبات در طول زمان و نیز میزان کنترل آگاهانه‌ای که می‌توان نسبت به آن‌ها اعمال کرد باهم متفاوت‌اند.

علاوه بر این، هرچند وجود هر سه جزء، ضروری است، اهمیت آن‌ها از یک رابطه به رابطه‌ای دیگر، فرق می‌کند و نوع عشقی که فرد ادراک می‌کند، بستگی به شدت رابطه این سه جزء باهم دارد. بنابراین این احتمال، کاملاً وجود دارد که در یک رابطه عاشقانه تثبیت‌شده در حال حاضر، یک، دو یا هیچ‌کدام از این اجزا وجود نداشته باشند، درحالی که همسر دیگر، بر تنوع ناهمسانی‌هایی که تاحدی وجود دارند، تأکید کند. در این نظریه، افراد تا اندازه‌ای یکدیگر را دوست دارند که سه جزئی را که توضیح داده شد، تجربه و اثبات کنند، و ترکیبات متفاوت این اجزاء، به‌طور قابل‌توجهی انواع مختلفی از عشق را همراه خواهد داشت. ترکیب‌های متفاوت این سه جزء، انواع عشق را ایجاد خواهد کرد:

عدم عشق، درحالی‌که اتفاق می‌افتد که هیچ یک از این سه جزء وجود نداشته باشند، سایر انواع عشق، حداقل یکی از اجزا را شامل می‌شوند. وقتی صمیمت یا دوست‌داشتن تنها وجود داشته باشد، افراد می‌توانند احساسات گرما و نزدیکی به‌هم داشته باشند ولی خبری از تعهد و هوس نیست. وقتی شور و اشتیاق (هوس) زیاد ولی تعهد و صمیمت، پایین باشد، عشق شید/گونه ایجاد می‌شود. این همان چیزی است که اغلب از آن تحت عنوان عشق شدید در نگاه اول، یاد می‌شود؛ این نوع عشق، معمولاً به‌صورت غیرمنتظره ظاهر می‌شود و به‌سرعت

هم از بین می‌رود. عشق تهی، یعنی عدم وجود صمیمت و هوس، اما با این حال فرد تصمیم گرفته که دیگری را دوست داشته باشد و واقعاً به آن عشق، متعهد شده است. شاید این نوع عشق را بتوان آغاز یک ازدواج برنامه‌ریزی شده توسط دیگران، توصیف کرد؛ یعنی این که «ما ابتدا ازدواج می‌کنیم و بعد عاشق هم خواهیم شد». عشق *ابلهانه*، هوس و تعهد زیاد را شامل می‌شود اما در آن خبری از صمیمیت نیست. در این جا تعهد/تصمیم، صرفاً براساس هوس گرفته می‌شود، بدون ایجاد بنیانی که تنها صمیمیت می‌تواند آن را فراهم کند. عشق *رفاقتی*، درحالتی اتفاق می‌افتد که میزان صمیمت و تعهد بالا باشد اما هوس پایین. این نوع عشق به بهترین شکل می‌تواند این گونه توصیف شود: رابطه دوتانه بلندمدت متعهدانه از آن نوعی که می‌تواند اغلب در ازدواج‌هایی رخ دهد که در آن‌ها، جذابیت جسمانی که عنصر کلیدی برای شور و اشتیاق (هوس) محسوب می‌شود، کاهش یافته باشد. عشق *رومانتیک* [آرمانی] زمانی اتفاق می‌افتد که میزان صمیمت و شور و اشتیاق (هوس)، زیاد ولی میزان تعهد، کم باشد. در این حالت، افراد تنها از نظر جسمی و هیجانی به سمت هم جذب می‌شوند. درنهایت، عشق *تمام و کمال*، زمانی اتفاق می‌افتد که هر سه جزء وجود داشته باشند. اکثر افراد، تلاش می‌کنند به این نوع، عشق کامل دست پیدا کنند، اما معمولاً رسیدن به این عشق که تاحدی نادر است، راحت‌تر از نگه داشتن آن است. بسیاری از عشق‌ها به شکل کامل و مشخص، در یکی از این طبقات، نمی‌گنجند و نکته مهم آن است که نباید هنگام تحلیل این اجزاء، تصویر بزرگ‌تر عشق را از یاد ببریم. عشق، در واقع کلتی چندوجهی و پیچیده است (شکل صفحه بعد).



۱-۶- نظریه بحران (مدل ABC-X استرس و سازگاری)^۱

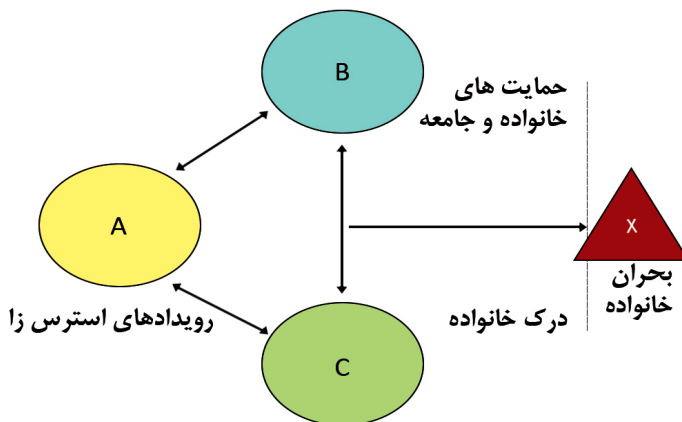
این مدل، چهارچوبی برای تحلیل عواملی است که رابطه میان رویدادهای استرس‌زا و بحران‌های درون خانواده را مشخص می‌کند. شکل‌گیری این مدل، تحت تأثیر ظهور مفاهیمی مانند «تاب‌آوری خانواده» قرار دارد؛ مفهومی که نشان می‌دهد خانواده‌ها بعد از مواجهه با رویدادهای سخت استرس‌زا می‌توانند راحت‌تر با آن‌ها کنار بیایند. در این مدل، واحد خانواده به‌عنوان یک سیستم که باید تعادل را حفظ کند تا بتواند کارایی داشته و منابع هیجانی و مادی مورد نیاز اعضایش را تأمین کند، در نظر گرفته می‌شود. رویداد استرس‌زا در تعادل خانواده، اختلال ایجاد

1- Lavee Y. Stress processes in families and couples. In: Handbook of Marriage and the Family 2013 (pp. 159-176). Springer, Boston, MA.

۲۵ دیدگاه‌های نظری پیرامون طلاق

می‌کند، بنابراین گویا سیستم خانواده باید مجدداً تعادلش را به دست بیاورد تا عملکردش مختل نشود.

وجود اختلال در عملکرد خانواده، بیان‌گر یک وضعیت بحرانی برای خانواده‌ها است. به عبارت دیگر، بحران‌ها زمانی اتفاق می‌افتند که به‌خاطر استرس ناشی از یک تغییر یا وقوع یک رویداد، خانواده‌ها نمی‌توانند کارکردهایی از قبیل اجتماعی شدن، تولید نسل، اشتراک منابع و ارائه حمایت عاطفی را داشته باشند. سیستم خانواده، ورودی‌ها و خروجی‌هایی را شامل می‌شود که توسط متغیرهای خاص مدل ABC-X بیان شده‌اند. متغیرهای اثرگذار عبارتند از: (A) یک رویداد خاص استرس‌زا، (B) منابع موجود خانواده و (C) ادراکات مرتبط با آن رویداد. متغیر خروجی این مدل (X) میزان بحرانی است که یک عامل استرس‌زا می‌تواند ایجاد کند؛ به نحوی که خانواده دیگر نمی‌تواند سلامت و کارآمدی خود را حفظ کند (شکل زیر).



۱۲۶ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

متغیر (A) در این مدل، بیان‌گر عامل، موقعیت یا رویداد استرس‌زای خاصی است که خانواده با آن مواجه می‌شود. یک عامل استرس‌زا می‌تواند هرگونه تغییر در بافت یا هنجارهای اجتماعی خانواده باشد؛ این تغییرات هم می‌توانند جنبه‌های منفی داشته باشند و هم جنبه‌های مثبت؛ مانند تغییرات شغلی که هم می‌تواند از بعد درآمدزایی، جنبه مثبت داشته باشد و هم از آن‌طرف نیازمند صرف زمان و انرژی بیشتر است که جنبه منفی آن محسوب می‌شود. هر موقعیت یا رویداد جدیدی که نیازمند سازگاری‌های قابل‌توجهی باشد می‌تواند علت ایجاد استرس به‌صورت فردی برای اعضای خانواده یا روابط درون خانواده، یا در سیستم خانواده به‌عنوان یک کل واحد باشد. عوامل استرس‌زای خانوادگی مواردی از قبیل استرس‌های شغلی، وظایف مرتبط با خانه‌داری، وضعیت سلامتی، یا خیانت زناشویی را می‌تواند شامل شود. در مدل ABC-X عوامل استرس‌زا به‌عنوان تغییراتی در نظر گرفته می‌شوند که می‌توانند یک بحران را ایجاد کنند. عوامل استرس‌زا هم عوامل و رویدادهای استرس‌زای درون و هم بیرون از خانواده را شامل می‌شوند؛ عواملی مانند بیماری، معلولیت یا مشکل سوء‌مصرف مواد مخدر. عوامل استرس‌زای متفاوت، تأثیرات متفاوتی بر خانواده نیز دارند.

متغیر B در این مدل، منابع موجود برای یک خانواده را توصیف می‌کند، منابعی که هنگام مواجهه با بحران می‌توانند به رفع آن کمک کنند. خانواده‌ها بدون دسترسی به منابع مناسب، وقتی با یک عامل استرس‌زا مواجه می‌شوند، به‌احتمال بیش‌تری بحران را تجربه خواهند کرد. منابع مقابله‌ای و یا سازگاری با استرس برای خود خانواده، درونی هستند و به ارزش‌های خانواده و ماهیت روابط خانواده ارتباط پیدا می‌کنند. سطح منابع روان‌شناختی فردی مانند عزت‌نفس و منابع خانوادگی مانند انسجام خانواده و سازگاری متقابل می‌توانند به خانواده‌ها برای مقابله با رویدادهای استرس‌زا کمک کنند. منابعی همچون تاب‌آوری، صبوری

و حوصله زوجین، اعتقادات مذهبی، نجابت، و حمایت‌های مثبت یا منفی والدین زوجین. علاوه بر این، منابع در دسترس خانواده می‌توانند شامل منابع مادی مانند ثروت و دارایی باشند، عواملی که به خانواده اجازه می‌دهند محدودیت‌های مالی را از بین ببرند و موانع دسترسی به سایر منابع را نیز از میان بردارند. در ابتدا در این مدل، تنها روی خود خانواده به‌عنوان یک سیستم بسته تمرکز می‌شد، ولی تحولات بعدی صورت‌گرفته در این مدل، محققان و نظریه‌پردازان را قادر ساخت تا خانواده را درون یک بافت بزرگ‌تر از سیستم‌ها و نهادهای اجتماعی در نظر بگیرند. اضافه کردن زمینه‌های اجتماعی به مدل ABC-X اجازه ورود منابع تنش‌زدا که بیرون از خانواده هستند را فراهم کرده است. براساس مدل به‌روز شده ABC-X منابع خانوادگی می‌توانند از طریق جامعه وسیع‌تر، اعضای خاصی از خانواده یا خانواده به‌عنوان یک کل، فراهم شوند. بنابراین نه تنها ویژگی‌های روان‌شناختی فردی و خانوادگی، بلکه ویژگی‌های چندسطحی (افراد، خانواده و جمع این دو) کفایت خانواده‌ها برای پاسخ به تقاضاهای یک موقعیت مشکل‌آفرین را تعیین می‌کنند. یک خانواده تعبیه‌شده درون جامعه و میزان منابع موجود در آن می‌تواند به توضیح این موضوع کمک کند که چرا برخی از خانواده‌ها که از فقدان منابع درونی، رنج می‌برند نیز همچنان می‌توانند از دست یک عامل استرس‌زا رهایی پیدا کنند و بحران ناشی از آن را مدیریت کنند. محققین انواعی از منابع خاص خانوادگی را شناسایی کرده‌اند؛ این منابع عبارتند از: منابع شناختی، هیجانی، جامعه و منابع معنوی، همچنین تحول فردی و ارتباطی.

متغیر C ادراکات و تعاریف و برداشت خانواده از یک موقعیت یا رویداد استرس‌زا را توصیف می‌کند. ادراکاتی که یک خانواده از عامل استرس‌زا دارند می‌تواند یک پیشگویی خودکام‌بخش ایجاد کند، مانند این که خانواده‌هایی که عوامل استرس‌زا را به‌عنوان بحران، تعریف می‌کنند در مقایسه با خانواده‌هایی که چنین برداشتی از عوامل استرس‌زا ندارند، به‌احتمال بیش‌تری بحران را تجربه خواهند کرد. ادراک یک رویداد

استرس‌زا به عنوان عاملی که می‌تواند منجر به بحران شود، می‌تواند به‌طور مؤثری خانواده‌ها را فلج کند. خانواده‌هایی که تعریفی منفی از عامل استرس‌زا دارند، ممکن است تحت تأثیر استرس و حالت‌های منفی روان‌شناختی، مانند افسردگی و اضطراب که بهزیستی و کارایی خانوادگی و فردی را کاهش می‌دهند، از پا بیفتند. برداشتی مثبت یا غیرمشکل‌آفرین از یک رویداد یا عامل استرس‌زا از طریق تفسیر یا بازتعریف آن می‌تواند به خانواده‌ها کمک کند از پیامدهای روان‌شناختی منفی و به‌تبع آن بروز بحران، پیشگیری کنند. به‌طور مثال برخورداری از روحیه شکرگزاری سبب می‌شود زوجین به نیمه پر لیوان زندگی نگاه کنند نه قسمت خالی آن.

علاوه بر این، برداشتهای کارکردگرایانه و پیش‌گیرانه از موقعیت‌ها و رویدادهای پُر استرس، باعث می‌شود خانواده‌ها روی علل ایجاد استرس و نه خود استرس، تمرکز کنند. برداشت خانواده‌ها از عامل استرس‌زا به عواملی مانند خانواده، ارتباطات درون خانواده، و نقش هریک از اعضای خانواد در فرایند معنادهی جمعی در پاسخ به عامل استرس‌زا مرتبط است. فرایند معنادهی جمعی مستلزم اختصاص علت استرس به یک منبع درونی یا بیرونی مانند تغییر در بافت موقعیتی است.

منابع تنش‌زدای در دسترس یک خانواده و نیز برداشتهایی که از عامل استرس‌زا می‌شود باهم در تعامل هستند، و این تعامل است که تعیین می‌کند آیا ظرفیت و توانایی سازگاری با یک رویداد استرس‌زا وجود دارد یا خیر. متغیر X در مدل، بیان‌گر میزان بحرانی است که بر اثر پیامد تعامل یک رویداد استرس‌زا با منابع موجود درون خانواده و نیز برداشت آن‌ها از آن رویداد استرس‌زا اتفاق می‌افتد. برای خانواده‌هایی که منابع کافی در اختیار دارند و برداشتهایشان نیز مناسب است، یک عامل استرس‌زا اصلاً نمی‌تواند بحرانی ایجاد کند. بحران، زمانی اتفاق می‌افتد که خانواده به‌علت عدم دسترسی به منابع مناسب و نیز ناتوانی در ارائه تعریفی کارآمد از عامل استرس‌زا و نیز شکست در مقابله با آن،

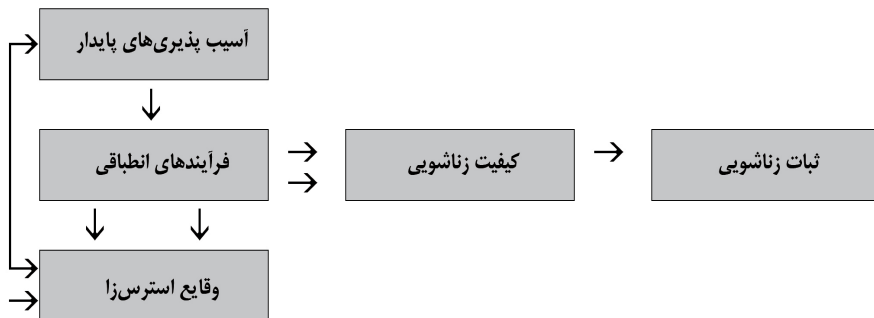
دچار اختلال در عملکرد، به هم‌ریختگی یا از کار افتادن شود. بحران‌ها می‌توانند با توجه به نوع و اثرشان روی خانواده متفاوت باشند، مثلاً براساس ایجاد اختلال در آن نوع از کارکرد که خانواده، دیگر قادر به ارائه آن نیست، کارکردهایی مانند تأمین منابع مادی، حمایت هیجانی، تربیت فرزندان و اجتماعی کردن آن‌ها. شیوه‌ای دیگر برای مفهوم‌سازی بحران این است که بحران زمانی اتفاق می‌افتد که به علت مواجهه با عامل استرس‌زا و نیز فقدان منابع، سازگاری‌ها از کار می‌افتند.

هرچند مدل ABC-X توسط هیل به‌عنوان مدلی در ارتباط با «مواجهه خانواده‌ها با بحران» تدوین شده است، تمرکز آن تنها بر توانایی خانواده‌ها برای کاهش استرس است نه بحران. در نسخه روز آمد این مدل، الگوی دومی از مدل ABC-X معرفی شده است تحت عنوان مدل دوتایی ABC-X، که هدف آن نه تنها تحلیل پاسخ‌های خانواده به عوامل استرس‌زا بود، بلکه تحلیل پاسخ‌های آن‌ها به یک بحران را نیز شامل می‌شد. بنابراین تدوین این مدل دوم، کمک کرده است تا دامنه زمانی مدل اصلی، گسترش پیدا کند و گذرگاه‌های جدیدی را برای محققانی که روی استرس خانوادگی و مقابله با آن کار می‌کنند، ایجاد کرده است. مدل دوتایی ABC-X هم متغیرهای اصلی مدل اول را شامل می‌شود و هم متغیرهای بعد از بحران را. متغیر بحران (X) به متغیرهای اصلی اضافه می‌شود؛ aA، bB، cC و xx نشان‌دهندهٔ تجمیع چند بحران و عوامل استرس‌زا است، bB بیان‌گر منابع موجود و جدید است، cC بیان‌گر برداشت‌هایی از بحران، تجمیع عوامل استرس‌زا و بحران‌ها و منابع موجود و جدید است، و xx نشان می‌دهد آیا خانواده در سازگاری با بحران، موفق بوده یا خیر.

نظریهٔ بحران به اهمیت نقش رویدادهای بیرونی در تغییر زندگی مشترک، اشاره می‌کند اما این نظریه توضیح نمی‌دهد چنین تغییراتی چگونه اتفاق می‌افتند.

۱-۷- نظریه آسیب‌پذیری - استرس - انطباق (VSA)^۱

مدل آسیب‌پذیری - استرس - انطباق، چهارچوبی برای مفهوم‌سازی فرایندهای پویای ازدواج است. تأکید این مدل، بر در نظر گرفتن چندین بُعد از عملکرد است، این ابعاد عبارتند از: آسیب‌پذیری‌های بلندمدت همسران، تجارب رویدادهای پُراسترس و فرایندهای انطباقی. از این ابعاد، برای بررسی تغییراتی که در کیفیت و ثبات زندگی زناشویی افراد رخ می‌دهد، استفاده می‌شود. این مدل، از این جهت، با مدل‌های قبلی خود فرق می‌کند که آن‌ها تنها یکی از این عوامل را به صورت جداگانه، مسئول پیامدهای ازدواج می‌دانستند، درحالی‌که در مدل فعلی، این عوامل جداگانه، باهم ترکیب و یک‌پارچه شده‌اند و یک چهارچوب واحد منسجم را تشکیل داده‌اند تا از این طریق، این موضوع را بهتر تبیین کنند که چرا و چگونه، زندگی‌های زناشویی در طول زمان، تغییر می‌کند. با استفاده از مدل VSA می‌توان درک کاملی از پدیده زندگی زناشویی به دست آورد، تحقیقات باید همه ابعاد کارکرد زندگی زناشویی را در نظر بگیرند، یعنی باید به صورت همزمان، آسیب‌پذیری‌های بلندمدت، استرس و فرایندهای انطباقی را بررسی کنند.



آسیب‌پذیری‌های پایدار شامل ویژگی‌های پایداری است که هر یک از زوجین آن‌ها را با خود به پیوند زناشویی‌شان می‌آورند (مثلاً

۳۱ دیدگاه‌های نظری پیرامون طلاق

ویژگی‌های شخصیتی و سطح تحصیلات). از سوی دیگر، حوادث استرس‌زا شامل تمام حوادث یا شرایطی است که توسط زوجین تجربه می‌شود (مثلاً مرگ یکی از اعضای خانواده، از دست دادن شغل). فرآیندهای انطباقی به تجربیاتی که در ازدواج رخ می‌دهند اشاره دارد، مانند رفتارهایی که در طی درگیری و یا ارزیابی‌های مربوط با این تعاملات رخ می‌دهد. آسیب‌پذیری‌های پایدار و وقایع استرس‌زا به طور غیر مستقیم از طریق فرآیندهای انطباقی بر رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارند. روابط زناشویی بین عوامل استرس‌زا و فرآیندهای سازگاری به صورت رابطه دو طرفه نشان داده می‌شود. انتظار می‌رود فرآیندهای انطباقی به نوبه خود، کیفیت زناشویی را تحت تأثیر قرار دهند (یا تحت تأثیر آن قرار گیرند) که در نهایت بی‌ثباتی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. بنابراین، این مدل تلاش می‌کند تا متغیرهایی که قبلاً شناخته شده‌اند مانند وقایع استرس‌زا (نظریه بحران) و رفتارهای آشکار (نظریه رفتاری) را با عوامل اضافی نظیر ویژگی‌های پایدار ترکیب نماید و مهم‌تر از آن، چارچوب یکپارچه‌ای برای تأثیر آنها بر کیفیت و ثبات زناشویی ارائه می‌دهد.

به طور مثال اگر یک زن و شوهر نسبت به هزینه کرد منزل، دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند (آسیب‌پذیری بالقوه)، این تفاوت دیدگاه ممکن است چالش برانگیز نشود تا زمانی که خانواده دچار تنگناهای مالی شود (استرس). در چنین شرایطی اگر زوجین مهارت‌های ارتباطی خوبی نداشته، یا تاب‌آوری نداشته و یا رفتارهای تکانه‌ای داشته باشند (سازگاری کم) احتمال بروز اختلاف و کاهش رضایت زناشویی بالا خواهد بود.

مدل VSA چنین فرض می‌کند که زوجینی که آسیب‌پذیری‌های بلندمدت کم‌تری دارند، با استرس‌های کم‌تری مواجه می‌شوند و فرایندهای انطباقی مؤثری را به کار می‌گیرند، احتمالاً زندگی زناشویی باکیفیت و باثباتی را تجربه خواهند کرد، درحالی‌که زوجینی که

۱۲۲ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

آسیب‌پذیری‌های بلندمدتی دارند، با استرس‌های زیادی مواجه می‌شوند و از فرایندهای انطباقی ناسازگارانه، استفاده می‌کنند، و کاهش کیفیت زندگی زناشویی و یا طلاق را تجربه خواهند کرد.

مدل VSA این نکته را بیان می‌کند که کیفیت تعاملات و رابطه رفتاری، به صورت متقابل، یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند به این شکل که (۱) تبادلات رفتاری همسران در زندگی زناشویی، باعث تغییر در میزان رضایت از زندگی زناشویی می‌شود، و (۲) رضایت از رابطه، تبادلات رفتاری همسران نسبت به هم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

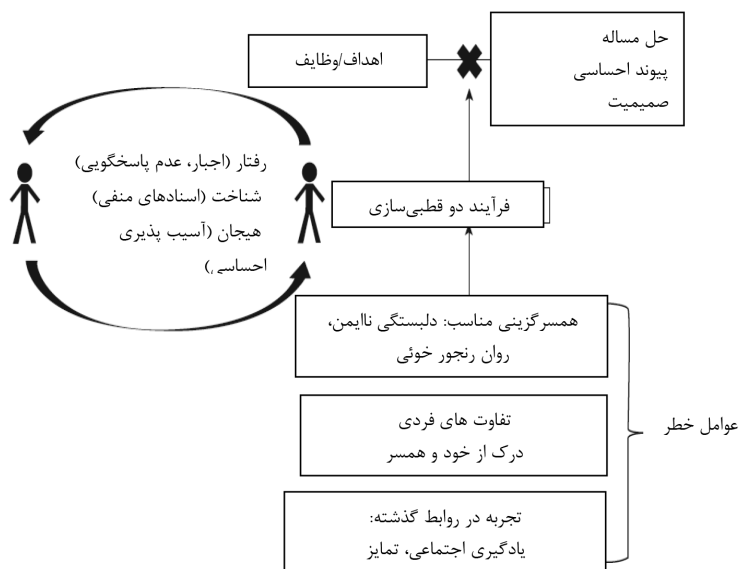
۱-۸- نظریه دوقطبی سازی^۱ و آبشار گاتمن

زندگی زناشویی موفق را می‌توان در توانایی همسران برای سازگاری و تحمل تفاوت‌های یکدیگر، همکاری باهم برای ایجاد و حفظ صمیمیت، انعطاف‌پذیری، و پاسخ به حل‌وفصل اختلافات متصور شد. در مقابل، همسران در ازدواج‌های ناسازگار اغلب در این فرآیندهای مشارکتی دخالت نمی‌کنند، بلکه اغلب نسبت به یکدیگر به شیوه‌هایی فکر، تعامل و تجربه می‌کنند که رسیدن به صمیمیت را سخت‌تر می‌سازد و درگیری‌های موجود را تشدید می‌نماید. به فرآیندهای رفتاری، شناختی و عاطفی تشدید کننده در ازدواج‌های ناسازگار به عنوان فرایندهای دو قطبی‌سازی اشاره می‌شود. فرایندهای دو قطبی‌سازی، ناسازگاری زناشویی را که به دلیل اختلافات فردی رخ می‌دهد تشدید می‌کند، تعارض، تقویت می‌گردد و همسران نسبت به یکدیگر تحمل کمتری پیدا می‌کنند. علاوه بر این، فرایندهای دو قطبی‌سازی تحت تأثیر عوامل خطر درون فردی، بین فردی و بین نسلی قرار می‌گیرند.

دو قطبی‌سازی یک فرایند پویا بین زوجین است که منابع ناسازگاری زناشویی را بزرگتر و اغراق آمیزتر می‌کند (شکل زیر). این اتفاق زمانی می‌افتد که تلاش برای حل مشکلات، ایجاد تغییر یا طلب ارتباطات

۳۳ دیدگاه‌های نظری پیرامون طلاق

احساسی، ناکارآمد هستند و باعث می‌شود که زوجین احساس ناامیدی و نارضایتی کنند و در طول زمان از هم جدا شوند. بنابراین نتیجه نهایی دو قطبی‌سازی این است که وظایف و اهداف اساسی برای ساختن و حفظ یک ازدواج سالم قطع می‌شود. فرایند دو قطبی‌سازی شامل رفتارها، شناخت‌ها و احساساتی است که موجب ناسازگاری در ارتباط بین زوجین می‌شود.



مدل دو قطبی‌سازی

زوجین در ازدواج‌های رضایت‌بخش معمولاً به شیوه‌های تطبیقی پاسخ می‌دهند که نه تنها از درگیر شدن در فرایندهای دو قطبی‌سازی جلوگیری می‌کنند، بلکه جنبه‌های متعدد عملکردی رابطه مانند تعهد، حل تعارض، اعتماد و رضایت از رابطه را نیز ترویج می‌کنند. این رفتارها و شیوه‌های تطبیقی عبارتند از: وفاداری (به عنوان مثال، صبوری، همدلی در پاسخ به انتقاد طرف مقابل)، خودکنترلی (به عنوان مثال، مقاومت در برابر تکانش‌ها برای پاسخ منفی زمانی که طرف مقابل بد رفتار کرده است) و بخشش. رفتارهای تطبیقی، نه تنها از درگیر شدن در چرخه‌های

۱۳۴ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

رفتاری دو قطبی‌سازی محافظت می‌کنند، بلکه با کاهش احتمال دو قطبی‌سازی شناختی، از قبیل فحاشی به یکدیگر به علت کاستی‌های درک شده نیز از فرآیند دو قطبی‌سازی جلوگیری می‌نمایند.

اغلب رفتارهای دو قطبی‌سازی که از آن به عنوان تله متقابل یاد می‌شود، شکل رفتارهای اجباری یا طرد کننده را به خود می‌گیرند و از سویی پاسخگویی به آسیب‌پذیری را در دید زوجین کمرنگ می‌نمایند. تهدید و اجبار معمولاً در تعارضات، زیاد دیده می‌شود، اجبار، به استفاده از رفتارهای اجتنابی از جانب یکی از زوجین اطلاق می‌شود که برای تغییر رفتار طرف مقابل تلاش می‌کند. رفتارهای اجباری معمولاً در یکی از دو دوره دو قطبی‌سازی دیده می‌شوند: (۱) مقابله به مثل منفی، یا (۲) الگوی تعاملی تقاضا-کناره‌گیری. مقابله به مثل منفی، یک حلقه بازخورد از رفتار منفی را توصیف می‌کند که در آن تلاش برای تغییر اجباری توسط یکی از زوجین، بالعکس منجر به پاسخ‌های منفی طرف مقابل می‌شود. در الگوی تعاملی تقاضا-کناره‌گیری، یکی از زوجین (متقاضی)، با نق زدن، انتقاد و یا شکایت در تلاش برای ایجاد تغییر است، در حالی که طرف دیگر (کناره‌گیر) حاضر به بحث در مورد تغییر نیست، موضوع مکالمه را تغییر می‌دهد، و یا به سادگی تعامل را در تلاش برای حفظ وضعیت موجود، متوقف می‌کند. بنابراین به خودی خود، احتمال بیشتری به افراطی شدن یا دو قطبی‌سازی بوجود می‌آید. به عنوان مثال، اگر فرد تقاضاگر، به شریک زندگی خود نق بزند تا اینکه وی را تسلیم خود سازد و تغییر مورد نظر در رفتارش را انجام دهد، تقاضاگر با دریافت آنچه که می‌خواهد، تقویت مثبت می‌شود و فرد کناره‌گیر به دلیل این که دیگر نیازی به تحمل نق زدن‌ها ندارد، تقویت منفی می‌گردد. این فرآیند، احتمال تشدید و طولانی شدن هم تقاضاها و کناره‌گیری و فاصله‌ها در آینده را تقویت می‌کند.

علاوه بر تعارضات، تلاش‌های ناموفق برای ایجاد صمیمیت یا طلب حمایت، شکل‌های دیگر دو قطبی‌سازی رفتاری است. به این شکل که

یکی از زوجین تلاش می‌کند تا از نظر احساسی با شریک خود ارتباط برقرار کند (به عنوان مثال، خود افشاگری آسیب‌پذیری‌ها یا تلاش برای ایجاد تماس فیزیکی صمیمانه) و پاسخ رفتاری و بی‌توجهی طرف مقابل موجب می‌شود تا همسر افشاگر احساس دوست داشته نشدن، نادیده گرفته شدن و یا طرد شدگی کند. وقوع تکراری این چرخه موجب کاهش اعتماد و افزایش خطر ایجاد وابستگی نایمن بین زوجین، و همچنین درگیر شدن در رفتارهای اجباری و دو قطبی‌سازی در هنگام تعارضات می‌شود. کم‌کم زوجین به تهمت زدن به یکدیگر می‌پردازند، یکدیگر را به شیوه‌های غیر محبت‌آمیز می‌نگرند، و تفاوت‌ها را به عنوان نقص در دیگری درک می‌کنند. همسران دو قطبی اغلب مشکل تنظیم هیجانات قوی را دارند و با ابراز احساسات «شدید»، طرف مقابل را به سختی مورد انتقاد قرار می‌دهند و این رفتارها منجر به سرزنش، تحقیر، خصومت، سوء تفاهم و جدایی بیشتر می‌شود.

افرادی که در اثر عوامل خارجی و استرس‌ها دچار واکنش‌های شدید احساسی شده و حتی دست به رفتارهای تکانه‌ای و کنترل نشده می‌زنند، دچار آسیب‌پذیری هیجانی هستند. در دوران نامزدی همسران تلاش می‌کنند تا خصوصیات مشکل‌ساز را پنهان کنند و تلاش‌های بی‌ثمری برای نادیده گرفتن ناسازگاری‌ها در طول دوران معاشقه انجام دهند، اما این تلاش‌ها پس از ازدواج به سرعت از بین می‌روند. جنبه‌های شخصیتی زوجین که به ناسازگاری زناشویی کمک می‌کند، از مراحل اولیه رابطه آشکار می‌شود و همسران واکنش‌های هیجانی و شناختی نسبت به این جنبه‌های شخصیت که نسبتاً در طول ازدواج پایدار مانده‌اند نشان می‌دهند.

مدل "فرایند آبشار گاتمن" یا "چهار اسب سرکش گاتمن" در واقع برخاسته از نظریه دوقطبی‌سازی است. این نظریه، انحلال زناشویی را به عنوان یک فرایند آبشاری نشان می‌دهد که شامل چهار رفتار منفی است که همچون چهار اسب سوار زندگی زناشویی را به ورطه نابودی

می‌برند. این چهار رفتار منفی به صورت آبشاری به دنبال هم بوقوع می‌پیوندند. این رفتارها عبارتند از/انتقاد (حمله لفظی به شخصیت طرف مقابل)، تحقیر و/هانت (از بالا به پایین نگاه کردن به همسر)، کناره‌گیری (عقب نشینی و عزلت اختیار کردن)، سکوت (نداشتن واکنش عاطفی و خودداری از پاسخگویی). گاتمن معتقد است اختلاف نظرهای عمده و بزرگ باعث شکست زندگی زناشویی نمی‌شوند، بلکه نحوه برخورد زوجین با اختلافات است که منجر به جدایی می‌شود. وی معتقد است اغلب زوج‌ها سعی می‌کنند عقاید و نظرهای طرف مقابل را عوض کنند و به این امید ازدواج می‌کنند که طرف مقابل را عوض کنند. وی می‌گوید رمز ازدواج‌های موفق این است که دو طرف همواره سعی کنند یکدیگر را همان‌طور که هستند بپذیرند. این گروه از زوج‌ها درک کرده‌اند که مشکلات در زندگی اجتناب‌ناپذیر هستند، مانند برخی دردهای فیزیکی مثل زانو درد و کمر درد و سوء هاضمه و غیره، که تمامی ندارند و باید با آنها کنار بیایند.

۹-۱- نظریه زوال تدریجی خانواده^۱

نظریه زوال تدریجی خانواده، در دهه ۱۹۸۰ مطرح شد. بر این اساس، روندهایی مانند این که زنان فرزندان کم‌تری به دنیا می‌آورند، مادران به جمع افراد شاغل می‌پیوندند، تغییر نقش‌های زناشویی مادران، تغییر ساختارهای خانواده، شامل افزایش شمار خانواده‌های دارای ازدواج مجدد، تغییر زندگی زناشویی، طلاق، افزایش نرخ زندگی‌های مشترک بدون ازدواج و سایر عوامل نهادی، همگی بیان‌گر زوال تدریجی واضح خانواده به عنوان یک نهاد هستند. تحقیق او نشان داد خانواده‌ها دیگر در حفظ اهداف و عملکرد خانواده، سرمایه‌گذاری نمی‌کنند.

بحث در مورد ساختار خانواده، معمولاً شامل مسائل موجود در نظریه عملکردی ساختاری است. فرض این نظریه بر این است که ساختارهای

1- Laplant KM. Family Decline Theory. Encyclopedia of Family Studies. 2016 Feb 23:1-5.

مشخصی باید در جامعه وجود داشته باشد تا جامعه بتواند به‌درستی عمل کند و هر ساختاری، کارکرد خاص خودش را دارد. به همین خاطر، تغییر ساختار خانواده می‌تواند با توجه به عملکرد جامعه، تغییر یا هرج و مرج در آن را به دنبال داشته باشد. برای مثال، ساختار خانواده هسته‌ای - که از پدر، مادر و فرزندان تشکیل شده است - همان‌گونه که توسط این فرضیه فرض شده است، کمک به جامعه برای حفظ حرکت آرام آن است. به‌صورت سنتی، نقش مادران این بوده است که در خانه بمانند و از فرزندان و خانه مراقبت کنند، فرزندان نیز به مدرسه می‌رفته‌اند، پدران نیز در نیروی کار و اقتصاد مشارکت داشته‌اند. با این حال، تغییر و تحولاتی که در ساختار خانواده ایجاد شده است، مانند این که زنان نیز به جمع نیروی کار جامعه پیوسته‌اند، می‌تواند این تعادل را از بین ببرد. به همین ترتیب، مادر مجردی که از کمک‌های مردمی برخوردار است و شغلی ندارد، و بنابراین در اقتصاد جامعه، مشارکتی ندارد، براساس این نظریه می‌تواند به‌صورت بالقوه، منبعی برای این عدم‌توزان باشد.

از دهه ۱۹۵۰ به بعد این نوع نگاه به خانواده از منظر دیدگاه کارکردی-ساختاری، تغییر کرده است. به همین ترتیب، کارکرد اصلی خانواده‌ها از نظر تاریخی این بوده که فرزندانی را به دنیا بیاورند و آن‌ها را پرورش دهند تا به‌عنوان بخش مولد و کارآمد جامعه، فعالیت کنند. با این حال، خانواده‌های کم‌تری، فرزندان زیادی دارند و برخی خانواده‌ها اصلاً فرزندی ندارند، بنابراین، این کارکرد سنتی خانواده از بین رفته است. براساس نظریه زوال تدریجی خانواده، استدلالی که بیان می‌شود این است که چون خانواده‌ها دیگر قادر نیستند این کارکرد را برآورده کنند، به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، در حال ضعیف شدن هستند.

در دهه ۱۹۵۰ در آمریکا تنها ۱۶ درصد مادران دارای فرزند، بیرون از خانه کار می‌کردند، درحالی‌که این درصد در اواسط دهه ۲۰۰۰ به ۶۰ درصد رسیده بود. تغییر در تعداد زنانی که بیرون از خانه کار می‌کردند موجب تغییر در روند تربیتی فرزندان خانواده شد. درحالی‌که قبلاً فرزندان

۱۳۸ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

تحت نظر مستقیم مادران‌شان تربیت می‌شدند، وظیفه تربیت فرزندان مادران شاغل به سایر نهادها سپرده شد. طرفداران نظریهٔ زوال تدریجی خانواده، چنین استدلال می‌کردند که وقتی مادران به‌عنوان تنها مسئول مراقبت از فرزندان‌شان بیرون از خانه کار کنند، این کار باعث می‌شود فرزندان‌شان با چندین پیامد منفی در آینده روبه‌رو شوند. باتوجه به این‌که اکنون زنان می‌توانند خارج از خانه کار کنند، شمار زنانی که می‌توانند از نظر مالی، مستقل باشند رو به افزایش است. این یک از عواملی است که می‌تواند توجیه‌کننده کاهش نرخ ازدواج باشد. در دههٔ ۱۹۵۰ زنان به‌خاطر تأمین امنیت مالی ازدواج می‌کردند. یک زن برای این‌که بتواند در جامعه باقی بماند و جان سالم به‌در ببرد نیاز به حمایت مالی همسرش داشت. اکنون زنان و مردان مجرد می‌توانند امنیت مالی خودشان را مستقلاً تأمین کنند. زنان مشاغلی دارند که به آن‌ها این امکان را می‌دهد بدون نیاز به حمایت مالی همسران‌شان، شیوهٔ خاص زندگی خودشان را داشته باشند. این افزایش استقلال مالی، به معنای آن است که زنان، دیگر نیاز ندارند برای تأمین امنیت مالی‌شان ازدواج کنند، همین عامل، باعث شده تا آن‌ها ازدواج‌شان را به تأخیر بیندازند یا اصلاً ازدواج نکنند. برخی از افراد، معتقدند کاهش نرخ ازدواج منجر به زوال خانواده‌های «سنتی» خواهد شد. به همین ترتیب، زنان فرزندان کم‌تری دارند یا اصلاً ترجیح می‌دهند فرزندی نداشته باشند. با توجه به بافت کشورهای غربی می‌توان چنین گفت که در این کشورها فرهنگ اصالت فرد، در حال حاکم شدن است، و والدین زمان کافی را برای بودن با فرزندان‌شان اختصاص نمی‌دهند. زنانی که بیرون از خانه کار می‌کنند نیز ترجیح می‌دهند فرزند کم‌تری داشته باشند یا این‌که اصلاً فرزندی نداشته باشند تا بتوانند در موقعیت شغلی‌شان پیشرفت کرده یا تثبیت شوند. تحقیقات کشورهای صنعتی نشان می‌دهد زنان امروزی در مقایسه با زنان دهه ۱۹۵۰ به‌علت ساعات زیاد کاری‌شان زمان کم‌تری را برای فرزندان‌شان صرف می‌کنند.

عامل دیگری که می‌تواند در کاهش نرخ ازدواج، نقش داشته باشد، تغییر

دیدگاه افراد در مورد کارکرد ازدواج است. در گذشته، افراد به‌خاطر تأمین امنیت مالی و یا پایبندی به سنت‌ها، ازدواج می‌کردند درحالی‌که امروزه هدف از ازدواج به تأمین نیاز عاطفی (عشق) تغییر کرده است. افراد، دیگر به کسی نیاز ندارند که آن‌ها را از نظر مالی، تأمین کند یا این‌که نان‌آور خانواده باشد و پایبندی به آداب و رسوم هم کمرنگ‌تر شده است، درحالی‌که اکنون، تمرکز ازدواج بر عشق و همراهی است. امروزه، ازدواج می‌تواند به‌عنوان مسیری در نظر گرفته شود که موجب خودشکوفایی فرد می‌شود، بنابراین وقتی فرد به این هدف دست پیدا نکند می‌تواند ازدواجش را به‌هم بزند و از همسرش جدا شود. هدف و ایده‌آل ازدواج برای عشق، نه‌تنها روی کاهش نرخ ازدواج، تأثیر گذاشته است، بلکه باعث افزایش نرخ طلاق نیز شده است. افزایش نرخ طلاق، یکی از علل اصلی زوال خانواده در آمریکا محسوب می‌شود. طلاق ساختار خانواده را تغییر داده و موجب سازمان‌دهی مجدد کارکردهای آن می‌شود. وقتی والدین مطلقه مجدداً ازدواج می‌کنند، فرزندی را که متعلق به خودشان نیستند به جمع اعضای خانواده اضافه می‌کنند، این خانواده‌ها حتی پیچیده‌تر از خانواده‌های اصلی می‌شوند. با این حال، چنین تغییراتی، همسو با تغییراتی است که هنجارها و ارزش‌های جامعه صنعتی غرب رخ داده است. احتمال این‌که افراد در یکی از این نوع خانواده‌های ترکیبی قرار گیرند، رایج‌تر شده است. با این حال، از منظر نقش‌های سنتی مرتبط با نقش‌ها و کارکردهای خانواده، این خانواده‌ها می‌توانند، نابه‌سامان تلقی شوند. درحالی‌که طلاق در قرن بیست‌ویکم، موضوعی پذیرفته شده است، در دهه ۱۹۵۰ طلاق به‌ندرت در آمریکا، اتفاق می‌افتاد. هنجار اجتماعی آن زمان این بود که وقتی دو نفر باهم ازدواج می‌کنند باید تا آخر، باهم بمانند. اما امروزه این‌که افراد ازدواج کنند، بعد طلاق بگیرند و بعد با دیگری ازدواج کنند و حتی این کار را چندین بار ادامه دهند، و یا حتی بدون ازدواج رسمی بچه‌دار شوند، چیز غیرمعمولی نیست. این تغییر در هنجارها و ارزش‌ها در طول تاریخ، باعث شده است برخی افراد به این نتیجه برسند که خانواده در حال

زوال است.

همچنین شمار زوجینی که صرفاً باهم زندگی می‌کنند بدون این که خود را به یک زندگی زناشویی رسمی پایبند کنند، افزایش یافته است. این نوع به اصطلاح ازدواج، اکنون رایج شده است، درحالی که در دهه ۱۹۵۰ چنین چیزی نابهنجار و انحراف تلقی می‌شد. زوجین الگوهایی برای فرزندان خود هستند، بنابراین در زوجینی که به صورت رسمی باهم ازدواج نمی‌کنند، ثبات کم‌تری وجود دارد که همین عامل می‌تواند منجر به از بین رفتن کارکرد خانواده شود.

ساختارهای خانوادگی جدیدی وجود دارند که بر اثر ازدواج‌های مجدد، ازدواج‌های غیرقانونی، یا روابط همجنس‌گرایانه شکل گرفته‌اند. این ساختارهای «جدید» خانواده، همچنین بیان‌گر تغییر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه نیز هستند. همچنان که ایده‌آل‌های فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی مانند فردگرایی و حقوق شهروندی ایجاد می‌شوند، این ایده‌آل‌ها خودشان را در قالب ساختار خانواده‌ها نیز نشان خواهند داد. بسیاری از محققان، این تغییرات را نشانه‌ای مبنی بر زوال تدریجی خانواده به عنوان یک نهاد می‌دانند، اما برخی دیگر، آن را تحولی می‌دانند که ناشی از تغییر نوع نگاه به خانواده‌ها در اوایل قرن بیستم و سال‌های پس از آن است.

بیش از یک سوم - حدوداً ۳۶ درصد - فرزندان در آمریکا توسط مادرانی متولد می‌شوند که ازدواج نکرده‌اند. براساس آمارهای فعلی از میزان طلاق، تقریباً انتظار می‌رود ۴۶ درصد مردان و ۴۸ درصد زنان بعد از اولین ازدواج خود، و قبل از اتمام ۲۰ سالگی ازدواج‌شان از هم طلاق بگیرند. نگرانی این جاست که رضایت‌مندی شخصی، بر تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به عنوان دلیلی برای ازدواج کردن و متأهل ماندن، برتری یافته است. ازدواجی که به عنوان یک رابطه شخصی تجربه می‌شود، بر نقش آن به عنوان نهادی اجتماعی که بسیاری از ابعاد زندگی اجتماعی (همانند فرزندپروری، مراقبت از سالمندان) را سازمان‌دهی می‌کند، برتری یافته است.

فصل دوم: عوامل خطر ساز و حفاظت کننده طلاق

۴۲ | نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

افزایش در نرخ طلاق از جمله ویژگی‌های قابل توجه دهه‌های اخیر در تغییر خانواده بوده است. برخی، آن را به عنوان نشانه اختلال اجتماعی و اخلاقی با پتانسیل براندازی نهاد خانواده و بنیادهای جامعه در نظر می‌گیرند. دیگران این روندها را به عنوان نشانه‌ای از افزایش آزادی فردی و از بین رفتن عواطف اجتماعی خسته کننده، جشن گرفته‌اند. طلاق یکی از وقایع مهم زندگی روزمره است، و می‌تواند باعث ایجاد استرس و آشفتگی فراوانی برای بسیاری شود؛ برای برخی دیگر می‌تواند به احساس آسایش و فرصت برای رشد شخصی منجر گردد. جای تعجب نیست که طلاق و بی‌ثباتی خانواده توجه زیادی را در بین دانشمندان علوم اجتماعی به خود جلب کرده است.

علیرغم اختلافات زیادی که پیرامون بسیاری از طلاق‌ها وجود دارد، بسیاری از ازدواج‌های ظاهراً کارآمد هم به طلاق می‌انجامند، و از طرف دیگر، همه ازدواج‌های مشکل‌دار پایان نمی‌یابند. این، ناهمگونی‌های طلاق‌ها، اهمیت عوامل موثر در طلاق یا گزینه‌های احتمالی فراتر از آن، و نیاز به فراتر رفتن از کیفیت و رضایت ازدواج به عنوان تعیین کننده‌ها را برجسته می‌سازد. به عبارت دیگر طلاق یک رویداد چند وجهی است.

اگرچه قدرت پیش‌بینی کننده‌های مختلف می‌تواند از یک کشور و یک دوره زمانی به کشور و دوره دیگری متفاوت باشد، ولی در بسیاری مواقع تحقیقات به نقاط مشابه اشاره می‌کنند. در این فصل به عوامل موثر بر افزایش یا کاهش احتمال طلاق از دیدگاه‌های متفاوت (جامعه‌شناسی، روانشناسی و جمعیت‌شناسی) پرداخته می‌شود.

۱-۲- نقش رضایت جنسی در رضایت زناشویی^{۱-۵}

یکی از مؤلفه‌های ارتباطی بالقوه مهم که می‌تواند روی رضایت‌مندی از زندگی زناشویی، اثرگذار باشد، رضایت‌مندی از رابطه جنسی است. صاحب‌نظران، میزان بسیار بالایی از وجود اختلال در عملکرد جنسی زوجین را نشان داده‌اند و میزان آن را تا ۵۰ درصد نیز اعلام کرده‌اند، و متخصصین به تأثیر این اختلال‌ها روی رضایت‌مندی و بهزیستی زوجین اشاره کرده‌اند. وقتی مسائل جنسی با اختلال در عملکرد یا فقدان مواجه می‌شوند، این موضوع نقش فوق‌العاده مهمی ایفا می‌کند، و این موضوع ۵۰ تا ۷۰ درصد صمیمت و احساسات خوب در زندگی زناشویی را از بین می‌برد. باتوجه به رابطه قوی‌ای که میان اختلال در عملکرد جنسی و کیفیت زندگی آسیب‌دیده وجود دارد، این مشکل باید به‌عنوان یک نگرانی مهم در حوزه سلامتی در نظر گرفته شود.

محققان نشان داده‌اند رضایت از جنبه‌های جنسی رابطه، واقعاً نقش مهمی در میزان رضایت‌مندی کلی افراد از رابطه زناشویی‌شان ایفا می‌کند. محققان به‌صورت خاص، دریافته‌اند زوجین رضایت‌مندی جنسی‌شان را به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه رضایت‌مندی و عملکرد زناشویی‌شان عنوان کرده‌اند. از سوی دیگر عکس این موضوع نیز صادق است. محققان،

1- del Mar Sánchez-Fuentes M, Santos-Iglesias P, Sierra JC. A systematic review of sexual satisfaction. *International Journal of Clinical and Health Psychology*. 2014 Jan 1;14(1):67-75.

2- Litzinger S, Gordon KC. Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *Journal of sex & marital therapy*. 2005 Oct 1;31(5):409-24.

3- Liu C. Does quality of marital sex decline with duration?. *Archives of Sexual Behavior*. 2003 Feb 1;32(1):55-60.

4- Schoenfeld EA, Loving TJ, Pope MT, Huston TL, Štulhofer A. Does sex really matter? Examining the connections between spouses' nonsexual behaviors, sexual frequency, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *Archives of sexual behavior*. 2017 Feb 1;46(2):489-501.

5- Gewirtz-Meydan A, Finzi-Dottan R. Sexual satisfaction among couples: The role of attachment orientation and sexual motives. *The Journal of Sex Research*. 2018 Feb 12;55(2):178-90.

۴۴ | نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

نشان داده‌اند رضایت‌مندی زناشویی در میان عواملی که بیش‌ترین ارتباط را با رضایت‌مندی جنسی دارند، جزو مهم‌ترین عوامل تأمین رضایت جنسی محسوب می‌شود. هر قدر میزان رضایت‌مندی زناشویی پایین‌تر باشد، احتمال عدم مشارکت در فعالیت‌های جنسی و جدایی بیش‌تر است؛ این موضوع، نشان‌دهندهٔ یک ارتباط قوی و تا حدی دوطرفه میان رضایت‌مندی زناشویی و جنسی است. هر چند برخی از تحقیقات، نشان داده‌اند زوجینی که شمار بیش‌تری از جر و بحث یا مشکلات را در رابطه‌شان نشان می‌دهند، لزوماً رابطهٔ جنسی کم‌تری باهم ندارند. اغلب محققان و متخصصان بالینی در این زمینه، اتفاق نظر دارند که تعارضات زناشویی، روابط جنسی را تضعیف می‌کند.

تحقیقات اولیه روی مسائل جنسی زندگی زناشویی، اغلب فراوانی و رضایت جنسی را دو پدیدهٔ مشابه، در نظر گرفته‌اند، به این معنا که افرادی که روابط جنسی بیش‌تری دارند، لزوماً باید رضایت‌مندی بیش‌تری از زندگی جنسی‌شان نیز داشته باشند. با این حال، محققان اکنون در این مورد، اتفاق نظر دارند که صرف تعداد روابط جنسی‌ای که همسران باهم دارند، نمی‌تواند قویاً با کیفیت روابط جنسی آن‌ها، آن‌گونه که قبلاً تصور می‌شد رابطه داشته باشد. وقتی روابط جنسی به قدر کافی میان زوجین وجود داشته باشد، زندگی زناشویی از نظر عاطفی، غنی‌تر می‌شود، و موقعی که روابط جنسی، شامل تعاملات عاطفی کافی نیستند، در این صورت، زندگی‌های زناشویی در معرض تهدید قرار می‌گیرند. این ایده که محتوای عاطفی زندگی زناشویی و ویژگی‌های روابط جنسی همسران، به صورت غیرقابل تفکیکی باهم ارتباط دارند، توسط دانشمندان علوم اجتماعی، متخصصان بالینی، و عموم مردم، پذیرفته شده است.

زوجینی که عواطف بیش‌تری نسبت بههم دارند، بیش‌تر باهم رابطهٔ جنسی خواهند داشت، و زوجینی که از هم انتقاد می‌کنند یا رفتارهای خصمانه‌ای نسبت بههم دارند، روابط جنسی کم‌تری باهم خواهند داشت. زوجینی که عواطف بیش‌تری نسبت بههم داشته باشند بیش‌تر

از زندگی فعال جنسی‌شان لذت می‌برند، زوجینی که بیش‌تر درگیر رفتارهای منفی نسبت به یکدیگر هستند، متوجه می‌شوند که رابطه جنسی کم‌تری باهم دارند.

به‌صورت خاص، جو کلی بین‌فردی حاکم بر زندگی زناشویی زوجین می‌تواند در رضایت جنسی همسران نقش داشته باشد. درست همان‌گونه که ابراز مهربانی یا مخالفت می‌تواند در این‌که زوجین چندبار باهم رابطه جنسی داشته باشند، نقش داشته باشد، این رفتارها می‌تواند این موضوع را نیز مشخص کند که همسران چه‌قدر رضایت از رابطه جنسی را دریافت می‌کنند. محققان، مدت‌ها به این موضوع، مشکوک بودند که همسرانی که مهربانی کم‌تری را نسبت به هم نشان می‌دهند، از نظر عاطفی، بیش‌تر از هم دور می‌شوند، درنتیجه، رضایت کم‌تری از زندگی جنسی‌شان خواهند داشت. زوجین که اعلام کردند توسط همسران‌شان بغل، بوسیده و نوازش می‌شدند، اغلب رضایت جنسی بیش‌تری را گزارش کرده بودند.

درحالی‌که همسرانی که میزان زیادی از مهربانی را نسبت به همسران خود نشان داده بودند نیز رضایت جنسی بیش‌تر را گزارش کرده بودند، افرادی که درگیر انجام رفتارهای خصمانه بیش‌تر نسبت به یکدیگر بودند، اعلام کردند رضایت کم‌تری از رابطه جنسی‌شان دارند. در یک تحقیق محققین دریافتند که در روزهایی که زن و شوهرها اعلام می‌کردند عصبانیت و اضطراب بیش‌تری نسبت به همسران داشته‌اند، همسران نیز این موضوع را تجربه می‌کردند که احساس شهوت در آن‌ها تضعیف شده است. همسرانی که مهربانی و عطوفت بیش‌تری از جانب همسر خود دریافت کرده‌اند، رضایت‌مندی بیش‌تری را از روابط جنسی‌شان گزارش می‌کنند.

جو بین‌فردی حاکم بر زندگی زناشویی زوجین می‌تواند تعداد دفعات رابطه جنسی آن‌ها باهم را نیز پیش‌بینی کند، به‌طوری‌که هر‌قدر رفتارهای بین‌فردی همسران نسبت به هم مثبت‌تر باشد، زوجین

۴۶ | نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

دفعات بیش‌تری باهم رابطه جنسی خواهند داشت، و از سوی دیگر هر قدر رفتارهای بین‌فردی همسران نسبت به هم منفی‌تر باشد، زوجین دفعات کم‌تری باهم رابطه جنسی خواهند داشت.

محققان، خصوصاً نشان داده‌اند زوج‌های ناراضی، از کمبود مهارت‌هایی رنج می‌برند که باعث می‌شود نتوانند گفتگو و ارتباط مؤثری باهم داشته باشند، و این کمبود مهارت، به شکل قابل توجهی باعث نارضایتی زناشویی می‌شود. نتایج تحقیقات، نشان می‌دهد فقدان مهارت‌های لازم در زوجین برای تنظیم ارزیابی احساسات و برقراری یک ارتباط مؤثر، باعث می‌شود زوجین، حالت دفاعی به خود بگیرند یا از مواجهه یک موقعیت تعارض‌آمیز، اجتناب و کناره‌گیری کنند، و این رفتارها به نوبه خود، عدم رضایت‌مندی زناشویی و انحلال زندگی زناشویی در آینده را پیش‌بینی می‌کنند. موقعی که زوجین یاد می‌گیرند بهتر باهم ارتباط برقرار کنند، زندگی جنسی آن‌ها بهتر می‌شود، تحقیقات مشابه، نشان می‌دهد که ارتباط جنسی، رضایت‌مندی جنسی و ارتباط زناشویی، همگی بعد از یک برنامه درمانی برای اختلالات جنسی، بهتر می‌شوند.

تعارضات ارتباطاتی حل نشده به عنوان یک عامل ایجادکننده اختلال جنسی عمل می‌کند و در نتیجه، اختلال جنسی می‌تواند به عنوان یک کاتالیزور برای شتاب بخشیدن به تعارض ارتباطی منفی و نیز آشفتگی زناشویی عمل کند. تأثیر مخرب تعارض در یک رابطه کلی زوجین، روی عملکرد جنسی‌شان و تأثیر تعارض منفی احاطه کننده عملکرد جنسی روی کیفیت کلی زندگی زناشویی زوجین، یک رابطه به هم پیوسته درونی است که نیازمند توجه دقیق درمانی است. تعارض، فرصتی برای افزایش صمیمت جنسی و عاطفی است، درحقیقت، این موضوع می‌تواند به عنوان یک داروی عاطفی افزایش‌دهنده میل جنسی، عمل کند؛ زیرا وقتی تعارض به صورت مطلوبی حل شود، همسران احساس مثبت و خاصی در مورد یک‌دیگر پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، حل و فصل سازنده تعارضات، صمیمت عاطفی را تسهیل می‌کند و این موضوع، برای

عملکرد سالم جنسی بلندمدت، امری ضروری است.

وقتی رضایت‌مندی جنسی و کیفیت ارتباط بین زن و شوهر، باهم در نظر گرفته می‌شوند، هر دو به‌صورت مستقل، با رضایت‌مندی زناشویی مرتبط هستند. با این حال، این نتایج همچنین نشان می‌دهد تعامل معناداری میان رضایت‌مندی جنسی و رابطه در تعیین رضایت‌مندی زناشویی وجود دارد. این نتایج، خصوصاً نشان می‌دهد وقتی همسران، در برقراری رابطه باهم خوب عمل می‌کنند، رضایت جنسی نمی‌تواند به‌طور معناداری، رضایت‌مندی زناشویی را پیش‌بینی کند. با این حال، وقتی همسران در برقراری رابطه باهم مشکل دارند، اگر آن‌ها رضایت‌مندی جنسی داشته باشند، در این صورت، در مقایسه با زمانی که رضایت‌مندی جنسی آن‌ها کم است، رضایت‌مندی زناشویی بیش‌تری خواهند داشت. درحالی‌که این نتایج، حمایت بیش‌تری را برای یافته‌های قبلی که اهمیت کیفیت ارتباط را در داشتن یک زندگی مشترک شاد نشان می‌دادند، فراهم می‌کنند، داده‌های فعلی نشان می‌دهند چگونه سایر متغیرها می‌توانند رابطه مستحکمی را که معمولاً میان کیفیت ارتباط و رضایت‌مندی زناشویی یافت می‌شود، تحت‌تأثیر قرار دهند. علاوه بر این، این نتایج نشان می‌دهند، رضایت‌مندی جنسی می‌تواند برخی از اثرات منفی را که ارتباط ضعیف می‌تواند روی رضایت‌مندی از رابطه داشته باشد، جبران کند.

اگر زوجین، مهارت‌های ارتباطی قوی‌ای داشته باشند، ممکن است نقش زندگی جنسی آن‌ها در رضایت‌مندی زناشویی‌شان در مقایسه با روابطی که در آن، زوجها کم‌تر می‌توانند ماهرانه باهم ارتباط برقرار کنند، ضرورت کم‌تری داشته باشد. زوج‌هایی که خیلی خوب باهم ارتباط برقرار می‌کنند، ممکن است به‌عنوان یک زوج، احساس موفقیت و رضایت‌مندی داشته باشند، و این احتمال، وجود دارد که رابطه جنسی آن‌ها از این‌که چیز بیش‌تری به سطح رضایت‌مندی کافی قبلی آن‌ها از رابطه زناشویی‌شان بیفزاد، ناتوان است. این موضوع می‌تواند برای

زوجینی که به علت مشغله‌های زیاد نمی‌توانند برای فعالیت‌های جنسی در زندگی‌شان اولویت قائل شوند، خبر خوبی باشد. همچنان‌که یافته‌های بالینی ادعا می‌کنند، وقتی رضایت‌مندی جنسی دارد به خوبی عمل می‌کند، «این عامل، یک مؤلفه مثبت یک پارچه است، اما یک عامل اصلی نیست» و تنها مسئول بخش کوچکی از رضایت‌مندی زناشویی است. این نتایج، همچنین می‌تواند حمایت اولیه‌ای را برای این موضوع فراهم کند که همسرانی که دارند اختلال در عملکرد جنسی را تجربه می‌کنند، ممکن است به رگم فقدان رضایت‌مندی جنسی، همچنان نسبتاً از زندگی زناشویی خود راضی باشند، البته به شرط این‌که آن‌ها بتوانند به صورت سازنده‌ای باهم ارتباط برقرار کنند. علت این موضوع می‌تواند این باشد که آن‌چه بیش از همه اهمیت دارد این است که زوج‌ها می‌توانند به صورت باز در مورد مسائلی که در زندگی‌شان وجود دارد، حتی رابطه جنسی‌شان باهم صحبت کنند. زوج‌هایی که می‌توانند به این شیوه باهم ارتباط برقرار کنند، می‌توانند به سطح مطلوبی از صمیمت در رابطه خود برسند، در نتیجه، زندگی جنسی آن‌ها، یا فقدان روابط جنسی در زندگی‌شان می‌تواند کم‌تر بر روابط آن‌ها اثر بگذارد. این نتایج به وضوح، بیان‌گر اهمیت داشتن یک ارتباط سازگارانۀ در رابطه، صرف‌نظر از میزان رضایت‌مندی جنسی موجود در رابطه می‌باشد.

زوجینی که در زندگی جنسی‌شان مشکل دارند، اما می‌توانند سازگارانۀ با یکدیگر، ارتباط برقرار کنند، می‌توانند به طور کلی از رابطه زناشویی‌شان احساس رضایت داشته باشند. تمرکز بر لذت حاصل از یک رابطه جنسی رضایت‌بخش می‌تواند حواس زوجین را از بررسی سایر مشکلات واقعی در زندگی‌شان پرت کند. بنابراین، در نظر گرفتن برخی از نتایج منفی که ممکن است از توان بالقوه رضایت‌مندی جنسی و ارتباط، جهت تضعیف اثراتی که آن‌ها می‌توانند به صورت متقابل روی رضایت‌مندی زناشویی بگذارند، ناشی شود مهم می‌باشد.

تحقیقات قبلی گزارش کرده‌اند فراوانی رابطه جنسی با افزایش طول

عمر رابطه زناشویی به عنوان اثر خالص مرتبط با سن، کاهش پیدا می کند. این موضوع، اغلب اشاره به «اثر ماه عسل» دارد؛ مدت زمان ازدواج، تأثیر کم و منفی روی کیفیت رابطه جنسی دارد. البته کیفیت رابطه جنسی به کندی در طول زندگی مشترک، کاهش پیدا می کند. به بیان دیگر تعداد رابطه جنسی بیش از کیفیت آن تحت تأثیر گذشت زمان ازدواج است. تحلیل تجربی داده ها همچنین نشان می دهد زنان متأهل در مقایسه با مردان متأهل، کم تر از روابط جنسی خود در زندگی زناشویی رضایت دارند. با این حال، هیچ گونه شواهد علمی در ادبیات پژوهشی درباره این موضوع وجود ندارد که کیفیت رابطه جنسی با افزایش مدت زندگی زناشویی کاهش قابل توجهی پیدا می کند.

۲-۲- نقش عوامل دموگرافیک^۱

جنسیت: دلایل ذهنی و حتی عینی طلاق در زنان و مردان تا حدی متفاوت است. بطور مثال شوهرانی که گزارش دادند از جانب همسرانشان، مورد تأیید قرار می گیرند نسبت به افرادی که چنین تصدیقی را دریافت نمی کنند، در معرض خطر طلاق کمتری قرار دارند. زنان نسبت به مردان به احتمال بیشتری مسائل احساسی یا مشکلات ارتباطی، متغیرهای شخصیتی همسر، مشکلات مصرف الکل همسر و سوء رفتارها را به عنوان علل طلاق بیان می کنند. شوهران به احتمال زیاد علل خارجی از جمله دخالت دیگران را به عنوان علت مربوط به طلاق مطرح می کنند. از این نظر، جنسیت به عنوان یک تعدیل گر بالقوه در رابطه بین سایر متغیرها و ثبات رابطه زناشویی، در نظر گرفته می شود، و نه یک پیش بینی کننده مستقل.

سن ازدواج: سن ازدواج، حتی پس از کنترل برای حضور فرزندان، یکی از قوی ترین پیش بینی کننده های طلاق در سال های اولیه ازدواج است.

1- Fine MA, Harvey JH, editors. Handbook of divorce and relationship dissolution. Psychology Press; 2013 Dec 19.

۵۰ | نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

در مورد مکانیسم‌هایی که ازدواج زودهنگام را با طلاق پیوند می‌دهند، استدلال می‌شود افرادی که در سن جوانی ازدواج می‌کنند، ممکن است با یکدیگر سازگاری کمتری و برای ازدواج آمادگی کمتری داشته باشند و فاقد منابع اقتصادی باشند. همچنین ازدواج در سنین بالاتر با کاهش مشکلات ناشی از خیانت، حسادت و مصرف مواد مخدر و نوشیدنی‌های الکلی همراه است. رفتارهایی که به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های طلاق نشان داده شده‌اند.

تحصیلات: در مورد تحصیلات، نتایج متناقضی از تحقیقات متفاوت بدست آمده است. اکثر تحقیقات به این نتیجه رسیده‌اند که در تحصیلات پایین احتمال طلاق بیشتر است، که بویژه سطح پایین تحصیلات برای هرکدام از زوجین پیش‌بینی‌کننده طلاق در چهار سال اول ازدواج است. برخی بالعکس معتقدند که سطح تحصیلات بیشتر در میان زنان، احتمال بیشتر طلاق را پیش‌بینی می‌کند. به جای این که تحصیلات را به عنوان متغیر مطلق در نظر بگیریم، همگونی سطح تحصیلات در زوج‌ها نیز مهم است. اگر شوهر سطح تحصیلی بالاتر نسبت به همسر داشته باشد، در مقایسه با زوج‌هایی که تحصیلات مشابهی دارند، نرخ طلاق پایین‌تر است و اگر میزان تحصیلات زن در مقایسه با شوهر بالاتر باشد، نرخ طلاق در بالاترین میزان خود قرار می‌گیرد. البته باید توجه داشته باشیم که تحصیلات به عنوان نماینده‌ای برای سایر متغیرهای جامعه‌شناختی مانند درآمد، توان اقتصادی زن، همبازی و مصرف مواد می‌تواند عمل نماید.

اشتغال/درآمد: از نظر اشتغال، در میان زوج‌هایی که در آن شوهر یا هر دو زوج در طول اولین سال ازدواج بی‌کار هستند، میزان طلاق افزایش می‌یابد. در میان خانواده‌های دارای فرزند، شیفت‌های کاری شبانه به جای روزانه، خطر طلاق را افزایش می‌دهد. جالب توجه آنکه افراد از گروه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی اغلب علل مختلفی را برای طلاق ذکر می‌کنند. افرادی که دارای وضعیت اجتماعی بالاتری هستند به

۱۵۱ عوامل خطر ساز و حفاظت کننده طلاق

احتمال بیشتر مسائل عاطفی یا مشکلات رابطه را مقصر می‌دانند، در حالی که افراد با وضعیت اجتماعی پایین‌تر علل اساسی مانند مشکلات مالی یا مصرف مواد را بیشتر ذکر می‌کنند.

برخی بر این باورند که درآمد شوهر با خطر طلاق، به طور معکوس رابطه دارد. با این حال، برخی نشان داده‌اند که پس از کنترل برای نژاد و تحصیلات، درآمد پیش‌بینی کننده طلاق نیست. برخی تحقیقات به این نتیجه رسیده‌اند که درآمد زنان با خطر طلاق، رابطه مثبت و خطی دارد. به زعم آنان وابستگی اقتصادی و وظیفه، پیش‌بینی کننده ثبات زناشویی است اما زمانی که منابع اقتصادی زوجین با هم برابر است، آن‌ها می‌توانند آزادانه طلاق بگیرند.

نژاد: تحقیقات کشورهای غربی نشان می‌دهد که زوج‌های سیاه پوست (آمریکایی‌های آفریقایی تبار) نسبت به زوج‌های سفید پوست، به احتمال بیشتری در طی ۱۴ سال اول ازدواج طلاق می‌گیرند. شواهد اخیر نشان می‌دهد از هم پاشیدگی رابطه زناشویی در زوج‌های دو نژادی بیشتر است. در حقیقت، هنگامی که مساله انحلال رابطه پیش می‌آید، نژاد به عنوان نماینده سایر متغیرهای جامعه شناختی مانند درآمد، تحصیلات، طلاق والدین و همبازی می‌تواند عمل نماید.

طول مدت ازدواج: به نظر می‌رسد خطر طلاق با افزایش طول ازدواج کاهش می‌یابد. بسیاری از مطالعات بر روی سال‌های اولیه ازدواج تمرکز کرده‌اند، زیرا خطر طلاق در طول سه سال اول ازدواج بیشتر است و بیش از یک سوم از طلاق‌ها در طی پنج سال اول رخ می‌دهد.

ازدواج مجدد: احتمال طلاق در ازدواج‌های دوم به طور معنی داری بیشتر از ازدواج‌های اول است، به‌طوری‌که خطر طلاق در ازدواج‌های دوم، ۲۵ درصد بیشتر از ازدواج‌های اول است. استدلال می‌شود افرادی که مجدداً ازدواج می‌کنند، همان متغیرهای درون‌فردی و بین‌فردی که در اولین ازدواجشان به طلاق منجر شده است را با خود به ازدواج دوم می‌آورند.

۵۲ | نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

طلاق والدین: خطر طلاق در میان افرادی که والدین‌شان طلاق گرفته یا جدا شده‌اند، افزایش می‌یابد. اثرات زیان‌بار طلاق والدین بر ثبات زناشویی فرزندان‌شان، ممکن است برای کودکانی که در زمان طلاق جوان هستند، بیشتر باشد. البته این تأثیرات بسته به جنسیت متفاوت است.

۲-۳- نقش عوامل اجتماعی / فرهنگی^۱

عوامل مرتبط با قانون: در آمریکا، یکی از واضح‌ترین عواملی که با افزایش چشمگیر نرخ طلاق همزمان شد، آسان شدن قوانین طلاق بود. قبل از سال میلادی ۱۹۶۹، زوج‌هایی که به دنبال طلاق بودند، باید ثابت می‌کردند که یکی از زوجین، قرارداد ازدواج را نقض کرده است. در آن سال، جنبش طلاق توافقی / یک‌جانبه در کالیفرنیا آغاز شد و در دهه بعدی در سراسر کشور مورد تقلید قرار گرفت. پس از آن، فقط و فقط یکی از زوجین باید اعلام می‌نمود که ازدواج «به صورت برگشت ناپذیری، شکسته شده» تا اجازه طلاق صادر شود. توجه داشته باشید که این زمان تقریباً با افزایش نرخ طلاق کاملاً مصادف شد و بعضی‌ها را به این نتیجه‌گیری هدایت کرد که آزاد سازی قانون طلاق، دلیل اصلی افزایش طلاق بوده است. البته تحقیقات گسترده نشان می‌دهد که تغییرات در قوانین طلاق، افزایش نرخ آن را به دنبال دارد اما باعث آن نمی‌شود. تأثیر تغییر قوانین در ایران، نیاز به تحقیق بیشتری دارد.^۲

مذهبی بودن: تشابه پایین مذهبی و ناهمگونی مذهبی با خطر بیشتر انحلال و از هم پاشیدگی رابطه زناشویی همراه است. صاحب‌نظران معتقدند افراد بسیار مذهبی، تنها تحت شرایط شدید، طلاق می‌گیرند. تحقیقات کشورهای صنعتی نشان داده است که دین‌داری پایین با میزان شادی زناشویی کمتر و تمایل بیشتر به طلاق ارتباط دارد.^۳

1- Braver SL, Lamb ME. Marital dissolution. In Handbook of marriage and the family 2013 (pp. 487-516). Springer, Boston, MA.

2- Safizadeh M and Nakhaee N. Causes of Increasing Trend of Divorce in Iranian Community: What Do the Experts Think?. J Fam Med. 2016; 3(4): 1064.

3- Ambert AM. Divorce: Facts, causes, and consequences. Ottawa,, Canada: Vanier Institute of the Family; 2005.

۱۵۳ عوامل خطر ساز و حفاظت کننده طلاق

همباشی قبل از ازدواج رسمی: اکثر تحقیقات در کشورهای مختلف اروپایی و آمریکا نشان داده‌اند که همباشی قبل از ازدواج رسمی، با سطوح پایین‌تری از رضایت زناشویی و افزایش خطر طلاق همبستگی دارد. همباشی پیش از ازدواج، حتی پس از کنترل طول مدت رابطه، پیش‌بینی کننده طلاق است و زوج‌های همباش، نرخ‌های بالاتری از طلاق را نسبت به زوج‌های غیر همباش نشان می‌دهند.

اشتغال زنان: نسل قبلی پژوهشگران بر این باور بودند که اشتغال و درآمد زنان عوامل خطر برای طلاق هستند. با این حال، مقالات اخیر درباره قدرت و حتی جهت این ارتباط، شواهد مختلفی را نشان می‌دهند. بر اساس تحقیقات دهه گذشته، چنین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که اولاً اشتغال زنان فی‌ذاته پتانسیل ایجاد تنش میان همسران بر سر تقسیم کار خانگی را دارد. محققین دریافتند که عدم انصاف در بخش تقسیم کار خانگی با کاهش شادی در ازدواج در میان همسران و احتمال افزایش طلاق همراه است. همچنین ساعت‌های کاری زن همواره موجب افزایش درک همسر از مشکلات زناشویی می‌شود. محققین همچنین دریافته‌اند که درآمد زنان، سایر ابعاد کیفیت زناشویی را با کاهش مشکلات اقتصادی درک شده بهبود می‌بخشد. به عبارت دیگر، اشتغال زنان، عواقب منفی و مثبتی دارد که می‌توانند همدیگر را دفع کنند و در نتیجه هیچ اثر خالصی بر ازدواج نداشته باشند. این اثرات خنثی کننده ممکن است مسئول بسیاری از تناقضات در ادبیات تحقیق در این موضوع باشد. دوم اینکه هرچند اشتغال و درآمد زن، ازدواج را بی ثبات نمی‌کند، اما ترک ازدواج ناراضی را برای زن و شوهرها راحت‌تر می‌سازد. مطالعات طولی نشان داده‌اند که اشتغال زنان موجب افزایش طلاق در ازدواج‌های ناراضی، اما نه ازدواج‌های راضی می‌شود.

عوامل فرهنگی/نگرشی: آماتو^۱ درباره ویژگی‌های نسل «اول من» اظهار داشت که فرهنگ آمریکایی به طور فزاینده‌ای فردگرا شده است و مردم به شدت گرفتار دستیابی به شادی فردی هستند. از آنجا که

مردم، دیگر تمایلی ندارند تا تعهد به دیگران، مانع آن‌ها شود، تعهد به رسوم سنتی مانند ازدواج که نیازمند چنین تعهداتی می‌باشد، از بین رفته است. در یک تحقیق مشهور در آمریکا، محققى استدلال نمود که مجلات محبوب و پر طرفدار، هم منعکس کننده و هم جلوه‌گر دیدگاه‌های فرهنگی هستند و میزان اشتراک برخی از این مجلات در سراسر زمان‌ها و مکان‌ها می‌تواند یک پنجره تجربی بر روی این روندها را بگشاید. بدین ترتیب آن‌ها داده‌های اشتراک را ایالت به ایالت و سال به سال برای چهار مجله زیر به دست آوردند: مجله خانه بانو^۱ (که تقریباً فقط توسط زنانی با ارزش و علایق نسبتاً سنتی خوانده می‌شود)؛ پلی بوی^۲ (نشانگر لذت‌گرایی مردانه)؛ کازموپالیتین^۳ (ارائه مشاوره در مورد شیوه‌های زندگی برای «زنان سرزنده و سبک‌سر» که به دنبال دستیابی به توانمندسازی، بهبود خود و تحقق جنسی هستند)؛ و خانم^۴ (ارائه دهنده ایدئولوژی‌های فمینیستی که با جنبش زنان رابطه نزدیکی دارد). با چیدمان نرخ‌های اشتراک در یک مدل چند سطحی در مقابل یک مقیاس سال به سال و ایالت به ایالت برای میزان (خام) طلاق، مشخص شد که تغییرات در نرخ طلاق در سطح ایالتی به خوبی با الگوهای اشتراکی آن ایالت برای مجله خانم همخوانی دارد و با روند اشتراک برای مجله خانه بانو در تضاد است. مهم‌تر از همه، آن‌ها تقریباً هیچ ارتباطی بین نرخ طلاق ایالتی و میزان اشتراک آن ایالت برای مجله پلی بوی یا کازموپالیتین را نیافتند. روی هم رفته، این یافته‌ها نشان می‌دهند که برخی، اما نه همه تغییرات در ارزش‌ها، با تغییر در نرخ طلاق همبستگی دارد. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد که هر چه زنی با دستورات جنبش آزادی زنان اتفاق نظر بیشتری داشته باشد، احتمال گرفتن طلاق وی هم بیشتر می‌باشد.

در جامعه فردگرا اولویتهای فرد بر خواسته‌های دیگران منجمله همسر

1- Lady's Home Journal

2- Playboy

3- Cosmopolitan

4- Ms.

تفوق دارد و زوجین ازدواج را تا زمانی ارزشمند می‌دانند که نیازهایشان برای رشد شخصی و خودکفایی را بر آورده سازد. اگر رابطه زناشویی دیگر این نیازها را برآورده ننماید، پس زوجین برای دور انداختن رابطه و جستجو برای شرکایی که این نیازها را بهتر برآورده کنند، احساس توجیه می‌نمایند. جایی که مردم تشویق می‌شوند تا «خوشحال» و «تحقق یافته» باشند، به این معنی است که ذهنیت زوجین در مورد ازدواجشان تحت تاثیر قرار گرفته است. به احتمال کمتر، ازدواج به عنوان یک نهاد متمرکز بر مسئولیت‌های متقابل دیده می‌شود و به احتمال بیشتری بر اساس شادی، تحقق و همدمی قرار می‌گیرد.

کم بودن تاب‌آوری خانواده: عجل بودن و کم بودن آستانه تحمل که ناشی از سبک تربیتی پدر و مادرهاست، مزید بر علت است. با توجه به فراهم بودن بسیاری از امکانات رفاهی و معیشتی در خانواده‌ها، زوجها نسبت به کمبودها و سختی‌های زندگی تحمل کمتری دارند و تمایل کمتری هم دارند تا فداکاری‌هایی را که شاید لازم باشد، انجام دهند. این بدان معنی است که احتمال این که زنان، روابط خشونت‌آمیز شوهران را ترک کنند، بیشتر است تا اینکه همانند دهه‌های گذشته تحمل نمایند.

مهاجرت: مهاجرت از کشوری به کشور دیگر به عنوان یک حادثه مهم زندگی، خود می‌تواند اثر القا کننده طلاق را در بر داشته باشد، به ویژه اگر یکی از همسران بیش از دیگری از این جا به جایی و مهاجرت سود ببرد. گروه‌های مهاجر می‌توانند خود را در جامعه ای ببینند که در آن میزان ازدواج و طلاق‌ها به طور قابل توجهی با کشور خودشان، تفاوت دارد. به طور خاص، بیشتر مهاجرت‌ها به کشورهای غربی از جوامعی صورت می‌گیرد که طلاق در آن‌ها کمتر است و قرار گرفتن در معرض محیط جدید می‌تواند موجب افزایش نرخ طلاق این گروه‌ها شود. در ازدواج‌های مختلط (ازدواج نژادها و گروه‌های مختلف) به طور کلی نرخ‌های انحلال بالاتری دیده می‌شود؛ هر چه زوجین از نظر فرهنگی

فاصله بیشتری داشته باشند، نرخ انحلال هم بالاتر خواهد بود.

۲-۴- نقش عوامل فردی

شخصیت: از میان متغیرهای شخصیتی که به عنوان پیش‌بینی کننده طلاق و انحلال و از هم پاشیدگی رابطه در نظر گرفته شده اند، روان رنجورخوئی^۱ (گرایش عمومی به تجربه تأثیرات منفی مانند ترس، غم و اندوه، خجالت، خشم، گناه) قوی‌ترین حمایت‌های تجربی را به دست آورده است. مطالعه‌ای نشان داد که اندازه‌گیری‌های روان رنجورخوئی که در دوران نوجوانی انجام می‌شود، می‌تواند پیش‌بینی کننده طلاق زنان در سن ۳۲ سالگی باشد. با این وجود، برخی محققین موفق به یافتن رابطه بین روان رنجورخوئی و طلاق نشدند.

پایین بودن روحیه سازگاری^۲ (تمایل به نوع دوستی، اعتماد، دلسوزی، همدلی، گرمی و سخاوتمندی) و سطح بالایی از برون‌گرایی^۳ (تمایل به خوش بینی، پر انرژی بودن، مثبت بودن، فعال بودن، پر حرفی و رفتارهای دوستانه) با احتمال از هم پاشیدگی زناشویی همبستگی نشان داده‌اند. مسئولیت‌پذیری^۴ (تمایل به کارآمدی، دقیق بودن، مبتکر بودن، سازمان یافتگی، بلندپروازی، کوشا و سازنده بودن) نیز به عنوان یک پیش‌بینی کننده بالقوه انحلال و از هم پاشیدگی ازدواج، مورد توجه قرار گرفته است؛ به طوری که که عدم مسئولیت‌پذیری زنان، با افزایش سطح طلاق همبستگی دارد.

ناخوشی‌های روانی: افرادی که آغاز یک یا چند اختلال روانپزشکی را پیش از یا در دوران ازدواج گزارش می‌کنند در مقایسه با افراد بدون آسیب‌های روانی، به احتمال بیشتری طلاق می‌گیرند. تمام اختلالات روانپزشکی، به استثنای فوبیای اجتماعی و فوبیای ساده، با افزایش شانس طلاق در اولین ازدواج همبستگی دارد. مانیا هم برای مردان و هم

1- Neuroticism

2- Agreeableness

3- Extroversion

4- Conscientiousness

۱۵۷ عوامل خطر ساز و حفاظت کننده طلاق

برای زنان، با بیشترین خطر انحلال زناشویی همبستگی دارد. اختلالات اضطرابی بیشترین شانس طلاق را در میان مردان نشان می‌دهد و به دنبال آن اختلالات خلقی و اختلالات مصرف مواد می‌آیند. در میان زنان، اختلالات مصرف مواد با بیشترین خطر انحلال و از هم پاشیدگی رابطه و با بیشترین خطر طلاق همبستگی دارد و به دنبال آن اختلالات خلقی و اختلالات اضطرابی قرار می‌گیرند. ویژگی‌های مرتبط با عدم سازگاری و تکانشگری/ یا مسئولیت‌پذیری، عوامل خطر برای طلاق زودهنگام هستند، در حالی که ویژگی‌های مرتبط با روان رنجورخوئی عوامل خطر هم برای طلاق زودهنگام و هم برای طلاق دیرهنگام هستند.

فکر کردن درباره طلاق: اگرچه فکر کردن درباره طلاق شایع تر از طلاق گرفتن است، احتمالاً لازمه (اگرچه کافی نیست) پیشروی در انحلال رابطه است. افکار طلاق ممکن است ناشی از نارضایتی ازدواج، ناسازگاری یا مشکلات جنسی در میان سایر مشکلات باشد (ارباخ و همکاران، ۱۹۹۹). جای تعجب نیست که بسیاری از عوامل اجتماعی-جمعیت شناختی و عوامل پردازشی که پیش‌بینی کننده طلاق هستند نیز پیش‌بینی کننده افکار طلاق می‌باشند و این نشان می‌دهد که این افکار می‌تواند رفتارهای مربوط به طلاق را میانجی کند (مثلاً تماس با یک وکیل). قومیت، ارتباط بین افکار طلاق و طلاق واقعی را تعدیل می‌کند؛ تفکر طلاق احتمال طلاق واقعی برای سفیدپوستان، اما نه برای سیاه پوستان را افزایش می‌دهد. جنسیت نیز چنین نقشی را می‌تواند داشته باشد. به طوری که افکار طلاق در مردان را جدی‌تر از افکار طلاق در زنان باید دانست.

۲-۵- نقش کیفیت رابطه بین زن و شوهر

رضایت زناشویی: در نگاه اول، تأثیر طولی رضایت زناشویی بر احتمال انحلال و از هم پاشیدگی رابطه، بدیهی به نظر می‌رسد زیرا تحقیقات نشان می‌دهند که رابطه مثبتی بین رضایت زناشویی و ثبات زناشویی وجود دارد. هنگامی که همسران در مورد شادی و رضایت ازدواج با هم

۵۸ | نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

توافق ندارند، تنها ازدواج‌هایی که در آن شوهر نسبت به همسرش ناراضی است، در معرض خطر افزایش طلاق هستند. البته قدرت رضایت زناشویی در پیش‌بینی طلاق به شرایط فرهنگی جامعه نیز بستگی دارد. بطور مثال رضایت زناشویی طلاق را در میان سفیدپوستان، اما نه سیاه‌پوستان با قدرت بیشتری پیش‌بینی می‌کند. هرچه فردگرایی و دیدگاه‌های لذت‌گرا (هدونیستی) در جامعه‌ای بیشتر حاکم گردد، فراوانی افرادی که در روابط ناخوشایند باقی می‌مانند، کمتر است. به بیان دیگر در جوامع مدرن، نارضایتی زناشویی با احتمال بیشتری طلاق را پیشگویی می‌کند.

پرخاشگری زناشویی: ثابت شده است که پرخاشگری زناشویی قوی‌ترین همبستگی را با اختلافات زناشویی دارد، بطوری‌که خشونت شوهر پیش‌بینی کننده قابل توجهی برای طلاق‌های آینده است. به هر حال در مطالعات متعدد وجود خشونت با زوال سریع رابطه زناشویی ارتباط داشته است. مشاهده شده است که زوجینی که در خطر بالای طلاق به علت خشونت قرار دارند به احتمال زیاد خشونت را کم ارزش جلوه می‌دهند و یا بهانه‌هایی می‌گیرند که ممکن است کمتر به دنبال درمان رفتارهای مشکل ساز بروند. این نشان دهنده اهمیت برنامه‌های پیشگیرانه ایست که برای رسیدن به افراد و آگاهی‌رسانی نسبت به اثرات مضر خشونت با هدف اصلی جلوگیری از آن، تلاش می‌کند.

تعاملات زناشویی: گذراندن وقت با هم با احتمال پایین‌تری از انحلال زناشویی همراه است. زوج‌هایی که در آنها نسبت رفتارهای مثبت (ابراز خشنودی، مهربانی، صبر و حوصله، همکاری) به رفتارهای منفی (داد زدن، غرغر کردن، ایراد گرفتن، لجبازی) از کل بیشتر است، به احتمال بیشتری ثبات را تجربه می‌کنند.

تأثیر پورنوگرافی (هرزه‌نگاری)^۱: پورنوگرافی، تهدید جدی برای زندگی زناشویی، خانواده و جامعه در مقیاس کلی محسوب می‌شود. این موضوع،

1- Fagan PF. The effects of pornography on individuals, marriage, family and community. Marriage and Religion Research Institute. 2009 Dec:1-26.

یک انتخاب شخصی نیست که فقط روی فرد اثر داشته و روی جامعه اثری نداشته باشد. پورنوگرافی هم رفتارها و هم نگرش‌های جنسی را تغییر می‌دهد و موجب تضعیف ازدواج و زندگی زناشویی می‌شود، که این موضوع به‌نوبه خود پایداری نهاد جامعه را تضعیف می‌کند. مردان متأهلی که درگیر پورنوگرافی هستند، کم‌تر از روابط زناشویی خود احساس رضایت می‌کنند، و از لحاظ عاطفی کم‌تر احساس دلبستگی به همسران‌شان دارند. در زوجینی که یکی از همسران به پورنوگرافی اعتیاد دارد، معمولاً فقدان علاقه به مقاربت جنسی و روابط خوب خانوادگی مشاهده می‌شود. افراد معتاد به پورنوگرافی، کم‌کم حساسیت‌شان را نسبت به مشاهده آن نوع از پورنوگرافی که از آن استفاده می‌کنند از دست می‌دهند و نسبت به تماشای آن حالت کسالت و خستگی پیدا می‌کنند، بنابراین، به‌دنبال یافتن اشکال نابهنجارتر تصاویر جنسی می‌روند.

تاثیر شبکه‌های اجتماعی^۱: شبکه‌های اجتماعی از مسیرهای مختلف کیفیت زندگی زناشویی را تهدید می‌کنند. رفتارهای اعتیادگونه استفاده از آن‌ها سبب غفلت از زندگی شخصی، اشتغال ذهنی، و تغییر خلق می‌شود. از سوی دیگر احساس حسادت را میان همسران برانگیخته و خود این عامل، سوءظن بیشتری را میان همسران ایجاد می‌کند، که سرانجام تأثیری منفی روی رابطه آن‌ها خواهد داشت. البته این نکته را هم باید در نظر داشت که افرادی که زندگی‌های زناشویی ناشادی دارند، ممکن است از شبکه‌های اجتماعی بیش‌تر استفاده کنند، چراکه سودمندی آن برای آن‌ها اثبات شده است.

خیانت^۲: بر اساس تعریف استاندارد از خیانت که توسط کنسرسیوم قانون بین الملل خیانت استفاده می‌شود، در تبیین مراحل خیانت، مصادیقی همچون فانتزی‌های جنسی خارج از ازدواج، صحبت کردن

1- Valenzuela S, Halpern D, Katz JE. Social network sites, marriage well-being and divorce: Survey and state-level evidence from the United States. Computers in Human Behavior. 2014;36:94-101.

2- Blow AJ, Hartnett K. Infidelity in committed relationships ii: A substantive review. Journal of marital and family therapy. 2005 Apr;31(2):217-33.

۶۰ | نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

با یک غریبه جذاب، معاشقه، و تبادل اطلاعات تماس، مد نظر قرار می‌گیرد. مطالعات نشان داده که مردان اگر از نظر جنسی ناراضی باشند، به احتمال بیشتری درگیر روابط جنسی خارج از ازدواج می‌شوند، در حالی که زنان اگر از لحاظ احساسی ناراضی باشند، به احتمال بیشتر درگیر رابطه جنسی خارج از ازدواج می‌شوند. افرادی که نگرش‌های جنسی آسان‌گیرانه‌ای دارند و کسانی که تعدد روابط جنسی قبل از ازدواج داشته‌اند نیز به احتمال بیشتری درگیر خیانت می‌شوند. سایر عوامل مانند تحصیلات بالاتر، زندگی در شهر، مذهبیت کمتر، داشتن ایدئولوژی و ارزش‌های آزادی خواهانه، داشتن فرصت‌های بیشتری برای دیدار با جنس مخالف، و داشتن سن بالاتر، احتمال درگیری فرد در یک رابطه خارج از ازدواج را افزایش می‌دهد.

تاب‌آوری خانواده: فرایندی است که در آن خانواده‌ها به‌صورت موفق، با مشکلات سازگار شده یا بر آن‌ها غلبه می‌کنند و در نتیجه، کاردان‌تر و نسبت به خودشان مطمئن‌تر می‌شوند. این عامل، اشاره به توانایی خانواده برای غلبه بر عوامل استرس‌زای حاد یا مزمن، گذارهای زندگی یا عوامل استرس‌زای چندگانه در طول زمان دارد. تاب‌آوری خانواده، زمانی اتفاق می‌افتد که عوامل موجود در خانواده، فرد و جامعه به خانواده‌ها کمک می‌کنند تأثیر رویدادهای ناراحت‌کننده را مدیریت کرده یا از تبعات ناشی از آن بهبود پیدا کنند.

۲-۶- مهمترین دلایل افراد برای طلاق گرفتن

زنان در مقایسه با مردان، تمایل دارند روابطشان را دقیق‌تر بررسی کنند، زودتر از مشکلاتی که در رابطه وجود دارد، آگاه می‌شوند و به احتمال بیشتری آن‌ها افرادی هستند که ابتدا بحث در مورد این مشکلات را با همسرشان آغاز می‌کنند. در مقابل، احتمال بیشتری وجود دارد که مردان از گفتگو در مورد مشکلاتی که در رابطه‌شان وجود دارد اجتناب و کناره‌گیری کنند. شاید به همین دلایل، زنان در مقایسه با شوهران‌شان احتمالاً زودتر بحث طلاق را مطرح کنند. به‌نظر

۱۶۱ عوامل خطرساز و حفاظت کننده طلاق

می‌رسد زنان در مقایسه با مردان، به احتمال بیش‌تری به مسائل ارتباطی یا عاطفی اشاره می‌کنند. زنان در مقایسه با شوهران، به احتمال بیش‌تری به رفتارهای منفی همسر مانند سوءاستفاده جسمی و عاطفی، سوءمصرف مواد، بیرون رفتن با دوستان و رفقا و غفلت از خانه و فرزندان اشاره می‌کنند. در مقابل، مردان در مقایسه با زنان، بیش‌تر به علل بیرونی طلاق، مانند کار یا مشکل داشتن با بستگان سببی، یا بی‌احترامی زنان به آنان اشاره می‌کنند. همچنین مردان در مقایسه با زنان، به احتمال بیش‌تری عنوان می‌کنند که نمی‌دانند علت طلاق چه بوده است!

فصل سوم: وضعیت طلاق در کشور

۳-۱- گذری اجمالی بر نحوه اندازه‌گیری شاخص‌های طلاق

چندین شاخص برای اندازه‌گیری وضعیت طلاق در یک جمعیت وجود دارد، که هریک نقاط ضعف خاص خود را دارند^۱.

الف) تعداد طلاق: با توجه به آنکه این شاخص مشخص نمی‌نماید این تعداد طلاق از چه جمعیتی برخاسته است، ارزش چندانی برای مقایسه بین جمعیت‌ها ندارد. البته برای پی بردن به وضعیت جامعه مورد مطالعه تا حدی مفید است.

ب) نرخ خام یا میزان ناخالص طلاق^۲: که عبارت است از تعداد طلاق‌های ثبت شده طی یکسال (و نه زوج‌های طلاق گرفته) به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت در آن کشور یا منطقه. حسن این روش سادگی محاسبه آن است، بطوری‌که در کشورهایی که آمار دقیق ندارند به

عنوان یک شاخص وضعیت تقریبی طلاق را نشان می‌دهد. ایراد این روش آن است که مخرج کسر کودکان و بیه‌ها و بزرگسالان مجرد را هم شامل می‌شود، به عبارتی صورت از جنس مخرج نیست. همه این افراد میزان طلاق را کاهش می‌دهند زیرا نمی‌توانند طلاق بگیرند! علاوه بر این، این محاسبه نسبت به تغییرات در ترکیب جمعیتی شناختی، آسیب‌پذیر است. ایراد آن وقتی بیشتر نمود می‌یابد که با استفاده از آن بخواهند درصد طلاق به ازدواج را بیان نمایند. به‌طور مثال در کبک کانادا ۲/۷ طلاق به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت و ۵/۴ ازدواج به ازای هر ۱۰۰۰ نفر رخ می‌دهد. بنابراین، نرخ طلاق ۵۰٪ از ازدواج بیان می‌گردد. چون این نرخ ۵۰ درصدی براساس ازدواج و طلاق‌هایی که در همان سال اتفاق می‌افتد، محاسبه می‌شود، در بعضی موارد به اشتباه مورد استفاده گسترده‌ای قرار گرفته است به‌طوری‌که بیان می‌شود که «۵۰ درصد از افرادی که در یک سال ازدواج می‌کنند، طلاق خواهند گرفت».

1- Crosby JF. A critique of divorce statistics and their interpretation. Family Relations. 1980 Jan 1:51-8.

2- Crude divorce rate

۶۵ وضعیت طلاق در کشور

باید به خاطر داشت طلاق‌هایی که در هر سال ثبت می‌شوند به ندرت برای زوج‌هایی اتفاق می‌افتد که در همان سال ازدواج کرده‌اند!

ج) میزان خالص طلاق: تفاوت این میزان با روش قبل (میزان ناخالص طلاق) در آن است که مخرج کسر جمعیت افراد دارای همسر در وسط همان سال است (نه کل جمعیت). این روش نیز آمار واقعی به دست نمی‌دهد زیرا متاثر از تعداد ازدواج‌هاست. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۲، ۱۰۵۰ طلاق به ازای هر ۱۰۰،۰۰۰ زوج متأهل در کانادا در مقایسه با ۱۳۰۲ طلاق در سال ۱۹۸۶ وجود داشت. این نیز یک اندازه جالب است، اما به سوال کلیدی، پاسخ نمی‌دهد: زوج‌هایی که امسال ازدواج می‌کنند چه شانس دارند تا در طول عمر خود مزدوج باقی بمانند؟ با این وجود، اطلاعاتی در مورد روند و الگو برای زوج‌های متأهل ارائه می‌دهد.

د) نسبت طلاق: در متداول‌ترین روش (بویژه در رسانه‌ها) که به نسبت طلاق معروف است، صرفاً تعداد طلاق‌ها در یک سال را بر تعداد ازدواج‌هایی که در همان سال اتفاق افتاده، تقسیم می‌کنند. این شاخص نشان می‌دهد در یک سال به ازای هر یک‌صد مورد پدیده ازدواج چند مورد طلاق روی داده است. اگر تعداد ازدواج‌ها کاهش یابد، همانطور که در ایران در حال وقوع است، نسبت طلاق در مقایسه با ازدواج‌ها به طور خودکار افزایش خواهد یافت، حتی اگر تعداد طلاق‌ها ثابت باقی بماند. لذا استفاده از تعداد ازدواج‌ها به عنوان مخرج کسر، روش دقیقی برای محاسبه نرخ طلاق نیست.

ه) میزان طلاق عمومی^۱: برای محاسبه این میزان، تعداد طلاق‌های یک سال (و نه زوج‌های طلاق گرفته) بر جمعیت بالای ۱۵ سال وسط همان سال به دست می‌آید. به عبارت دیگر از میزان خام طلاق کمی پالایش شده است و مخرج کسر، کسانی را شامل می‌شود که از نظر سنی، کمابیش توان ازدواج را دارند.

1- General divorce rate

۱۶۶ نرخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

و) میزان طلاق کلی^۱: پالایش شده‌ترین روش برای اندازه‌گیری طلاق، میزان طلاق کلی است، که تعریف ساده و عملیاتی آن شامل نگاه کردن به زوج‌هایی است که در یک سال خاص ازدواج می‌کنند و محاسبه نسبت انتظار برای طلاق قبل از سالگرد ۳۰ سالگی ازدواج آن‌هاست. به عنوان مثال، میزان طلاق کلی کانادا در سال ۲۰۰۴، ۳۷/۹ طلاق به ازای هر ۱۰۰ ازدواج می‌باشد، یعنی ۳۷/۹ درصد از همه ازدواج‌هایی که در سال ۲۰۰۴ صورت می‌گیرد تا سال ۲۰۳۵ به پایان می‌رسد، البته با این پیش شرط که «اگر نرخ محاسبه شده مدت زمان خاص طلاق برای ۲۰۰۴ ثابت باقی بماند». به عبارت دیگر، میزان طلاق کلی، پیش بینی میزان طلاق در آینده است که براساس الگوهای واقعی طلاق در سال اخیر صورت می‌گیرد. این روش، نزدیک‌ترین تخمین را به میزان طلاق در طول عمر می‌دهد، زیرا پس از ۳۰ سال ازدواج، طلاق‌های نسبتاً کمی اتفاق می‌افتد. با این وجود، این روش نمی‌تواند برای مقایسه در سراسر جهان استفاده شود، زیرا نیاز به ثبت آمار کافی و دولتی و محاسبات پیچیده دارد که تعداد نسبتاً کمی از کشورها می‌توانند از عهده آن بر بیایند.

۳-۲- روند طلاق طی سالهای اخیر

میزان بی‌سابقه روند افزایش طلاق در طول دو دهه اول قرن بیست و یکم در کشورمان، بیان‌گر تغییراتی عمیق و احتمالاً پایدار در خانواده سنتی در جامعه ایران است. از نظر تاریخی، خانواده در ایران، کانون تولید و تولید مثل بوده است. خانواده مردسالار گسترده، حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی لازم برای تمام اعضای خانواده در هر سنی را فراهم می‌کرده است. همچنین نهاد خانواده به واسطه تعهدات افراد سالمند و نیز اعضای خانواده گسترده، حفظ می‌شده است. هرگونه تمایل به طلاق و انحلال زندگی زناشویی به شدت از سوی والدین و ریش‌سفیدان خانواده گسترده، نهی می‌شده است. در نتیجه به نوجوانان جوان، توصیه می‌شده که

1- Total divorce rate

۶۷ وضعیت طلاق در کشور

نسبت به شوهران‌شان وفادار باقی بمانند و به دامادهای جوان نیز توضیح داده می‌شد که نقش آن‌ها محافظت و مراقبت از مادر خانواده [همسر] و فرزندان احتمالی‌اش می‌باشد.

اولین قانون رسمی مرتبط با طلاق در دهه ۱۹۳۰ میلادی در ایران، وضع شد. در آن موقع، ثبت طلاق در دفاتر رسمی به‌عنوان بخشی از گسترش سیستم قانونی و مدنی در ایران، اجباری شد. قانون، قدرت کامل را در مورد طلاق به مردان می‌داد.

در یک زمینه تطبیقی، میزان طلاق در دهه اول قرن بیستویک، ایران را جزو کشورهای دارای درصد بالای طلاق قرار داده است. بیش‌تر کشورهای این دسته، کشورهای غربی دارای قدمت تاریخی هستند که تغییرات فرهنگی و خانوادگی زیادی را شاهد بوده‌اند. در دهه دوم قرن بیست و یکم میزان طلاق در ایران به‌حدی بالا رفته است که حتی بیش‌تر از برخی کشورهای غربی از جمله اسپانیا، ایتالیا و ایرلند بوده است. حتی نرخ طلاق در ترکیه نیز که به‌دلیل مجاورت، افزایش مدرنیته، غربی شدن و سکولاریزه شدن، بیش از همه، تحت تأثیر فرهنگ کشورهای اروپایی بوده است، پایین‌تر از ایران است.^۱ میزان طلاق در مناطق شهری در مقایسه با قسمت‌های روستایی، پیوسته، بیش‌تر بوده است. با این حال شیب افزایش طلاق در مناطق شهری و روستایی تقریباً الگوی یکسانی داشته است.

تفاوت‌های استانی در میزان نرخ طلاق در ایران نیز مهم است زیرا بیان‌گر تفاوت در میزان شهرنشینی و نیز تفاوت‌های فرهنگی ناشی از ترکیبات قومی است. کاملاً مشخص است اکثر استان‌هایی که نرخ شهرنشینی بالایی دارند، نرخ طلاق بالاتری نیز دارند، اما استثنائاتی نیز در این مورد وجود دارد. استان‌هایی مانند مازندران نیز وجود دارند که میزان شهرنشینی در آن‌ها کم‌تر از متوسط کشور است، اما آمار

1- Aghajanian A, Thompson V. Recent divorce trend in Iran. Journal of Divorce & Remarriage. 2013;54(2):112-25.

۱۶۸ نیمرخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

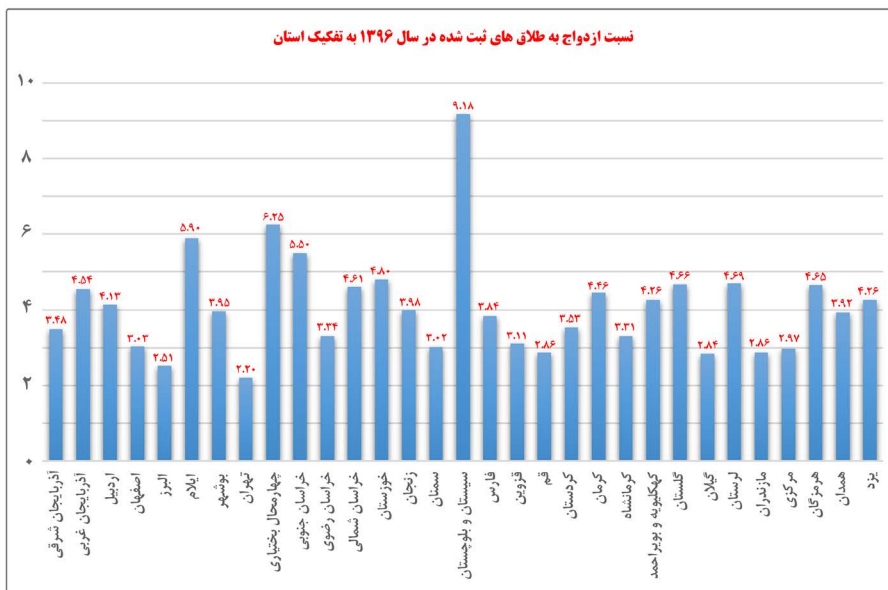
طلاق بالایی دارند. برخی استان‌ها که گروه‌های قومیتی خاصی در آن‌جا ساکن هستند، نرخ طلاق پایینی دارند. برای مثال استان سیستان و بلوچستان که قومیت بلوچ در آن ساکن هستند، یکی از استان‌هایی است که پایین‌ترین نرخ طلاق را دارد. از سوی دیگر، استان کردستان که ساکنان آن را اقوام کرد، تشکیل می‌دهند، یکی از استان‌هایی است که نرخ طلاق بالایی را شاهد می‌باشد. کاملاً مشخص است که هرچند نرخ طلاق به‌طور کلی در همه استان‌های ایران رو به افزایش است، اما میزان آن، با توجه به فرهنگ قومیتی و نیز میزان شهرنشینی در استان‌های مختلف، فرق می‌کند.

طول زندگی زناشویی و نیز سن افرادی که از هم طلاق می‌گیرند می‌تواند نشانه‌هایی از روند بی‌ثباتی خانواده در ایران به ما ارائه کند. در سال ۲۰۰۴، حدود ۵۴ درصد از طلاق‌ها در میان زوجینی اتفاق افتاده که کم‌تر از ۵ سال از زندگی مشترک‌شان گذشته بود، و تقریباً حدود ۷۵ درصد طلاق‌ها در میان زوجینی اتفاق افتاده که ۱۰ سال

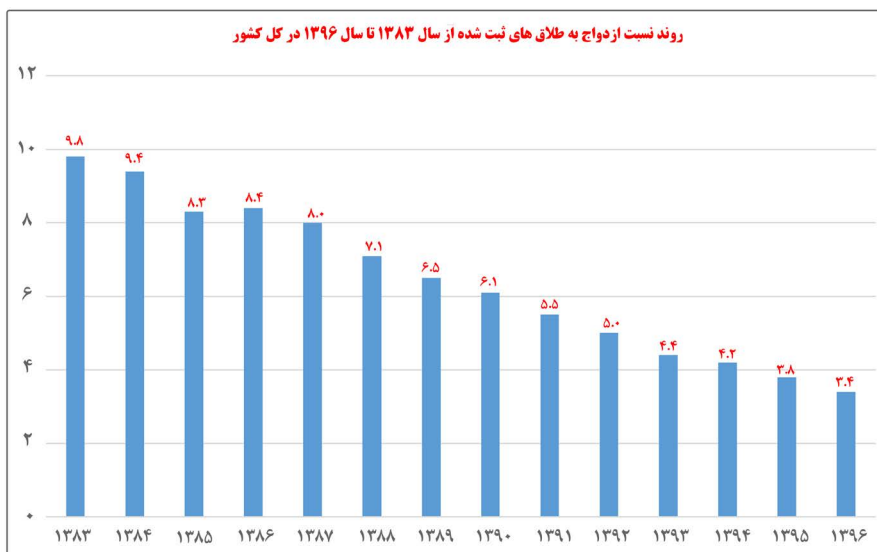
از ازدواج‌شان می‌گذشته است. با این حال، نکته مهم این‌جاست که درصد قابل‌توجهی از طلاق‌ها در میان زوجینی اتفاق افتاده که بیش از ۱۵ سال از زندگی مشترک‌شان گذشته بوده و شاید حتی فرزندان آن‌ها نیز ازدواج کرده و نوه نیز داشته‌اند. داده‌های غیررسمی از سوی جامعه‌شناسان و مشاوران ازدواج در ایران نشان داده است که برخی از زنان به این علت، طلاق نمی‌گیرند که از فرزندان‌شان مراقبت کنند و مطمئن شوند که آن‌ها به سنی رسیده‌اند که بتوانند استقلال خودشان را حفظ کنند، اما بعد از این کسب اطمینان، برای به‌دست آوردن استقلال، زندگی زناشویی ناخوشایندشان را ترک کرده و از همسرشان جدا می‌شوند.

نسبت ازدواج و طلاق‌های ثبت شده سال ۱۳۹۶ به تفکیک استان در منحنی زیر نشان داده شده است. البته در تفسیر این ارقام به محدودیت‌های این شاخص باید توجه نمود.

۶۹ وضعیت طلاق در کشور

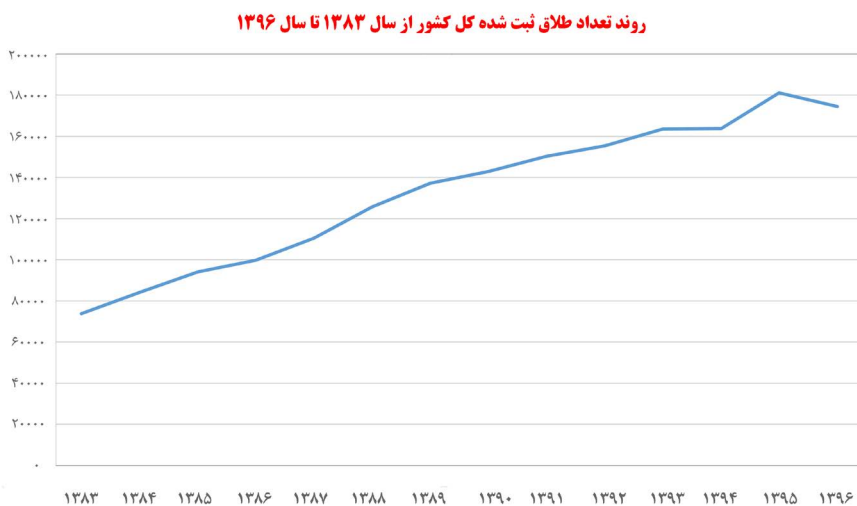


سیر نزولی نسبت ازدواج به طلاق، طی سالهای اخیر در شکل زیر نشان داده شده است.



۷۰٪ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

سیر صعودی تعداد طلاق ثبت شده طی سالهای اخیر در شکل زیر آمده است.



فصل چہارم: روش انجام مطالعہ

۱۷۲ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

این مطالعه در سه بخش در نیمه دوم سال ۱۳۹۴ و نیمه اول سال ۱۳۹۵ انجام گردید:

در بخش اول به این سوال پاسخ داده شد که دلایل ادراک شده یا به عبارتی بهانه‌های افراد برای اقدام به طلاق چیست؟

در بخش دوم به این سوال پاسخ داده شد که پاسخگویان تا چه حد از زندگی زناشویی خود راضی هستند؟

در بخش سوم نظر خبرگان پیرامون دلایل روند افزایشی طلاق در جامعه ایرانی مورد پرسش قرار گرفت؟

بخش‌های اول و دوم به شیوه پیمایشی و بخش سوم از طریق مطالعه کیفی پاسخ داده شدند.

۴-۱- روش اجرای مطالعه پیمایشی

برای انجام مطالعه پیمایشی، استان‌های کشور بر اساس میزان‌های طلاق به سه گروه تقسیم شدند و سپس از هر گروه سه استان با توجه به شرایط و زیرساخت‌های تحقیق، بر اساس نظر گروه خبرگان انتخاب شدند. این استان‌ها عبارت بودند از: یزد، گلستان، زنجان، کرمان، کردستان، خوزستان، فارس، قم و البرز. سپس با توجه به تعداد طلاق صورت پذیرفته در سال، حجم نمونه بین استان‌ها تسهیم شد. حجم نمونه برای بخش اول ۳۱۰۰ نفر و برای بخش دوم ۲۱۰۰ نفر در نظر گرفته شد.

محل انجام مصاحبه و پرسشگری برای بخش اول، بیمارستان‌های واقع در مراکز استان‌ها بودند. نشان داده شده است که افرادی که برای ملاقات به بیمارستان‌های مراکز استان مراجعه می‌نمایند تا حد زیادی نمایانگر جامعه می‌باشند.^۱ برای بخش دوم تکمیل پرسشنامه توسط کارشناسان آموزش دیده در مراکز مراکز مشاوره قبل از طلاق تحت پوشش بهزیستی

1- Motlaq ME, Eslami M, Yazdanpanah M, Nakhaee N. Contraceptive use and unmet need for family planning in Iran. International Journal of Gynecology & Obstetrics. 2013;121(2):157-61.

مراکز ۹ استان انجام شد.

برای بررسی رضایت زناشویی، از نسخه کوتاه پرسشنامه اینریچ (۱۵ سوالی) که روایی و پایایی آن به زبان فارسی مورد تایید قرار گرفته است، استفاده شد^۱. در عین حال با استفاده از یک پرسشنامه تک سوالی، شیوع طلاق عاطفی نیز سنجیده شد^۲. برای بررسی دلایل ادراک شده اقدام به طلاق، از دید مراجعین مراکز مشاوره طلاق نیز از پرسشنامه استاندارد شده استفاده شد^۳. پرسشنامه‌های مورد استفاده در انتهای این فصل آمده‌اند.

۴-۲- روش اجرای مطالعه کیفی

در این مطالعه کیفی برای جمع آوری داده‌ها از دو روش بحث گروهی متمرکز و مصاحبه رو در رو استفاده شد. چهار بحث گروهی متمرکز با قضاات دادگاه خانواده، وکلایی که حداقل پنج سال سابقه فعالیت در اختلافات زناشویی داشتند، افراد فعال در مراکز مشاوره و زوج درمانی (با مدرک روانشناسی، مددکار اجتماعی و مشاوره) انجام شد. هر بحث گروهی به طور متوسط ۹۰ دقیقه به طول انجامید. تعداد افراد بین ۵ تا ۷ نفر در هر گروه بود. بر خلاف مصاحبه‌های عمقی که عقاید و نظرات یک نفر را آشکار می‌سازد، بحث گروهی، نظرات اشخاص را که بر پایه نظرات موافق و یا مخالف سایرین است تبیین می‌نماید. در ابتدا پژوهشگر ضمن سلام و احوالپرسی و تشکر از حضور مدعوین به معرفی مختصری از خود می‌پرداخت و سپس از مدعوین می‌خواست بدون ذکر نام به سوالات پاسخ دهند. سپس هدف از مطالعه برای آنان بیان شده به شرکت‌کنندگان در مورد اهداف تحقیق توضیح داده شد

1- Alidousti AA, Nakhaee N, Khanjani N. Reliability and validity of the Persian versions of the ENRICH marital satisfaction (brief version) and Kansas Marital Satisfaction Scales. Journal of Health and Development. 2015; 4: 158-167.

2- Samari M and Nakhaee N. Psychometric Properties of Two Questionnaires Measuring Emotional divorce in Iranian Context. J Fam Med. 2018; 5(2): 1137

3- Eslami M, Yazdanpanah M, Andalib P, Rahimi A, Safizadeh M, Dadvar A, Nakhaee N. Development of a questionnaire to measure perceived reasons for divorce seeking: an instrument development study. Electronic physician. 2018;10(7):7071.

۱۷۴ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

و به آنان اطمینان خاطر داده شد که نتایج بدون نام ثبت می‌شود و افراد برای شرکت در جلسات گروهی و نیز پاسخ دادن به سئوالات کاملاً مخیر هستند. مصاحبه‌گر از ابراز نظر شخصی خود صرف‌نظر می‌نمود. در این جلسات سعی می‌گردید تمامی شرکت‌کنندگان در بحث شرکت کنند، و همگی با یکدیگر در تعامل باشند و در صورتی که صحبت‌ها از هدف اصلی خارج می‌شد در کمال احترام از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شد روی مطلب مورد سؤال بحث نمایند. مصاحبه‌های رو در رو به طور متوسط ۴۰ دقیقه به طول انجامیدند و علاوه بر این مصاحبه عمقی با سه روانپزشک و دو جامعه‌شناس نیز انجام شد. کلیه مصاحبه‌ها با رضایت آگاهانه مصاحبه‌شوندگان ضبط گردید.

تمامی مصاحبه‌ها پیاده شده و به منظور تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای آشکار استفاده شد. ابتدا واحدهای معنایی تعیین شد، سپس کدهای اولیه براساس مشابَهت در یک طبقه قرار گرفتند و زیر طبقات را تشکیل دادند و در نهایت با ادغام طبقات، تم‌های اصلی (درون مایه‌ها) تعیین شدند.

جهت تعیین وابستگی، محققین جداگانه مصاحبه‌ها را کدگذاری نمودند که به میزان ۹۰ درصد توافق بین نظرات وجود داشت همچنین در جمع‌آوری، پیاده‌سازی و ثبت داده‌ها و تخصیص زمان کافی برای جمع‌آوری داده‌ها نهایت دقت صورت گرفت. انتقال‌پذیری اطلاعات کسب شده توسط یک نفر خبره خارج از گروه تحقیق و صاحب نظر در زمینه تحقیقات کیفی مورد بررسی و تایید قرار گرفت.

۴-۳- پرسشنامه‌ها و راهنمای پرسشگری مطالعه

پرسشنامه‌های مورد استفاده در این تحقیق و راهنمای پرسشگری ذیلاً آمده است. پرسشنامه اول جهت اندازه‌گیری سطح رضایت زناشویی مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه در واقع از دو زیرمقیاس ۱۰ و ۵ سوالی تشکیل شده است. حیطه ۱۰ سوالی روابط زناشویی در قالب

۱۰ سوال که هر یک از سؤالات یکی از حیطه‌های روابط زناشویی را اندازه گیری می‌کند (از قبیل مقوله ارتباطات و مقوله جنسی). ۵ سوال دیگر سؤالات انحرافی آرمان‌گرایانه را تشکیل می‌دهند. این پرسشنامه با استفاده از مقیاس لیکرت به کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم به ترتیب کد ۵ تا ۱ داده می‌شود و لذا هر چه جمع نمرات بالاتر باشد نشانه رضایت بیشتر از زندگی زناشویی است. در مجموع، نمره کمتر از ۴۱ به عنوان بسیار ناراضی، بین ۴۱ تا ۵۴ ناراضی، ۵۴ تا ۶۰ راضی، و بالای ۶۰ به عنوان بسیار راضی در نظر گرفته شدند. در این پرسشنامه سؤالات ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۲، ۱۴ کدگذاری معکوس می‌شوند و سؤالات ۱۳، ۹، ۶، ۴، ۱ سؤالات انحرافی آرمان‌گرایانه را تشکیل می‌دهند که به نوعی نمره نهایی را تعدیل کرده و به سمت پایین می‌آورند.^۱ سوال ۱۶ این پرسشنامه جهت سنجش شیوع طلاق عاطفی مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه دوم جهت سنجش دلایل طلاق از سوی مراجعین دفاتر مشاوره طلاق انجام شد که خصوصیات روان‌سنجی آن به تفصیل در یک مقاله آمده است.^۲

1- Fowers BJ, Olson DH. ENRICH Marital Satisfaction Scale : a brief research and clinical tool. Journal of Family Psychology 1993; 7(2): 176-185

2- Eslami M, Yazdanpanah M, Andalib P, Rahimi A, Safizadeh M, Dadvar A, Nakhaee N. Development of a questionnaire to measure perceived reasons for divorce seeking: an instrument development study. Electronic physician. 2018;10(7):7071.

۱۷۶ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

پرسشنامه ارزیابی ابعاد ده‌گانه رضایت زناشویی و طلاق عاطفی

کد پرسشنامه:.....		به نام پروردگار مهربان			
باسخگوی محترم: ضمن عرض سلام و آرزوی سلامتی برای شما لطفاً میزان موافقت یا مخالفت خود را به هریک از عبارات مرتبط با زندگی زناشویی خود را، با علامت (x) مشخص کنید. نیازی به ذکر نام و نام خانوادگی نمی باشد.					
عبارت	کاملاً موافقم	موافقم	نه موافقم نه مخالف	مخالقم	کاملاً مخالفم
۱ من و همسرم یکدیگر را کاملاً درک می کنیم .					
۲ از ویژگی های شخصیتی و عادات همسرم راضی نیستم.					
۳ از این که در زندگی مشترکمان مسؤولیتهای خود را خوب ایفا می کنیم، خوشحالم.					
۴ همسرم بد خلقی های من را در هر شرایطی کاملاً درک کرده و با من همدردی می نماید.					
۵ روابطم با همسرم رضایت بخش نیست و احساس می کنم او مرا درک نمی کند.					
۶ ارتباط ما با یکدیگر نشان از یک موفقیت کامل دارد.					
۷ از نحوه تصمیم گیریها در مورد چگونگی حل و فصل اختلافات بسیار خشنود هستم .					
۸ از وضعیت اقتصادی خانواده و نیز شیوه تصمیم گیریهای مربوط به آن، راضی نیستم.					
۹ ارتباط ما با یکدیگر تمام نیازهای من را برآورده نمی کند.					
۱۰ از نحوه برنامه ریزی برای اوقات فراغت و نیز صرف اوقات در کنار همسرم بسیار خوشحالم.					
۱۱ از نحوه ابراز عشق و احساسات و نیز رابطه جنسی با همسرم بسیار خشنود هستم.					
۱۲ از نحوه ایفای نقش و مسؤولیت خود و همسرم به عنوان "والدین" راضی نیستم.					
۱۳ من از ارتباط با همسرم هیچوقت احساس پشیمانی نکرده ام، حتی برای یک لحظه.					
۱۴ از این که وقتم را با بعضی از بستگان همسرم صرف کنم ، لذت نمی برم.					
۱۵ نسبت به نحوه عملکردمان به باورها و ارزش های مذهبی احساس خوبی دارم.					
۱۶ من و همسرم اگرچه زیر یک سقفیم، ولی ارتباطی با هم نداریم.					
متولد چه سالی هستید؟..... ۱۳		همسر تان متولد چه سالی است؟..... ۱۳		تاریخ عقد شناسنامه ای (سال):..... ۱۳	
جنسیت: مؤنث		آیا فرزند دارید؟ بلی		نام استان محل سکونت:.....	
سطح تحصیلات خانم:			سطح تحصیلات آقا:		
(۱) بی سواد			(۱) بی سواد		
(۲) تحصیلات ابتدایی/ خواندن و نوشتن			(۲) تحصیلات ابتدایی/ خواندن و نوشتن		
(۳) تحصیلات راهنمایی و دبیرستان			(۳) تحصیلات راهنمایی و دبیرستان		
(۴) دیپلم			(۴) دیپلم		
(۵) تحصیلات دانشگاهی			(۵) تحصیلات دانشگاهی		
نحوه آشنایی و ازدواج:		معرفی بستگان و دوستان		آشنایی خودمان	
محل زندگی:		مرکز استان		سایر شهرها	
کد پرسشگر:.....		تاریخ تکمیل:.....			

۷۷ اروش انجام مطالعه

پرسشنامه ارزیابی دلایل درخواست طلاق

کد پرسشنامه:.....

به نام پروردگار مهربان

پاسخگوی محترم:

ضمن عرض سلام و آرزوی سلامتی برای شما

خواهشمند است با کشیدن دایره دور عدد مناسب، اهمیت و نقش هریک از عوامل زیر، در ایجاد اختلاف بین شما و همسرتان را مشخص فرمایید. نیازی به ذکر نام و نام خانوادگی نمی باشد. لطفاً پس از تکمیل، پرسشنامه را تحویل مشاور دهید.

ردیف	دلیل	بسیار بی اهمیت	بی اهمیت	تا حدی مهم	مهم	بسیار مهم
۱	ازدواج من تحصیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۰	۱	۲	۳	۴
۲	اعتیاد همسر	۰	۱	۲	۳	۴
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۰	۱	۲	۳	۴
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر به من خیانت کرده است.	۰	۱	۲	۳	۴
۵	مشکلات مالی در تأمین مخارج زندگی	۰	۱	۲	۳	۴
۶	دخالت اطرافیان	۰	۱	۲	۳	۴
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۰	۱	۲	۳	۴
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۰	۱	۲	۳	۴
۹	رفیق بازی همسر	۰	۱	۲	۳	۴
۱۰	میزان مهریه	۰	۱	۲	۳	۴
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۰	۱	۲	۳	۴
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۰	۱	۲	۳	۴
۱۳	نازایی و بچه دار نشدن	۰	۱	۲	۳	۴
۱۴	توهین، بی احترامی / فحاشی همسر	۰	۱	۲	۳	۴
۱۵	کنک خوردن از همسر	۰	۱	۲	۳	۴
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۰	۱	۲	۳	۴
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۰	۱	۲	۳	۴
۱۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۰	۱	۲	۳	۴
۱۹	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۰	۱	۲	۳	۴
۲۰	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۰	۱	۲	۳	۴
۲۱	بیماری جسمی همسر	۰	۱	۲	۳	۴
۲۲	بیماری روانی همسر	۰	۱	۲	۳	۴
۲۳	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۰	۱	۲	۳	۴
۲۴	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۰	۱	۲	۳	۴

۱۷۸ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

ردیف	دلیل	بسیار بی اهمیت	بی اهمیت	تا حدی مهم	مهم	بسیار مهم
۲۵	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۰	۱	۲	۳	۴
۲۶	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا می‌شود	۰	۱	۲	۳	۴
۲۷	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۰	۱	۲	۳	۴
۲۸	طولانی شدن دوران عقد	۰	۱	۲	۳	۴
۲۹	بیکاری مرد	۰	۱	۲	۳	۴
متولد چه سالی هستید؟ ۱۳.....		همسر تان متولد چه سالی است؟ ۱۳.....				
جنسیت: مؤنث مذکر		آیا فرزند دارید؟ بلی خیر				
نام استان محل سکونت:		تاریخ عقد شناسنامه ای (سال): ۱۳.....				
سطح تحصیلات خانم:		سطح تحصیلات آقا:				
(۱) بی سواد (۲) تحصیلات ابتدایی/ خواندن و نوشتن (۳) تحصیلات راهنمایی و دبیرستان (۴) دیپلم (۵) تحصیلات دانشگاهی		(۱) بی سواد (۲) تحصیلات ابتدایی/ خواندن و نوشتن (۳) تحصیلات راهنمایی و دبیرستان (۴) دیپلم (۵) تحصیلات دانشگاهی				
نحوه آشنایی و ازدواج: توصیه پدر و مادر		معرفی بستگان و دوستان				
کد استان:		کد پرسشگر:		تاریخ تکمیل:		

با تشکر

راهنمای پرسشگری بررسی رضایت‌مندی از زندگی زناشویی:

” گروه هدف که این پرسشنامه در اختیار آن‌ها قرار خواهد گرفت از میان ملاقات کنندگان بیمارستانی می باشد که تمایل به تکمیل این پرسشنامه ها را داشته باشند بدیهی است این افراد بایستی متأهل باشند و اگر فرد مورد نظر مطلقه یا همسر مرده باشد نیازی به تکمیل پرسشنامه نخواهد بود (ملاک طلاق آن است که بنا به گفته پاسخگو در شناسنامه ثبت شده باشد).

سعی گردد که ضمن هماهنگی با بیمارستان مورد نظر فضایی مناسب برای انجام پرسشگری در نظر گرفته شده و فرد مورد نظر به این فضا دعوت شود و پس از توضیح مناسب در خصوص هدف از پرسشگری و حفظ کامل محرمانه بودن پاسخ‌های فرد (تاکید بر اینکه پرسشنامه شما تا زده شده و داخل یک جعبه قرار داده می‌شود و به هیچ عنوان قابل شناسایی نخواهید بود، و همچنین تاکید شود حدود ۲۰ سوال تستی دارد و حدود ۵ دقیقه بیشتر وقتشان را نمی‌گیرد)، پرسشنامه به فرد داده شده

۷۹ آروش انجام مطالعه

و از وی درخواست گردد تا با خواندن عبارت‌ها به دقت پاسخ دهد. در حین تکمیل پرسشنامه توسط فرد چنانچه سوآلی مطرح گردید سعی کند پاسخگو باشد. یک زیردستی سبک نیز با فرد باشد تا در صورت تکمیل ایستاده براحتی قابل تکمیل باشد. تمامی پرسشگری‌ها توسط خانم دوره دیده مجرب که تجربه پرسشگری قبلی دارد، انجام می شود. ذکر این نکته ضروری است که پرسشگری هم برای مردان و هم برای زنان انجام خواهد شد ولی لزوماً نباید مرد و زنی که مورد پرسشگری قرار می گیرند زن و شوهر باشند. همچنین پرسشگری بر اساس تجربه پرسشگر در خصوص اقبال شرکت کنندگان، می‌تواند در تمامی ساعات شبانه روز و - نه صرفاً ساعت ملاقات- انجام شود. در انتهای پرسشنامه اطلاعات فردی تکمیل می‌گردد که لازم است به دقت تکمیل شود. روش نمونه گیری از نوع متوالی خواهد بود، و هیچ استانی کمتر از ۱۰۰ نفر وارد مطالعه نخواهند شد. تعداد مرد و زن بطور مساوی خواهد بود. مثلاً در شهر یزد ۵۰ مرد و ۵۰ زن وارد مطالعه خواهند شد. پس از پایان تکمیل پرسشنامه پرسشگر ضمن تشکر از فرد، پرسشنامه را تا نموده و داخل یک کیف پلاستیکی جعبه ای شکل (مانند پاکو) می اندازد تا شخص مطمئن شود بعد از رفتنش کسی نمی‌خواند. در ضمن در پایان روز مشخص شود از چند نفر دعوت شده و چند نفر جواب رد داده اند و حاضر به تکمیل پرسشنامه نشده اند. نحوه انتخاب بیمارستان‌ها: سعی شود از بین بیمارستان‌ها بیمارستانی انتخاب گردد که همکاری بهتری را دارد. از هر کدام از استان‌ها در مرکز استان یک بیمارستان آموزشی و یک بیمارستان خصوصی انتخاب شود. نسبت پرسشنامه تکمیل شده در بخش دولتی و خصوص به صورت سه به یک خواهد بود. ضروری است قبل از شروع کار هماهنگی لازم با معاونت محترم درمان و رییس بیمارستان صورت گیرد تا وقفه‌ای در انجام پرسشگری حاصل نشود. ذکر این نکته ضروری است که دادن توضیح مناسب به افراد نقش مهمی در همکاری آنان خواهد داشت. گزارش تعداد پرسشنامه‌های تکمیل شده به صورت روزانه به کارشناس مسئول باروری سالم استان اعلام خواهد شد تا کنترل لازم را بر تعداد پرسشنامه‌های تکمیلی داشته باشد. نکاتی که در برقراری ارتباط با پاسخگو مهم است:

به همراه داشتن کارت شناسایی تا در صورت لزوم ارائه دهند.

داشتن آتیکت گردن آویز

۸۰ | نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

برخورداری از پوشش مناسب.

در نظر گرفتن فضای مناسب در طول مسیر ولی بدون ایجاد سد معبر و در عین حال فضا برای شخص حس محرمانگی و آرامش خاطر ایجاد نماید.

بهتر است یک میز و صندلی به صورت موقت گذاشته شود تا پاسخگو این حس را داشته باشد که پرسشگری با هماهنگی بیمارستان انجام می شود.

همکاری بیمارستان بسیار مهم است. مدیریت و حراست بیمارستان به صورت کتبی در جریان امر قرار گرفته باشند.

سعی شود در مدت کوتاهی پرسشنامه‌ها تکمیل شوند

با توجه به وضعیت ظاهری افراد (ملاقات کنندگان یا همراهیان بیمار) اصل تنوع در پاسخگو رعایت شود، یعنی از همه تیپ‌ها دعوت شود.

در شروع راپورت و برقراری ارتباط، سلام علیک محترمانه و معرفی خود و هدف از مطالعه و تاکید بر وقت گیری کم، بسیار موثر است. این جملات ذکر شوند:

این پرسشنامه شامل جملاتی درباره جنبه های مختلف زندگی شماست که ممکن است با آن موافق یا مخالف باشید. هر جمله را به دقت بخوانید و سپس میزان موافقت یا مخالفت خود را با علامت (x) مشخص کنید. توجه داشته باشید جواب صحیح یا غلط وجود ندارد. نیازی به ذکر نام و نام خانوادگی نمی باشد. همچنین سوال اول به طور مثال خوانده و نحوه پاسخ دادن توضیح داده شود."

راهنمای پرسشگری بررسی علل ادراک شده طلاق:

"گروه هدف که این پرسشنامه در اختیار آنها قرار خواهد گرفت زوجین مراجعه کننده به مرکز مشاوره کاهش طلاق در ۹ مرکز استان می باشد. روش نمونه گیری از نوع متوالی خواهد بود.

نحوه انتخاب مراکز مشاوره و استانداردهای در نظر گرفته شده:

بدیهی است در صورتیکه در مرکز استان چند مرکز مشاوره کاهش طلاق وجود داشته

۸۱ اروش انجام مطالعه

باشد این پرسشنامه ها در مراکزی که حداکثر همکاری را دارند تکمیل خواهد شد. این پرسشنامه توسط هر دو نفر (زن و شوهر) به طور همزمان بایستی تکمیل گردد بدیهی است بعد از توجیه آنها مبنی بر دلیل تکمیل پرسشنامه و تأکید بر محرمانه بودن اطلاعات، چنانچه یکی از زن و شوهر تمایل به تکمیل پرسشنامه را نداشته باشند، پرسشنامه برای هیچ یک از آن دو تکمیل نخواهد شد. پس از کسب رضایت آگاهانه شفاهی از هر دو نفر پرسشنامه به هر دو نفر داده می شود و درخواست می گردد تا اهمیت و نقش هر کدام از عوامل را از نظر خود در ایجاد اختلاف بین خود با کشیدن دایره دور عدد مناسب مشخص نمایند. در آخر نیز سوالات مربوط به سال تولد تاریخ عقد شناسنامه ای، جنسیت، سطح تحصیلات تکمیل می شود. برای بررسی علمی، لازم است پرسشنامه زن و شوهر یک کد بگیرند این کد شامل کد استان- کد پرشگر- کد مرکز مشاوره- کد زوج است. بدیهی است کد زوج از کد ۱ (برای هر پرشگر جداگانه) شروع و در روزهای بعد تداوم پیدا می کند. لطفا دقت شود تمامی سوالات پاسخ داده شوند، و دو پرسشنامه به هم منگنه شوند.

زمان مناسب برای تکمیل پرسشنامه ها ابتدای جلسه مشترک اول است که زوجین، پیش زمینه ذهنی حاصل از مصاحبه ها را ندارند. تکمیل هر پرسشنامه حدود ۱۰ دقیقه به طول خواهد انجامید. پس از رسیدن به حجم نمونه مورد نظر پرسشنامه های تکمیل شده به معاونت محترم بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی مربوطه تحویل خواهد گردید. انتظار می رود مسئول مرکز مشاوره کاهش طلاق پرسشنامه های تکمیل شده را قبل از ارسال به معاونت بهداشتی بررسی نموده و از نظر کامل بودن پرسشنامه ها مطمئن گردد.

فصل پنجم: نتایج مطالعه

۸۴ | نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

بخش اول: علل ادراک شده (بهبادهای) طلاق

۵-۱- اطلاعات زمینه‌ای

در این مطالعه ۳۰۱۲ نفر، متشکل از ۱۵۰۶ زوج که به حکم دادگاه خانواده برای مشاوره به "مراکز مداخله در خانواده به منظور کاهش طلاق" در مراکز ۹ استان (جدول ۵-۱) مراجعه نموده بودند، وارد مطالعه شدند.

جدول ۵-۱- تعداد افراد مورد مطالعه جهت ارزیابی علل ادراک شده طلاق به تفکیک استان

استان	تعداد	درصد
البرز	۳۹۰	۱۲٫۹
خوزستان	۶۲۶	۲۰٫۸
زنجان	۱۸۰	۶٫۰
فارس	۵۳۲	۱۷٫۷
کردستان	۲۵۰	۸٫۳
کرمان	۲۱۸	۷٫۲
گلستان	۲۵۰	۸٫۳
قم	۲۹۰	۹٫۶
یزد	۲۷۶	۹٫۲
جمع	۳۰۱۲	۱۰۰

خصوصیات دموگرافیک زنان و مردان مراجعه کننده به تفکیک در جدول ۵-۲ آمده است.

جدول ۵-۲- اطلاعات دموگرافیک زوجهای مورد بررسی ($n=1506$)

متغیر	میانگین	انحراف معیار
سن خانم	۳۰/۹	۸/۹
سن آقا	۳۵/۲	۹/۵
تفاوت سنی	۴/۳	۵/۵
مدت ازدواج	۸/۷	۷/۷

۸۵ نتایج مطالعه

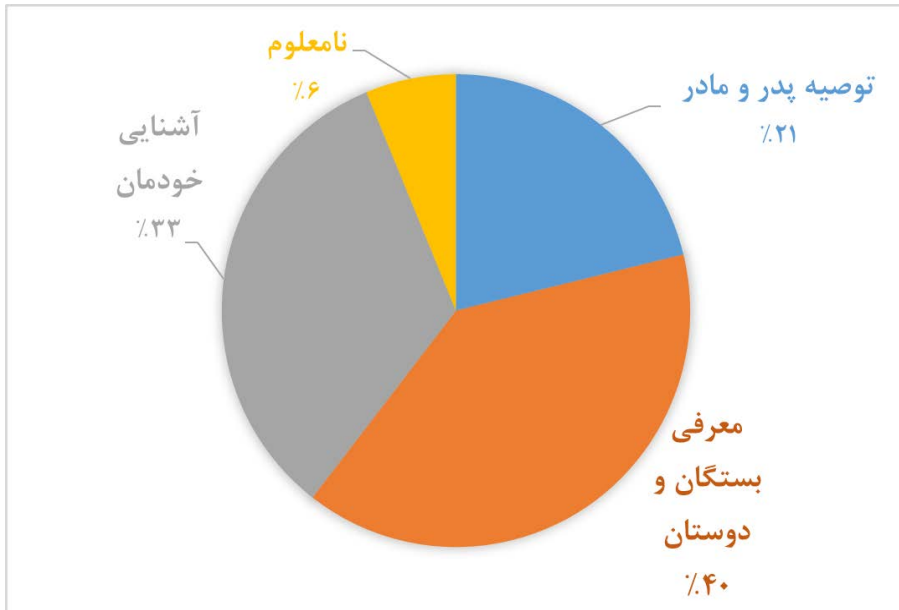
از ۱۵۰۶ زوج مورد مطالعه، ۷۶۰ زوج (۵۰/۵ درصد) فرزند داشتند. سطح تحصیلات زوجین در جدول ۳-۵ آمده است.

جدول ۳-۵- سطح تحصیلات زنان و مردان مورد بررسی (n=۱۵۰۶)

سطح تحصیلات	زنان (درصد)	مردان (درصد)
بیسواد	۱۵(۱/۰)	۸۸(۵/۸)
ابتدایی	۱۴۱(۹/۴)	۲۲۰(۱۴/۶)
متوسطه	۳۶۹(۲۴/۵)	۳۹۹(۲۶/۵)
دیپلم	۵۴۰(۳۵/۹)	۴۵۶(۳۰/۳)
دانشگاهی	۴۴۱(۲۹/۲)	۳۴۳(۲۲/۸)

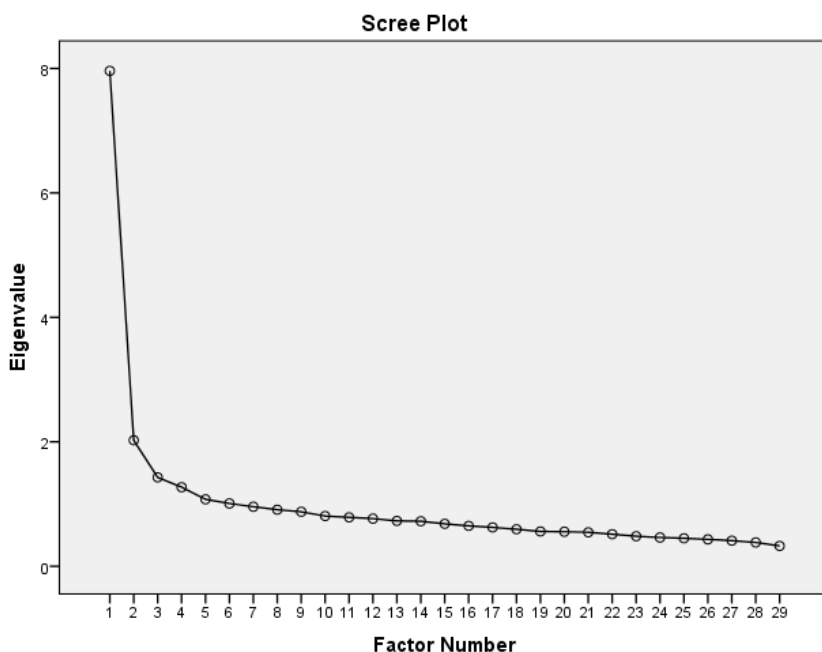
نحوه آشنایی زوجین در شکل ۱-۵ نشان داده شده است.

شکل ۱-۵ - نحوه آشنایی زوجین (n=۱۵۰۶)



۵-۲- یافته‌های حاصل از تحلیل روان‌سنجی (روایی و پایایی) پرسشنامه

نتایج آزمون KMO^1 تایید کننده کفایت نمونه و فاکتور پذیری^۲ سؤالات بود (در یک زیرگروه متشکل از سه استان کرمان، البرز و فارس). با استفاده از تحلیل عاملی به شیوه PAF^3 و گردش واریماکس^۴ دو عامل استخراج گردید که بار عاملی هریک از سؤالات در جدول ۴-۵ نشان داده شده است. دو عامل تحت عناوین "احساسی/ارتباطی" و "ابزاری/خارجی" نام گرفتند. منحنی سنگریزه^۵ (شکل ۲-۵) مؤید دو عاملی بودن پرسشنامه بود.



شکل ۲-۵- منحنی سنگریزه حاصل از تحلیل عامل ۲۹ گویه پرسشنامه

- 1- Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy=0.922
- 2- Bartlett's Test of Sphericity ($P<0.001$)
- 3- Principle axis factoring
- 4- Varimax
- 5- Scree plot

۸۷ | نتایج مطالعه

جدول ۴-۵ - بارعاملی* هریک از گویه ها و ابعاد تشکیل دهنده دلایل طلاق**

ردیف	گویه	عامل احساسی/ارتباطی	عامل ابزاری/خارجی
۱	ازدواج من تحمیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.		۰,۳۷
۲	اعتیاد		۰,۴۸
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۰,۴۳	
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر من خیانت کرده است.	۰,۳۲	۰,۳۴
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی		۰,۳۲
۶	دخالت اطرافیان	۰,۳۸	
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر		۰,۵۰
۸	تفاوت کم سنی با همسر		۰,۵۹
۹	رفیق بازی همسر	۰,۳۵	۰,۴۲
۱۰	میزان مهریه		۰,۵۱
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۰,۳۳	
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی		۰,۴۸
۱۳	نازایی و بچه دار نشدن		۰,۵۹
۱۴	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۰,۵۹	
۱۵	کتک خوردن از همسر	۰,۴۶	۰,۳۵
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۰,۵۰	
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر		۰,۳۶
۱۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۰,۳۸	۰,۳۵
۱۹	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۰,۵۱	
۲۰	اختلاف سطح تحصیلات با همسر		۰,۴۸
۲۱	بیماری جسمی همسر		۰,۶۲

۸۸ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

۰,۴۳	۰,۴۲	بیماری روانی همسر	۲۲
۰,۳۲	۰,۳۶	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۲۳
	۰,۶۰	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۲۴
	۰,۶۲	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۲۵
	۰,۷۰	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود	۲۶
	۰,۶۴	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۲۷
۰,۴۰		طولانی شدن دوران عقد	۲۸
۰,۴۰		بیکاری مرد	۲۹

* بارهای عاملی بزرگتر از ۰,۳۲ نشان داده شده اند.

** ردیف های آبی در عامل احساسی/ارتباطی، و ردیف های بیرنگ در عامل ابزاری/خارجی قرار می گیرند.

به این ترتیب سوالات ۱،۲،۴،۵،۷،۸،۹،۱۰،۱۲،۱۳،۱۷،۲۰،۲۱،۲۲،۲۸ و ۲۹ در عامل ابزاری/خارجی، و مابقی سوالات در عامل احساسی/ارتباطی قرار گرفتند. جهت پی بردن به پایایی، دو شاخص آلفای کرونباخ و همبستگی اصلاح شده گویه مقیاس در جدول ۵-۵ آمده است. آلفای کرونباخ دو حیطه "احساسی/ارتباطی" و "ابزاری/خارجی" به ترتیب ۰,۸۵ و ۰,۸۴ بدست آمد.

۸۹ | نتایج مطالعه

جدول ۵-۵- همبستگی گویه مقیاس، و آلفای کرونباخ پرسشنامه در صورت حذف گویه‌ها

شماره گویه	همبستگی اصلاح شده گویه مقیاس	آلفای کرونباخ پرسشنامه در صورت حذف گویه
۱	۰,۳۸	۰,۸۴
۲	۰,۵۱	۰,۸۳
۳	۰,۴۶	۰,۸۴
۴	۰,۴۲	۰,۸۴
۵	۰,۳۷	۰,۸۴
۶	۰,۳۹	۰,۸۴
۷	۰,۴۵	۰,۸۳
۸	۰,۵۱	۰,۸۳
۹	۰,۵۰	۰,۸۳
۱۰	۰,۴۶	۰,۸۳
۱۱	۰,۳۹	۰,۸۴
۱۲	۰,۵۱	۰,۸۳
۱۳	۰,۴۶	۰,۸۳
۱۴	۰,۵۸	۰,۸۳
۱۵	۰,۵۰	۰,۸۴
۱۶	۰,۵۶	۰,۸۳
۱۷	۰,۳۶	۰,۸۴
۱۸	۰,۴۴	۰,۸۴
۱۹	۰,۵۴	۰,۸۴
۲۰	۰,۴۸	۰,۸۳
۲۱	۰,۵۸	۰,۸۳
۲۲	۰,۵۰	۰,۸۳
۲۳	۰,۴۴	۰,۸۴
۲۴	۰,۵۴	۰,۸۴
۲۵	۰,۵۷	۰,۸۳
۲۶	۰,۵۷	۰,۸۳
۲۷	۰,۵۸	۰,۸۳
۲۸	۰,۴۳	۰,۸۴
۲۹	۰,۴۹	۰,۸۳

*سوالات، ۹۲، ۰۱، ۰۲، ۰۳، ۰۴، ۰۵، ۰۶، ۰۷، ۰۸، ۰۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹ در یک عامل و مابقی در عامل دیگر قرار می‌گیرند.

۹۰. نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

همبستگی باقیمانده گویه‌ها^۱ در تمامی گویه‌ها کمتر از ۰,۱ بود، که نشانه آن است که گویه‌ها از یکدیگر مستقل بوده و یک چیز را اندازه نمی‌گیرند.

مقایسه نمرات دو بُعد، بین زنان و مردان حاکی از آن است که در کل، نمره اهمیت در زنان به طور معنی‌داری بیشتر است (جدول ۵-۶). همچنین نمره بعد احساسی/ارتباطی هم در زنان و هم در مردان بیشتر از بعد ابزاری/خارجی بود.

جدول ۵-۶- مقایسه میانگین نمره دو بعد تشکیل دهنده پرسشنامه دلایل ادراک شده طلاق در زنان و مردان

مقایسه زن و مرد	مردان	زنان	زیرمقیاس
$P<0.001$	$1,70 \pm 0,99$	$2,07 \pm 0,92$	احساسی/ارتباطی
	$0,89 \pm 0,77$	$1,20 \pm 0,78$	ابزاری/خارجی
	$P<0.001$		مقایسه دو زیرمقیاس

۵-۳- دلایل ادراک شده طلاق و اهمیت هریک از دید پاسخگویان

نحوه پاسخ به گویه‌های پرسشنامه سنجش دلایل ادراک شده طلاق در جداول ۵-۷ (زنان) و ۵-۸ (مردان) آمده است.

۹۱ نتایج مطالعه

جدول ۷-۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در زنان مورد مطالعه (n=۱۵۰۶)

شماره گویه	گویه	درصد زنانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	رتبه اهمیت
۱	ازدواج من تحمیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۲۵،۰	۱،۳۳(۱،۴۹)	۱۹
۲	اعتیاد	۳۲،۴	۱،۴۵(۱،۷۱)	۱۶
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۴۲،۷	۱،۹۶(۱،۶۳)	۸
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر به من خیانت کرده است.	۳۳،۳	۱،۵۷(۱،۶۶)	۱۴
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۴۶	۲،۱۶(۱،۵۹)	۶
۶	دخالت اطرافیان	۴۴،۷	۲،۰۹(۱،۵۹)	۷
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۲۰،۸	۱،۰۹(۱،۴۳)	۲۲
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۱۰،۷	۰،۷۳(۱،۱۵)	۲۹
۹	رفیق بازی همسر	۳۲،۶	۱،۵۶(۱،۶۰)	۱۵
۱۰	میزان مهریه	۱۴،۴	۰،۹۴(۱،۲۸)	۲۷
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۳۵،۷	۱،۷۲(۱،۵۸)	۱۳
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۲۴،۳	۱،۲۷(۱،۴۸)	۲۰
۱۳	نازایی و بچه دار نشدن	۱۳،۴	۰،۷۱(۱،۲۵)	۲۸
۱۴	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۵۴،۳	۲،۳۹(۱،۵۷)	۵
۱۵	کتک خوردن از همسر	۴۲،۷	۱،۹۱(۱،۶۷)	۹
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۳۶،۶	۱،۷۷(۱،۵۷)	۱۲
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۲۰،۹	۱،۱۲(۱،۴۴)	۲۱
۱۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۲۸،۳	۱،۳۷(۱،۵۸)	۱۸
۱۹	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۳۹،۴	۱،۹۲(۱،۵۴)	۱۰
۲۰	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۱۵،۸	۰،۹۹(۱،۳۲)	۲۶
۲۱	بیماری جسمی همسر	۱۶،۶	۰،۸۸(۱،۳۴)	۲۵
۲۲	بیماری روانی همسر	۲۹،۲	۱،۴۳(۱،۵۸)	۱۷
۲۳	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۲۰	۱،۱۳(۱،۴۱)	۲۳
۲۴	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۵۶،۳	۲،۴۷(۱،۵۷)	۴
۲۵	ناراضی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۶۱،۱	۲،۶۷(۱،۴۵)	۲

۹۲. نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

۲۶	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا می‌شود	۶۶٫۹	۲٫۸۵(۱٫۳۷)	۱
۲۷	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۵۸٫۷	۲٫۵۷(۱٫۴۸)	۳
۲۸	طولانی شدن دوران عقد	۱۷٫۷	۱٫۰۲(۱٫۳۹)	۲۴
۲۹	بیکاری مرد	۳۸٫۱	۱٫۷۳(۱٫۷۲)	۱۱

جدول ۸-۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در مردان مورد مطالعه (n=۱۵۰۶)

شماره گویه	گویه	درصد مردانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	میانگین ($\pm$ SE) نمره اهمیت	رتبه اهمیت
۱	ازدواج من تحمیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۱۹٫۷	۱٫۰۹(۱٫۴۱)	۱۹
۲	اعتیاد	۱۴٫۷	۰٫۶۹(۱٫۳۲)	۲۲
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۳۲٫۶	۱٫۵۷(۱٫۶۴)	۱۰
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر به من خیانت کرده است.	۲۲٫۱	۱٫۰۸(۱٫۵۴)	۱۶
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۲۸٫۸	۱٫۴۹(۱٫۵۵)	۱۱
۶	دخالت اطرافیان	۴۴٫۷	۲٫۰۰(۱٫۶۵)	۴
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۱۴٫۵	۰٫۸۵(۱٫۳۰)	۲۴
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۱۰٫۶	۰٫۶۵(۱٫۱۵)	۲۹
۹	رفیق بازی همسر	۱۹٫۹	۱٫۰۴(۱٫۴۴)	۱۸
۱۰	میزان مهریه	۱۴٫۶	۰٫۸۸(۱٫۳۱)	۲۳
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۳۳٫۵	۱٫۵۶(۱٫۶۱)	۹
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۱۸٫۸	۱٫۰۰(۱٫۳۹)	۲۰
۱۳	نازایی و بچه‌دار نشدن	۱۳٫۲	۰٫۶۸(۱٫۲۶)	۲۸
۱۴	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۴۱	۱٫۸۹(۱٫۶۵)	۵
۱۵	کتک خوردن از همسر	۱۶	۰٫۸۲(۱٫۳۶)	۲۱
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۲۵٫۸	۱٫۳۰(۱٫۵۳)	۱۲
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۲۴٫۲	۱٫۱۹(۱٫۵۶)	۱۳
۱۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۲۲٫۹	۱٫۱۵(۱٫۵۱)	۱۵

۹۳ نتایج مطالعه

۸	۱,۶۸(۱,۵۹)	۳۴,۷	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۱۹
۲۷	۰,۷۹(۱,۲۷)	۱۴	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۲۰
۲۵	۰,۷۵(۱,۲۹)	۱۴,۳	بیماری جسمی همسر	۲۱
۱۴	۱,۱۳(۱,۴۹)	۲۳,۲	بیماری روانی همسر	۲۲
۷	۱,۶۷(۱,۶۴)	۳۵,۹	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۲۳
۶	۱,۹۲(۱,۶۲)	۴۰,۴	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۲۴
۲	۲,۱۸(۱,۵۸)	۴۷,۸	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۲۵
۱	۲,۴۲(۱,۵۵)	۵۵,۵	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا می شود	۲۶
۳	۲,۰۵(۱,۵۷)	۴۴,۹	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۲۷
۲۶	۰,۸۳(۱,۲۹)	۱۴,۲	طولانی شدن دوران عقد	۲۸
۱۷	۰,۹۶(۱,۵۰)	۲۱,۱	بیکاری مرد	۲۹

جدول ۹-۵- مهم ترین علتهای طلاق از دید زنان و مردان مورد مطالعه (شش علت اول)

رتبه اهمیت	دلیل
زنان	
۱	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود
۲	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات
۳	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر
۴	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر
۵	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر
۶	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی
مردان	
۱	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود
۲	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات
۳	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر
۴	دخالت اطرافیان
۵	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر
۶	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر

مهم ترین علل طلاق از دید خانم ها و آقایان "عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا می شود" بود.

۹۴ | نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

جدول ۱۰-۵- کم اهمیت‌ترین علتهای طلاق در زنان و مردان مورد مطالعه (شش علت آخر)

رتبه اهمیت	دلیل
زنان	
۲۹	تفاوت کم سنی با همسر
۲۸	نازایی و بچه دار نشدن
۲۷	میزان مهریه
۲۶	اختلاف سطح تحصیلات با همسر
۲۵	بیماری جسمی همسر
۲۴	طولانی شدن دوران عقد
مردان	
۲۹	تفاوت کم سنی با همسر
۲۸	اختلاف سطح تحصیلات با همسر
۲۷	نازایی و بچه دار نشدن
۲۶	طولانی شدن دوران عقد
۲۵	بیماری جسمی همسر
۲۴	تفاوت زیاد سنی با همسر

کم اهمیت‌ترین علل طلاق از دید خانم‌ها و آقایان-هردو- تفاوت کم‌سنی با همسر بود.

نتایج حاصل از پاسخ مراجعینِ مراکز مشاور طلاق، به تفکیک ۹ استان در صفحات بعد آمده است.

۹۵ نتایج مطالعه

جدول ۱۱-۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در زنان مورد مطالعه استان البرز (n=۱۹۵)

شماره گویه	گویه	درصد زنانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	رتبه اهمیت
۱	ازدواج من تحمیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۲۳,۶	۱,۱۳(۱,۵۲)	۱۸
۲	اعتیاد	۲۴,۱	۱,۰۵(۱,۶۵)	۱۷
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۳۵,۹	۱,۶۴(۱,۶۸)	۱۰
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر من خیانت کرده است.	۲۵,۲	۱,۱۱(۱,۶۱)	۱۶
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۴۲	۲,۰۰(۱,۶۴)	۶
۶	دخالت اطرافیان	۳۵,۹	۱,۶۹(۱,۶۷)	۹
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۱۴,۹	۰,۸۰(۱,۳۹)	۲۲
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۸,۷	۰,۵۱(۱,۱۰)	۲۸
۹	رفیق بازی همسر	۲۰,۵	۱,۰۵(۱,۴۹)	۲۱
۱۰	میزان مهریه	۱۱,۳	۰,۶۳(۱,۱۸)	۲۶
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۳۲,۳	۱,۵۵(۱,۶۷)	۱۲
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۲۱,۵	۰,۹۹(۱,۴۸)	۱۹
۱۳	نازایی و بچه دار نشدن	۹,۷	۰,۴۲(۱,۰۹)	۲۷
۱۴	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۵۱,۳	۲,۲۲(۱,۷۲)	۴
۱۵	کتنک خوردن از همسر	۳۶,۴	۱,۶۱(۱,۷۴)	۸
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۳۴,۳	۱,۵۷(۱,۶۲)	۱۱
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۲۱,۱	۱,۰۳(۱,۵۱)	۲۰
۱۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۲۹,۷	۱,۳۳(۱,۶۷)	۱۴
۱۹	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۴۰,۵	۱,۸۸(۱,۶۱)	۷
۲۰	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۱۲,۹	۰,۷۶(۱,۳۲)	۲۵
۲۱	بیماری جسمی همسر	۸,۲	۰,۴۵(۱,۰۶)	۲۹
۲۲	بیماری روانی همسر	۲۶,۲	۱,۳۱(۱,۵۹)	۱۵
۲۳	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۱۴,۹	۰,۷۸(۱,۳۵)	۲۳
۲۴	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۴۸,۷	۲,۱۱(۱,۷۱)	۵
۲۵	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۵۶,۴	۲,۴۳(۱,۶۴)	۳

۹۶ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

۲۶	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود	۶۸,۲	۲,۷۹(۱,۵۷)	۱
۲۷	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۵۷,۴	۲,۴۲(۱,۶۳)	۲
۲۸	طولانی شدن دوران عقد	۱۴,۴	۰,۸۲(۱,۳۴)	۲۴
۲۹	بیکاری مرد	۳۲,۳	۱,۴۳(۱,۷۳)	۱۳

جدول ۱۱-۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در زنان مورد مطالعه استان البرز (n=۱۹۵)

شماره گویه	گویه	درصد مردانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	رتبه اهمیت
۱	ازدواج من احتمالی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۱۵,۴	۰,۷۶(۱,۳۲)	۲۰
۲	اعتیاد	۱۰,۷	۰,۴۵(۱,۱۲)	۲۳
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۳۹,۷	۱,۳۱(۱,۶۶)	۸
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر من خیانت کرده است.	۱۹	۰,۸۹(۱,۴۹)	۱۶
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۲۵,۶	۱,۳۰(۱,۵۵)	۱۲
۶	دخالط اطرافیان	۳۳,۸	۱,۶۰(۱,۶۸)	۷
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۱۰,۸	۰,۶۳(۱,۳۴)	۲۲
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۶,۲	۰,۳۶(۰,۹۴)	۲۹
۹	رفیق بازی همسر	۲۲	۱,۰۴(۱,۴۸)	۱۵
۱۰	میزان مهریه	۹,۸	۰,۶۰(۱,۱۹)	۲۴
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۲۸,۲	۱,۲۴(۱,۶۴)	۱۰
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۱۷,۵	۰,۸۷(۱,۴۱)	۱۸
۱۳	نازایی و بچه دار نشدن	۷,۷	۰,۳۶(۱,۰۱)	۲۸
۱۴	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۳۶,۹	۱,۶۸(۱,۷۳)	۵
۱۵	کتک خوردن از همسر	۱۲,۳	۰,۶۷(۱,۳۸)	۲۱
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۲۵,۶	۱,۱۶(۱,۶۱)	۱۳
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۲۲,۶	۱,۰۷(۱,۵۶)	۱۴
۱۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۲۵,۷	۱,۱۰(۱,۶۲)	۱۱

۹۷ | نتایج مطالعه

۴	۱,۶۶(۱,۷۰)	۳۶,۹	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۱۹
۲۶	۰,۵۶(۱,۱۵)	۹,۳	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۲۰
۲۷	۰,۴۳(۱,۰۸)	۸,۲	بیماری جسمی همسر	۲۱
۱۷	۰,۸۹(۱,۴۴)	۱۹	بیماری روانی همسر	۲۲
۹	۱,۴۲(۱,۷۶)	۲۹,۷	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۲۳
۶	۱,۶۳(۱,۶۸)	۳۴,۴	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۲۴
۲	۱,۹۹(۱,۷۱)	۴۵,۶	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۲۵
۱	۲,۱۷(۱,۷۸)	۵۲,۸	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود	۲۶
۳	۱,۶۴(۱,۶۵)	۳۷	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۲۷
۲۵	۰,۵۲(۱,۱۵)	۹,۸	طولانی شدن دوران عقد	۲۸
۱۹	۰,۷۴(۱,۳۹)	۱۶,۴	بیکاری مرد	۲۹

۹۸ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

جدول ۱۳-۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در زنان مورد مطالعه استان خوزستان (n=۳۱۳)

شماره گویه	گویه	درصد زنانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	رتبه اهمیت
۱	ازدواج من تحمیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۳۳,۵	۱,۵۱(۱,۶۲)	۱۹
۲	اعتیاد	۴۲,۴	۱,۷۳(۱,۸۳)	۱۲
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۵۱,۱	۲,۱۷(۱,۷۲)	۸
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر من خیانت کرده است.	۳۶,۱	۱,۶۷(۱,۷۴)	۱۸
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۵۴,۳	۲,۴۴(۱,۵۹)	۶
۶	دخالت اطرافیان	۵۱,۴	۲,۲۶(۱,۶۵)	۷
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۲۸,۱	۱,۳۲(۱,۵۸)	۲۴
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۱۷,۲	۰,۹۰(۱,۳۹)	۲۹
۹	رفیق بازی همسر	۳۹	۱,۷۶(۱,۶۶)	۱۵
۱۰	میزان مهریه	۲۴,۹	۱,۲۳(۱,۵۳)	۲۶
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۴۱,۹	۱,۹۱(۱,۶۲)	۱۳
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۲۶,۵	۱,۳۸(۱,۵۳)	۲۵
۱۳	نازایی و بچه‌دار نشدن	۲۴	۱,۱۶(۱,۵۶)	۲۸
۱۴	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۵۹,۱	۲,۴۳(۱,۶۱)	۵
۱۵	کتک خوردن از همسر	۴۹,۸	۲,۱۱(۱,۷۳)	۹
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۴۰	۱,۸۶(۱,۶۳)	۱۴
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۳۰,۳	۱,۴۰(۱,۶۲)	۲۱
۱۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۳۷,۱	۱,۷۰(۱,۶۸)	۱۷
۱۹	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۴۴,۸	۲,۰۱(۱,۶۶)	۱۱
۲۰	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۲۴,۶	۱,۲۵(۱,۵۱)	۲۷
۲۱	بیماری جسمی همسر	۲۹,۱	۱,۲۶(۱,۶۱)	۲۲
۲۲	بیماری روانی همسر	۳۸,۱	۱,۷۰(۱,۷۰)	۱۶
۲۳	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۳۲,۳	۱,۴۸(۱,۶۱)	۲۰
۲۴	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۶۳	۲,۶۴(۱,۵۶)	۳
۲۵	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۶۶,۲	۲,۷۷(۱,۵۰)	۲

۹۹ | نتایج مطالعه

۲۶	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا می‌شود	۷۰,۳	۲,۹۶(۱,۳۵)	۱
۲۷	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۶۱,۴	۲,۵۹(۱,۴۹)	۴
۲۸	طولانی شدن دوران عقد	۲۸,۷	۱,۳۱(۱,۶۵)	۲۳
۲۹	بیکاری مرد	۴۶	۱,۹۶(۱,۸۰)	۱۰

جدول ۱۴-۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در مردان مورد مطالعه استان خوزستان (n=۳۱۳)

شماره گویه	گویه	درصد مردانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	رتبه اهمیت
۱	ازدواج من تحمیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۲۷,۵	۱,۳۴(۱,۶۰)	۱۹
۲	اعتیاد	۲۳,۴	۰,۹۷(۱,۶۲)	۲۴
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۳۸	۱,۷۴(۱,۷۵)	۱۰
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر من خیانت کرده است.	۲۹,۱	۱,۲۸(۱,۷۳)	۱۶
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۳۹	۱,۸۴(۱,۶۷)	۹
۶	دخالت اطرافیان	۴۲,۸	۱,۹۱(۱,۷۲)	۶
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۲۲,۱	۱,۰۸(۱,۵۴)	۲۶
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۱۹,۵	۰,۹۳(۱,۴۶)	۲۹
۹	رفیق بازی همسر	۲۵,۹	۱,۲۲(۱,۶۲)	۲۰
۱۰	میزان مهریه	۲۲,۳	۱,۰۷(۱,۵۳)	۲۵
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۳۹,۶	۱,۷۴(۱,۷۰)	۸
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۲۵,۹	۱,۲۰(۱,۵۷)	۲۱
۱۳	نازایی و بچه دار نشدن	۲۱,۱	۰,۹۴(۱,۵۲)	۲۷
۱۴	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۴۷,۶	۲,۰۵(۱,۷۶)	۵
۱۵	کنتک خوردن از همسر	۲۶,۸	۱,۱۵(۱,۶۴)	۱۸
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۳۵,۱	۱,۵۷(۱,۷۲)	۱۳
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۳۵,۸	۱,۴۸(۱,۷۴)	۱۲
۱۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۳۲,۹	۱,۴۴(۱,۶۸)	۱۴

۱۰۰ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

۱۱	۱,۷۳(۱,۶۶)	۳۷,۳	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۱۹
۲۳	۱,۱۱(۱,۵۲)	۲۴	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۲۰
۲۲	۱,۰۸(۱,۵۵)	۲۴,۲	بیماری جسمی همسر	۲۱
۱۵	۱,۳۵(۱,۶۷)	۳۱,۳	بیماری روانی همسر	۲۲
۷	۱,۷۰(۱,۶۹)	۳۹,۹	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۲۳
۴	۲,۱۷(۱,۷۱)	۴۸,۵	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۲۴
۳	۲,۳۶(۱,۶۵)	۵۵,۲	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۲۵
۱	۲,۶۱(۱,۵۰)	۶۲	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود	۲۶
۲	۲,۳۸(۱,۶۲)	۵۵,۹	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۲۷
۲۸	۱,۰۵(۱,۵۰)	۲۰,۱	طولانی شدن دوران عقد	۲۸
۱۷	۱,۲۶(۱,۶۳)	۲۸,۸	بیکاری مرد	۲۹

۱۰۱ | نتایج مطالعه

جدول ۱۵-۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در زنان مورد مطالعه استان زنجان (n=۹۰)

رتبه اهمیت	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	درصد زنانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	گویه	شماره گویه
۱۴	۱,۶۰(۱,۶۰)	۲۸,۹	ازدواج من احتمالی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۱
۱۷	۱,۲۴(۱,۷۴)	۲۶,۷	اعتیاد	۲
۵	۲,۱۰(۱,۷۰)	۴۵,۶	سوء ظن و بدبینی همسر	۳
۱۱	۱,۶۲(۱,۶۹)	۳۵,۶	به این نتیجه رسیدم که همسر من خیانت کرده است.	۴
۱۰	۱,۸۰(۱,۷۱)	۳۶,۷	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۵
۷	۲,۰۶(۱,۷۸)	۴۴,۴	دخالت اطرافیان	۶
۲۳	۰,۹۳(۱,۴۶)	۱۸,۹	تفاوت زیاد سنی با همسر	۷
۲۷	۰,۵۸(۱,۱۴)	۸,۹	تفاوت کم سنی با همسر	۸
۹	۱,۷۴(۱,۷۶)	۳۸,۹	رفیق بازی همسر	۹
۲۹	۰,۶۴(۱,۱۲)	۷,۸	میزان مهریه	۱۰
۱۵	۱,۴۲(۱,۵۸)	۲۸,۹	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۱۱
۱۳	۱,۴۶(۱,۶۴)	۳۳,۳	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۱۲
۲۸	۰,۴۱(۰,۹۳)	۸,۹	نازایی و بچه دار نشدن	۱۳
۶	۲,۳۵(۱,۵۰)	۴۴,۵	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۱۴
۲۱	۱,۴۱(۱,۵۹)	۲۴,۴	کتک خوردن از همسر	۱۵
۸	۱,۸۶(۱,۶۵)	۴۲,۳	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۱۶
۲۴	۱,۰۵(۱,۳۵)	۱۶,۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۱۷
۲۲	۱,۰۸(۱,۵۶)	۲۱,۱	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۱۸
۱۶	۱,۵۸(۱,۶۲)	۲۷,۸	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۱۹
۲۶	۰,۸۳(۱,۲۹)	۱۱,۱	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۲۰
۲۵	۰,۸۰(۱,۴۰)	۱۴,۴	بیماری جسمی همسر	۲۱
۲۰	۱,۲۳(۱,۵۵)	۲۴,۵	بیماری روانی همسر	۲۲
۱۹	۱,۲۰(۱,۵۱)	۲۵,۵	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۲۳
۴	۲,۴۸(۱,۵۶)	۵۵,۵	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۲۴
۱	۲,۶۷(۱,۵۵)	۶۳,۴	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۲۵

۱۰۲ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

۳	۲,۵۳(۱,۶۱)	۵۶,۷	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود	۲۶
۲	۲,۷۰(۱,۴۸)	۵۷,۸	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۲۷
۱۸	۱,۲۰(۱,۵۵)	۲۵,۶	طولانی شدن دوران عقد	۲۸
۱۲	۱,۷۲(۱,۷۷)	۳۵,۵	بیکاری مرد	۲۹

جدول ۱۶-۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در مردان مورد مطالعه استان زنجان (n=۹۰)

شماره گویه	گویه	درصد مردانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	رتبه اهمیت
۱	ازدواج من تحمیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۲۷,۷	۱,۳۴(۱,۵۰)	۱۱
۲	اعتیاد	۱۵,۶	۰,۶۰(۱,۳۲)	۲۰
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۴۲,۲	۱,۶۷(۱,۸۲)	۵
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر من خیانت کرده است.	۲۶,۷	۱,۳۱(۱,۶۳)	۱۳
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۲۶,۷	۱,۲۷(۱,۶۳)	۱۴
۶	دخالت اطرافیان	۴۵,۶	۲,۰۴(۱,۷۴)	۴
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۵,۵	۰,۴۶(۰,۸۸)	۲۸
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۸,۹	۰,۵۴(۱,۰۲)	۲۶
۹	رفیق بازی همسر	۲۵,۶	۱,۱۰(۱,۵۹)	۱۵
۱۰	میزان مهریه	۲۰	۰,۹۲(۱,۵۳)	۱۸
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۳۲,۲	۱,۳۵(۱,۷۳)	۱۰
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۲۲,۲	۱,۱۳(۱,۵۳)	۱۷
۱۳	نازایی و بچه دار نشدن	۱۰	۰,۴۴(۱,۰۸)	۲۵
۱۴	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۳۵,۵	۱,۵۲(۱,۷۱)	۸
۱۵	کتک خوردن از همسر	۷,۸	۰,۴۶(۱,۰۱)	۲۷
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۲۷,۷	۱,۱۸(۱,۵۷)	۱۲
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۲۲,۳	۰,۹۷(۱,۵۷)	۱۶
۱۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۱۵,۵	۰,۷۳(۱,۴۱)	۲۱

۱۰۳ نتایج مطالعه

۹	۱,۴۲(۱,۶۳)	۳۳,۴	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۱۹
۲۹	۰,۳۶(۰,۹۲)	۴,۴	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۲۰
۲۲	۰,۶۸(۱,۳۷)	۱۴,۴	بیماری جسمی همسر	۲۱
۱۹	۰,۸۵(۱,۴۲)	۱۷,۸	بیماری روانی همسر	۲۲
۷	۱,۴۶(۱,۸۰)	۳۵,۶	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۲۳
۲	۲,۲۳(۱,۷۳)	۵۳,۳	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۲۴
۱	۲,۴۰(۱,۶۵)	۵۴,۴	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۲۵
۳	۲,۲۳(۱,۶۷)	۵۰	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود	۲۶
۶	۲,۰۳(۱,۶۶)	۴۲,۲	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۲۷
۲۳	۰,۷۶(۱,۳۰)	۱۲,۲	طولانی شدن دوران عقد	۲۸
۲۴	۰,۶۰(۱,۱۹)	۱۱,۱	بیکاری مرد	۲۹

۱۰۴ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

جدول ۱۷ - ۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در زنان مورد مطالعه استان فارس (n=۲۶۶)

شماره گویه	گویه	درصد زنانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	رتبه اهمیت
۱	ازدواج من تحمیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۲۷,۸	۱,۲۹(۱,۶۲)	۱۹
۲	اعتیاد	۳۴,۶	۱,۴۸(۱,۷۴)	۱۵
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۴۸,۹	۲,۰۱(۱,۶۹)	۸
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر من خیانت کرده است.	۳۹,۱	۱,۶۹(۱,۷۵)	۱۳
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۵۰,۴	۲,۳۲(۱,۶۰)	۶
۶	دخالت اطرافیان	۴۶,۲	۲,۲۰(۱,۶۲)	۹
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۱۸,۴	۰,۹۲(۱,۴۱)	۲۳
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۷,۲	۰,۵۵(۰,۹۹)	۲۹
۹	رفیق بازی همسر	۳۹,۵	۱,۶۸(۱,۷۳)	۱۲
۱۰	میزان مهریه	۹,۸	۰,۶۹(۱,۱۶)	۲۷
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۳۴,۲	۱,۵۶(۱,۶۷)	۱۶
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۲۱,۴	۱,۰۴(۱,۴۶)	۲۰
۱۳	نازایی و بچه دار نشدن	۸,۶	۰,۴۶(۱,۰۵)	۲۸
۱۴	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۵۷,۹	۲,۵۱(۱,۵۹)	۵
۱۵	کتنک خوردن از همسر	۴۹,۳	۲,۱۶(۱,۷۱)	۷
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۳۶,۹	۱,۷۴(۱,۶۳)	۱۴
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۲۱	۱,۱۰(۱,۴۶)	۳۱
۱۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۳۱,۹	۱,۳۳(۱,۶۹)	۱۷
۱۹	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۴۴,۴	۲,۰۲(۱,۵۷)	۱۰
۲۰	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۱۴,۷	۰,۸۶(۱,۲۸)	۲۵
۲۱	بیماری جسمی همسر	۱۳,۱	۰,۷۴(۱,۲۹)	۲۶
۲۲	بیماری روانی همسر	۳۰,۵	۱,۴۳(۱,۶۳)	۱۸
۲۳	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۱۹,۶	۱,۰۸(۱,۴۲)	۲۲
۲۴	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۶۱,۶	۲,۵۸(۱,۶۴)	۴
۲۵	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۶۵,۸	۲,۷۸(۱,۴۸)	۳

۱۰۵ نتایج مطالعه

۲۶	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود	۷۷,۱	۳,۱۳(۱,۲۸)	۱
۲۷	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۶۶,۵	۲,۷۸(۱,۴۸)	۲
۲۸	طولانی شدن دوران عقد	۱۵,۴	۰,۹۶(۱,۴۱)	۲۴
۲۹	بیکاری مرد	۳۹,۵	۱,۷۸(۱,۷۳)	۱۱

جدول ۱۸-۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در مردان مورد مطالعه استان فارس (N=۲۶۶)

شماره گویه	گویه	درصد مردانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	رتبه اهمیت
۱	ازدواج من احتمالی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۱۹,۱	۰,۹۲(۱,۴۱)	۱۸
۲	اعتیاد	۷,۹	۰,۳۹(۱,۰۰)	۲۸
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۲۹,۷	۱,۴۸(۱,۶۴)	۱۱
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر من خیانت کرده است.	۲۱,۴	۱,۰۰(۱,۵۸)	۱۵
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۳۳,۱	۱,۵۴(۱,۶۳)	۹
۶	دخالت اطرافیان	۵۴,۹	۲,۲۳(۱,۶۷)	۲
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۹	۰,۵۹(۱,۱۰)	۲۶
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۶,۸	۰,۴۳(۰,۹۸)	۲۹
۹	رفیق بازی همسر	۱۷	۰,۸۱(۱,۳۷)	۱۹
۱۰	میزان مهریه	۱۱,۳	۰,۶۳(۱,۲۳)	۲۲
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۳۰	۱,۳۶(۱,۶۳)	۱۰
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۱۳,۲	۰,۶۸(۱,۲۴)	۲۰
۱۳	نازایی و بچه دار نشدن	۱۱,۶	۰,۵۳(۱,۲۰)	۲۱
۱۴	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۴۱,۸	۱,۸۹(۱,۷۱)	۶
۱۵	کتک خوردن از همسر	۱۰,۵	۰,۵۶(۱,۲۰)	۲۴
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۲۱,۸	۱,۰۹(۱,۵۱)	۱۳
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۲۰,۳	۰,۹۸(۱,۵۰)	۱۶
۱۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۱۹,۵	۰,۹۶(۱,۵۰)	۱۷

۱۰۶ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

۷	۱,۸۰(۱,۶۴)	۴۰,۶	اختلاف نظر در مهمانی‌ها و رفت و آمدها	۱۹
۲۵	۰,۵۴(۱,۱۵)	۹,۴	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۲۰
۲۷	۰,۵۰(۱,۰۹)	۸,۷	بیماری جسمی همسر	۲۱
۱۲	۱,۱۶(۱,۵۴)	۲۴,۴	بیماری روانی همسر	۲۲
۵	۱,۸۶(۱,۷۳)	۴۲,۱	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۲۳
۸	۱,۸۱(۱,۶۸)	۳۶,۴	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۲۴
۳	۲,۱۵(۱,۶۲)	۴۸,۵	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۲۵
۱	۲,۵۸(۱,۶۲)	۶۲	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود	۲۶
۴	۱,۹۲(۱,۵۹)	۴۴	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۲۷
۲۳	۰,۶۰(۱,۱۶)	۱۰,۹	طولانی شدن دوران عقد	۲۸
۱۴	۱,۰۳(۱,۵۴)	۲۱,۴	بیکاری مرد	۲۹

۱۰۷ نتایج مطالعه

جدول ۱۹-۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در زنان مورد مطالعه استان کردستان (n=۱۲۵)

شماره گویه	گویه	درصد زنانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	رتبه اهمیت
۱	ازدواج من تحمیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۱۲٫۸	۱٫۰۴(۱٫۱۷)	۱۸
۲	اعتیاد	۲۳٫۲	۱٫۰۵(۱٫۶۴)	۱۵
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۳۲٫۸	۱٫۸۰(۱٫۴۷)	۱
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر من خیانت کرده است.	۲۸	۱٫۴۵(۱٫۶۱)	۱۳
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۳۸٫۴	۱٫۹۳(۱٫۵۴)	۱۰
۶	دخالت اطرافیان	۵۰٫۴	۲٫۳۰(۱٫۳۹)	۶
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۱۲	۰٫۸۰(۱٫۲۰)	۱۹
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۴٫۸	۰٫۴۴(۰٫۸۳)	۲۶
۹	رفیق بازی همسر	۳٫۶	۱٫۶۶(۱٫۵۸)	۲۹
۱۰	میزان مهریه	۹٫۶	۰٫۹۶(۱٫۰۸)	۲۰
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۳۲٫۸	۱٫۷۶(۱٫۴۹)	۱۲
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۸٫۸	۰٫۶۴(۱٫۰۷)	۲۴
۱۳	نازایی و بچه دار نشدن	۹٫۶	۰٫۴۷(۱٫۱۰)	۲۱
۱۴	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۶۶٫۴	۲٫۸۴(۱٫۲۸)	۳
۱۵	کتنک خوردن از همسر	۴۰٫۸	۱٫۹۰(۱٫۵۶)	۸
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۴۰	۱٫۹۹(۱٫۴۳)	۹
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۸٫۸	۱٫۷۱(۱٫۱۲)	۲۵
۱۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۲۰	۰٫۹۶(۱٫۳۵)	۱۶
۱۹	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۴۱٫۶	۲٫۰۸(۱٫۳۳)	۷
۲۰	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۹٫۶	۰٫۶۴(۱٫۰۲)	۲۲
۲۱	بیماری جسمی همسر	۴	۰٫۳۶(۰٫۷۷)	۲۷
۲۲	بیماری روانی همسر	۱۳٫۶	۰٫۸۹(۱٫۳۲)	۱۷
۲۳	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۹٫۶	۰٫۹۷(۱٫۱۲)	۲۳
۲۴	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۶۲٫۴	۲٫۷۰(۱٫۴۳)	۵
۲۵	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۶۸	۲٫۸۱(۱٫۳۶)	۲

۱۰۸ نیمرخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

۲۶	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود	۷۱,۲	۳,۰۰(۱,۱۴)	۱
۲۷	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۶۴,۸	۲,۸۷(۱,۲۶)	۴
۲۸	طولانی شدن دوران عقد	۴	۰,۵۴(۰,۸۹)	۲۸
۲۹	بیکاری مرد	۲۸	۱,۴۴(۱,۶۰)	۱۴

جدول ۲۰-۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در مردان مورد مطالعه استان کردستان

(n=۱۲۵)

شماره گویه	گویه	درصد مردانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	رتبه اهمیت
۱	ازدواج من تحمیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۱۰,۴	۰,۸۸(۱,۱۸)	۲۲
۲	اعتیاد	۸,۸	۰,۳۸(۱,۱۲)	۲۶
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۴۳,۲	۱,۹۶(۱,۵۶)	۸
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر من خیانت کرده است.	۲۱,۶	۰,۸۴(۱,۳۹)	۱۳
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۲۲,۴	۱,۳۶(۱,۴۵)	۱۲
۶	دخالت اطرافیان	۵۳,۶	۲,۴۵(۱,۳۹)	۳
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۱۲	۰,۷۴(۱,۱۸)	۱۹
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۴	۰,۳۰(۰,۷۷)	۲۸
۹	رفیق بازی همسر	۱۰,۴	۰,۹۲(۱,۱۵)	۲۳
۱۰	میزان مهریه	۱۱,۲	۰,۹۶(۱,۱۹)	۲۰
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۳۲,۸	۱,۷۴(۱,۴۲)	۱۰
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۴	۰,۴۲(۰,۸۶)	۲۹
۱۳	نازایی و بچه دار نشدن	۱۱,۲	۰,۵۳(۱,۲۱)	۲۱
۱۴	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۴۶,۴	۲,۲۴(۱,۳۹)	۷
۱۵	کنک خوردن از همسر	۱۰,۴	۰,۵۹(۱,۱۷)	۲۴
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۳۱,۲	۱,۶۴(۱,۳۸)	۱۱
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۱۷,۶	۱,۰۴(۱,۳۸)	۱۴
۱۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۱۵,۲	۰,۸۸(۱,۳۳)	۱۷

۱۰۹ | نتایج مطالعه

۹	۱,۹۶(۱,۴۲)	۳۹,۲	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۱۹
۲۷	۰,۶۰(۱,۰۵)	۸,۸	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۲۰
۲۵	۰,۵۴(۱,۱۴)	۱۰,۴	بیماری جسمی همسر	۲۱
۱۶	۰,۷۵(۱,۳۶)	۱۶	بیماری روانی همسر	۲۲
۴	۲,۲۸(۱,۴۶)	۵۱,۲	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۲۳
۶	۲,۲۰(۱,۴۱)	۴۷,۲	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۲۴
۲	۲,۵۰(۱,۳۷)	۵۶,۸	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۲۵
۱	۲,۷۶(۱,۲۰)	۶۴	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود	۲۶
۵	۲,۴۴(۱,۳۹)	۵۱,۲	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۲۷
۱۸	۰,۷۲(۱,۱۸)	۱۲,۸	طولانی شدن دوران عقد	۲۸
۱۵	۰,۷۷(۱,۲۷)	۱۶	بیکاری مرد	۲۹

۱۱۰ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

جدول ۲۱-۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در زنان مورد مطالعه استان کرمان (n=۱۰۹)

شماره گویه	گویه	درصد زنانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	رتبه اهمیت
۱	ازدواج من تحمیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۳۱,۲	۱,۶۱(۱,۴۷)	۱۹
۲	اعتیاد	۴۶,۸	۲,۱۲(۱,۷۰)	۱۱
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۴۷,۷	۲,۲۴(۱,۵۵)	۱۰
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر من خیانت کرده است.	۴۳,۱	۲,۰۱(۱,۶۳)	۱۴
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۵۶,۹	۲,۵۲(۱,۴۱)	۵
۶	دخالت اطرافیان	۴۶,۸	۲,۲۰(۱,۴۶)	۱۲
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۲۵,۷	۱,۳۲(۱,۴۰)	۲۳
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۲۱,۱	۱,۰۸(۱,۳۴)	۲۹
۹	رفیق بازی همسر	۳۳,۹	۱,۶۲(۱,۵۶)	۱۷
۱۰	میزان مهریه	۲۲	۱,۳۹(۱,۴۵)	۲۸
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۴۴	۲,۰۱(۱,۵۳)	۱۳
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۳۳	۱,۷۳(۱,۴۵)	۱۸
۱۳	نازایی و بچه‌دار نشدن	۲۲,۹	۱,۱۸(۱,۴۶)	۲۷
۱۴	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۵۳,۲	۲,۴۴(۱,۵۷)	۷
۱۵	کتک خوردن از همسر	۴۸,۷	۲,۱۲(۱,۶۳)	۹
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۴۲,۲	۱,۹۷(۱,۶۴)	۱۵
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۲۵,۷	۱,۳۵(۱,۵۳)	۲۴
۱۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۳۱,۲	۱,۶۶(۱,۵۲)	۲۰
۱۹	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۴۹,۵	۲,۳۸(۱,۳۷)	۸
۲۰	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۲۶,۶	۱,۳۲(۱,۴۵)	۲۱
۲۱	بیماری جسمی همسر	۲۶,۶	۱,۲۷(۱,۴۹)	۲۲
۲۲	بیماری روانی همسر	۴۰,۴	۱,۹۳(۱,۵۷)	۱۶
۲۳	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۲۵,۶	۱,۳۴(۱,۴۸)	۲۵
۲۴	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۶۳,۳	۲,۸۰(۱,۴۳)	۳
۲۵	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۶۴,۲	۲,۷۶(۱,۲۹)	۲

۱۱۱ نتایج مطالعه

۲۶	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود	۶۸,۸	۲,۹۵(۱,۱۰)	۱
۲۷	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۶۱,۵	۲,۵۷(۱,۴۸)	۴
۲۸	طولانی شدن دوران عقد	۲۴,۸	۱,۲۹(۱,۴۰)	۲۶
۲۹	بیکاری مرد	۵۴,۱	۲,۱۵(۱,۷۹)	۶

جدول ۲۲-۵ - اهمیت هر یک از دلایل طلاق در مردان مورد مطالعه استان کرمان (n=۱۰۹)

شماره گویه	گویه	درصد زنانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	رتبه اهمیت
۱	ازدواج من تحمیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۳۳	۱,۶۶(۱,۵۱)	۱۷
۲	اعتیاد	۳۳	۱,۵۱(۱,۶۲)	۱۸
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۴۵,۹	۲,۰۵(۱,۶۰)	۸
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر به من خیانت کرده است.	۲۹,۳	۱,۴۸(۱,۵۵)	۲۱
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۴۰,۴	۱,۸۵(۱,۵۶)	۱۰
۶	دخالت اطرافیان	۶۲,۴	۲,۶۱(۱,۵۸)	۲
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۲۲	۱,۲۴(۱,۴۴)	۲۸
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۱۸,۳	۱,۰۷(۱,۳۲)	۲۹
۹	رفیق بازی همسر	۲۶,۶	۱,۳۸(۱,۴۹)	۲۳
۱۰	میزان مهریه	۳۲,۱	۱,۶۶(۱,۴۷)	۱۹
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۴۶,۸	۲,۱۱(۱,۵۷)	۷
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۲۶,۶	۱,۵۱(۱,۴۳)	۲۴
۱۳	نازایی و بچه دار نشدن	۲۳,۸	۱,۱۶(۱,۵۰)	۲۷
۱۴	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۶۱,۵	۲,۴۸(۱,۵۶)	۳
۱۵	کتک خوردن از همسر	۳۲,۱	۱,۴۱(۱,۶۵)	۲۰
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۳۵,۸	۱,۷۸(۱,۶۰)	۱۳
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۳۵,۸	۱,۷۲(۱,۶۴)	۱۴

۱۱۲ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

۱۵	۱,۶۵(۱,۶۰)	۳۵,۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۱۸
۹	۲,۰۰(۱,۵۰)	۴۱,۳	اختلاف نظر در مهمانی‌ها و رفت و آمدها	۱۹
۲۶	۱,۲۰(۱,۴۳)	۲۳,۹	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۲۰
۲۲	۱,۳۴(۱,۵۴)	۲۷,۵	بیماری جسمی همسر	۲۱
۱۶	۱,۷۳(۱,۵۴)	۳۴,۹	بیماری روانی همسر	۲۲
۱۱	۱,۹۷(۱,۴۷)	۳۸,۵	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۲۳
۵	۲,۴۰(۱,۵۰)	۵۶	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۲۴
۴	۲,۵۱(۱,۳۹)	۵۷,۸	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۲۵
۱	۲,۷۳(۱,۲۸)	۶۴,۳	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود	۲۶
۶	۲,۲۳(۱,۴۷)	۵۵,۹	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۲۷
۲۵	۱,۳۵(۱,۴۴)	۲۵,۷	طولانی شدن دوران عقد	۲۸
۱۲	۱,۵۵(۱,۶۹)	۳۶,۷	بیکاری مرد	۲۹

۱۱۳ نتایج مطالعه

جدول ۲۳-۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در زنان مورد مطالعه استان گلستان (n=۱۲۵)

رتبه اهمیت	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	درصد زنانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	گویه	شماره گویه
۲۴	۱,۰۰(۰,۵۶)	۲,۴	ازدواج من تحمیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۱
۴	۱,۴۵(۱,۱۱)	۲۴	اعتیاد	۲
۱۲	۱,۴۴(۰,۹۷)	۱۵,۲	سوء ظن و بدبینی همسر	۳
۶	۱,۴۴(۱,۰۲)	۲۰	به این نتیجه رسیدم که همسر من خیانت کرده است.	۴
۱۰	۱,۴۱(۱,۰۱)	۱۶,۸	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۵
۱۴	۱,۲۴(۱,۷۴)	۹,۶	دخالت اطرافیان	۶
۱۹	۱,۰۴(۰,۶۵)	۴,۸	تفاوت زیاد سنی با همسر	۷
۲۱	۱,۰۰(۰,۶۴)	۴	تفاوت کم سنی با همسر	۸
۱۷	۱,۰۸(۰,۶۶)	۵,۶	رفیق بازی همسر	۹
۲۸	۰,۹۱(۰,۴۴)	-	میزان مهریه	۱۰
۲	۱,۵۹(۰,۹۸)	۲۵,۶	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۱۱
۱۸	۱,۰۵(۰,۵۵)	۵,۶	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۱۲
۲۲	۰,۹۶(۰,۶۴)	۴	نازایی و بچه دار نشدن	۱۳
۱	۱,۶۰(۱,۰۲)	۲۷,۲	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۱۴
۳	۱,۵۳(۱,۰۶)	۲۵,۶	کتک خوردن از همسر	۱۵
۱۶	۱,۱۱(۰,۶۹)	۶,۴	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۱۶
۲۵	۰,۹۱(۰,۵۲)	۲,۴	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۱۷
۲۰	۱,۰۷(۰,۵۸)	۴,۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۱۸
۲۳	۱,۱۰(۰,۵۶)	۳,۲	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۱۹
۲۶	۱,۰۰(۰,۴۹)	۱,۶	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۲۰
۱۵	۱,۱۱(۰,۷۰)	۸	بیماری جسمی همسر	۲۱
۱۳	۱,۲۳(۰,۸۲)	۱۰,۴	بیماری روانی همسر	۲۲
۲۷	۰,۸۸(۰,۴۷)	۰,۸	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۲۳
۹	۱,۵۵(۰,۹۰)	۱۶,۸	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۲۴
۱۱	۱,۶۸(۰,۸۷)	۱۶	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۲۵

۱۱۴ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

۲۶	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود	۲۰,۸	۱,۸۰(۱,۰۲)	۵
۲۷	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۱۹,۲	۱,۶۷(۰,۹۷)	۷
۲۸	طولانی شدن دوران عقد	-	۰,۸۹(۰,۴۳)	۲۹
۲۹	بیکاری مرد	۱۸,۴	۱,۳۶(۱,۰۸)	۸

جدول ۲۴-۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در مردان مورد مطالعه استان گلستان (n=۱۲۵)

شماره گویه	گویه	درصد مردانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	رتبه اهمیت
۱	ازدواج من تحمیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۰,۸	۰,۸۶(۰,۴۲)	۲۶
۲	اعتیاد	۲,۴	۰,۹۲(۰,۶۰)	۱۹
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۴,۸	۱,۰۸(۰,۶۵)	۱۱
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر به من خیانت کرده است.	۹,۶	۱,۱۲(۰,۸۱)	۵
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۹,۶	۱,۲۳(۰,۸۶)	۶
۶	دخالت اطرافیان	۱۲,۸	۱,۲۹(۰,۸۸)	۳
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۵,۶	۱,۰۰(۰,۶۵)	۱۰
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۴,۸	۰,۹۵(۰,۶۳)	۱۲
۹	رفیق بازی همسر	۲,۴	۰,۹۲(۰,۵۷)	۲۰
۱۰	میزان مهریه	۱,۶	۰,۹۲(۰,۵۲)	۲۳
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۲۴	۱,۵۰(۰,۹۷)	۱
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۴,۸	۰,۹۷(۰,۵۷)	۱۳
۱۳	نازایی و بچه دار نشدن	۳,۲	۰,۹۵(۰,۶۰)	۱۷
۱۴	توهین، بی احترامی / فحاشی همسر	۴	۱,۰۲(۰,۵۸)	۱۵
۱۵	کتک خوردن از همسر	۱,۶	۰,۸۸(۰,۵۰)	۲۴
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۲,۴	۰,۹۰(۰,۵۷)	۲۱
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۰,۸	۰,۸۷(۰,۴۷)	۲۷
۱۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۳,۲	۰,۹۴(۰,۵۴)	۱۸

۱۱۵ نتایج مطالعه

۱۹	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۱,۶	۰,۹۳(۰,۵۳)	۲۵
۲۰	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۲,۴	۰,۹۴(۰,۵۲)	۲۲
۲۱	بیماری جسمی همسر	۴,۸	۰,۹۲(۰,۵۹)	۱۴
۲۲	بیماری روانی همسر	۶,۴	۱,۰۰(۰,۶۸)	۹
۲۳	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	-	۰,۸۸(۰,۴۵)	۲۸
۲۴	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۸	۱,۱۶(۰,۷۸)	۸
۲۵	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۹,۶	۱,۳۶(۰,۸۱)	۷
۲۶	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود	۱۳,۶	۱,۵۰(۰,۹۸)	۲
۲۷	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۱۲,۸	۱,۴۲(۰,۸۹)	۴
۲۸	طولانی شدن دوران عقد	-	۰,۸۴(۰,۴۵)	۲۹
۲۹	بیکاری مرد	۴	۰,۲۵(۰,۸۲)	۱۶

۱۱۶ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

جدول ۲۵-۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در زنان مورد مطالعه استان قم (n=۱۴۵)

شماره گویه	گویه	درصد زنانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	رتبه اهمیت
۱	ازدواج من تحمیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۳۰,۴	۱,۴۴(۱,۶۴)	۱۷
۲	اعتیاد	۲۰	۱,۰۰(۱,۵۳)	۲۲
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۴۴,۱	۲,۰۲(۱,۶۹)	۹
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر من خیانت کرده است.	۲۶,۸	۱,۲۶(۱,۶۸)	۲۰
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۴۹,۷	۲,۱۲(۱,۷۹)	۶
۶	دخالت اطرافیان	۵۹,۳	۲,۴۶(۱,۶۵)	۴
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۳۲,۴	۱,۴۵(۱,۶۵)	۱۶
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۱۰,۳	۰,۷۵(۱,۲۰)	۲۹
۹	رفیق بازی همسر	۲۸,۹	۱,۳۷(۱,۵۸)	۱۸
۱۰	میزان مهریه	۱۷,۳	۰,۹۲(۱,۳۵)	۲۷
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۴۰	۱,۸۰(۱,۷۲)	۱۲
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۳۵,۹	۱,۶۰(۱,۶۵)	۱۴
۱۳	نازایی و بچه‌دار نشدن	۱۱,۷	۰,۵۰(۱,۱۰)	۲۸
۱۴	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۵۵,۲	۲,۴۵(۱,۶۶)	۵
۱۵	کتک خوردن از همسر	۴۰,۷	۱,۷۵(۱,۷۴)	۱۱
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۳۹,۳	۱,۸۴(۱,۷۱)	۱۳
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۲۰	۰,۹۱(۱,۴۶)	۲۴
۱۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۲۶,۹	۱,۲۳(۱,۵۸)	۱۹
۱۹	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۴۶,۹	۱,۹۵(۱,۷۳)	۸
۲۰	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۱۹,۳	۱,۰۵(۱,۵۱)	۲۵
۲۱	بیماری جسمی همسر	۲۲,۱	۰,۹۵(۱,۵۰)	۲۱
۲۲	بیماری روانی همسر	۳۳,۱	۱,۴۶(۱,۷۶)	۱۵
۲۳	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۱۸	۱,۰۸(۱,۴۸)	۲۶
۲۴	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۴۹	۲,۲۲(۱,۶۹)	۷

۱۱۷ نتایج مطالعه

۲۵	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۷۰,۴	۳,۰۰(۱,۳۳)	۲
۲۶	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود	۷۵,۲	۳,۰۳(۱,۳۱)	۱
۲۷	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۶۶,۹	۲,۷۱(۱,۵۷)	۳
۲۸	طولانی شدن دوران عقد	۲۰	۱,۰۰(۱,۴۴)	۲۳
۲۹	بیکاری مرد	۴۱,۳	۱,۸۷(۱,۸۲)	۱۰

جدول ۲۶-۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در مردان مورد مطالعه استان قم (N=۱۴۵)

شماره گویه	گویه	درصد مردانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	رتبه اهمیت
۱	ازدواج من تحمیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۱۵,۱	۰,۹۲(۱,۴۰)	۲۴
۲	اعتیاد	۱۱,۷	۰,۴۷(۱,۲۱)	۲۷
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۳۴,۵	۱,۵۵(۱,۷۵)	۹
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر من خیانت کرده است.	۲۲,۱	۰,۸۷(۱,۵۴)	۱۷
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۲۱,۴	۱,۲۸(۱,۵۰)	۱۸
۶	دخالت اطرافیان	۴۴,۹	۱,۸۸(۱,۷۲)	۳
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۲۲,۷	۱,۰۹(۱,۵۸)	۱۶
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۹	۰,۵۶(۱,۱۸)	۲۹
۹	رفیق بازی همسر	۲۲,۱	۱,۰۱(۱,۵۵)	۱۹
۱۰	میزان مهریه	۹,۷	۰,۶۲(۱,۲۱)	۲۸
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۳۳,۸	۱,۶۱(۱,۷۰)	۱۰
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۲۹	۱,۳۲(۱,۵۸)	۱۱
۱۳	نازایی و بچه دار نشدن	۱۱,۸	۰,۵۷(۱,۲۶)	۲۶
۱۴	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۳۷,۲	۱,۷۳(۱,۶۹)	۶
۱۵	کتنک خوردن از همسر	۱۹,۳	۰,۷۷(۱,۴۸)	۲۱
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۱۹,۳	۱,۰۴(۱,۴۷)	۲۲
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۲۸,۳	۱,۲۷(۱,۶۶)	۱۲

۱۱۸ نیمرخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

۱۵	۱,۲۵(۱,۶۱)	۲۵,۵	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۱۸
۷	۱,۶۶(۱,۷۱)	۳۶,۶	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۱۹
۲۰	۰,۹۴(۱,۵۳)	۲۰,۷	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۲۰
۲۵	۰,۶۴(۱,۲۶)	۱۳,۱	بیماری جسمی همسر	۲۱
۱۴	۱,۱۴(۱,۵۶)	۲۶,۲	بیماری روانی همسر	۲۲
۵	۱,۶۶(۱,۶۹)	۳۷,۹	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۲۳
۸	۱,۸۱(۱,۶۱)	۳۵,۸	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۲۴
۴	۲,۱۵(۱,۶۶)	۴۴,۹	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۲۵
۱	۲,۳۱(۱,۶۱)	۵۳,۸	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود	۲۶
۲	۲,۲۲(۱,۶۴)	۵۰,۴	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۲۷
۲۳	۰,۸۵(۱,۳۶)	۱۵,۸	طولانی شدن دوران عقد	۲۸
۱۳	۱,۲۲(۱,۷۱)	۲۸,۳	بیکاری مرد	۲۹

۱۱۹ نتایج مطالعه

جدول ۲۷-۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در زنان مورد مطالعه استان یزد (n=۱۳۸)

شماره گویه	گویه	درصد زنانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	رتبه اهمیت
۱	ازدواج من تحمیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۲۶,۱	۱,۳۱(۱,۴۱)	۲۱
۲	اعتیاد	۳۹,۱	۱,۷۱(۱,۷۹)	۱۳
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۴۸,۶	۲,۱۰(۱,۶۷)	۸
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر به من خیانت کرده است.	۴۲	۱,۹۲(۱,۷۰)	۱۲
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۵۱,۵	۲,۲۸(۱,۵۳)	۶
۶	دخالت اطرافیان	۴۸,۶	۲,۲۳(۱,۵۴)	۹
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۲۴,۷	۱,۲۰(۱,۴۲)	۲۲
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۱۰,۸	۰,۷۸(۱,۱۴)	۲۹
۹	رفیق بازی همسر	۴۲,۱	۲,۰۰(۱,۷۰)	۱۱
۱۰	میزان مهریه	۱۷,۳	۱,۰۵(۱,۳۷)	۲۵
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۳۵,۵	۱,۷۹(۱,۵۷)	۱۶
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۳۴,۸	۱,۷۷(۱,۶۶)	۱۷
۱۳	نازایی و بچه دار نشدن	۱۲,۳	۰,۶۴(۱,۲۸)	۲۷
۱۴	توهین، بی احترامی / فحاشی همسر	۶۰,۹	۲,۵۶(۱,۵۳)	۴
۱۵	کتک خوردن از همسر	۵۰	۲,۱۱(۱,۷۲)	۷
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۴۵,۶	۱,۹۹(۱,۵۴)	۱۰
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۲۶,۱	۱,۳۵(۱,۵۶)	۲۰
۱۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۳۱,۸	۱,۵۲(۱,۷۰)	۱۹
۱۹	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۳۸,۴	۱,۹۸(۱,۵۳)	۱۴
۲۰	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۱۱,۶	۱,۱۰(۱,۱۹)	۲۸
۲۱	بیماری جسمی همسر	۱۴,۵	۰,۸۷(۱,۳۰)	۲۶
۲۲	بیماری روانی همسر	۳۲,۶	۱,۳۸(۱,۵۹)	۱۸
۲۳	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۲۰,۳	۱,۱۸(۱,۳۶)	۲۳
۲۴	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۷۴,۶	۲,۹۵(۱,۳۸)	۱
۲۵	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۶۸,۲	۲,۹۳(۱,۳۰)	۳

۱۲۰ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

۲۶	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود	۷۱,۷	۲,۹۴(۱,۴۱)	۲
۲۷	ناراضیتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۵۸,۷	۲,۶۵(۱,۴۲)	۵
۲۸	طولانی شدن دوران عقد	۱۷,۳	۱,۰۰(۱,۳۸)	۲۴
۲۹	بیکاری مرد	۳۸,۴	۱,۶۴(۱,۷۸)	۱۵

جدول ۲۸-۵- اهمیت هر یک از دلایل طلاق در مردان مورد مطالعه استان یزد (n=۱۳۸)

شماره گویه	گویه	درصد مردانی که دلیل را مهم یا بسیار مهم میدانستند	میانگین ($\pm$ SD) نمره اهمیت	رتبه اهمیت
۱	ازدواج من تحمیلی بود و از ابتدا علاقه ای به این ازدواج نداشتم.	۲۳,۹	۱,۳۰(۱,۴۳)	۱۳
۲	اعتیاد	۱۸,۱	۰,۷۳(۱,۴۴)	۲۰
۳	سوء ظن و بدبینی همسر	۲۶,۸	۱,۴۱(۱,۶۱)	۱۰
۴	به این نتیجه رسیدم که همسر من خیانت کرده است.	۲۱,۷	۱,۰۱(۱,۵۴)	۱۶
۵	مشکلات مالی در تامین مخارج زندگی	۲۴,۶	۱,۲۹(۱,۵۳)	۱۲
۶	دخالت اطرافیان	۵۱,۴	۲,۱۸(۱,۷۴)	۲
۷	تفاوت زیاد سنی با همسر	۱۴,۵	۰,۸۲(۱,۳۱)	۲۳
۸	تفاوت کم سنی با همسر	۱۲,۳	۰,۷۰(۱,۲۵)	۲۸
۹	رفیق بازی همسر	۲۲,۵	۱,۰۵(۱,۵۰)	۱۵
۱۰	میزان مهریه	۱۳	۰,۸۶(۱,۲۴)	۲۷
۱۱	عدم ارضا و لذت نبردن از ارتباط جنسی	۳۳,۳	۱,۵۷(۱,۷۱)	۹
۱۲	اختلاف در اعتقادات مذهبی	۲۱,۷	۱,۰۶(۱,۴۷)	۱۷
۱۳	نازایی و بچه دار نشدن	۱۲,۳	۰,۶۰(۱,۱۶)	۲۹
۱۴	توهین، بی احترامی/ فحاشی همسر	۵۰	۲,۲۱(۱,۶۶)	۳
۱۵	کتک خوردن از همسر	۱۳,۷	۰,۷۱(۱,۳۱)	۲۶
۱۶	اعمال محدودیت های رفت و آمدی از سوی همسر	۲۶,۸	۱,۲۶(۱,۵۲)	۱۱
۱۷	موافق نبودن با کار بیرون از منزل همسر	۲۳,۲	۱,۱۵(۱,۶۲)	۱۴
۱۸	اختلاف نظر در شیوه تربیتی فرزندان	۱۹,۵	۱,۱۵(۱,۴۳)	۱۹

۱۲۱ نتایج مطالعه

۸	۱,۶۸(۱,۶۳)	۳۴,۷	اختلاف نظر در مهمانی ها و رفت و آمدها	۱۹
۲۴	۰,۷۶(۱,۲۰)	۱۳,۸	اختلاف سطح تحصیلات با همسر	۲۰
۲۵	۰,۷۰(۱,۲۸)	۱۳,۸	بیماری جسمی همسر	۲۱
۱۸	۱,۰۹(۱,۴۷)	۲۱,۷	بیماری روانی همسر	۲۲
۷	۱,۷۰(۱,۶۴)	۳۸,۴	رقابت و چشم هم چشمی همسر با دیگران	۲۳
۵	۱,۹۴(۱,۶۷)	۴۵	قابل اطمینان نبودن و دروغگویی همسر	۲۴
۴	۲,۲۲(۱,۶۵)	۴۹,۲	نارضایتی از نحوه ابراز عشق و احساسات	۲۵
۱	۲,۵۴(۱,۵۲)	۶۰,۱	عدم توانایی حل اختلاف که منجر به دعوا میشود	۲۶
۶	۱,۹۴(۱,۶۰)	۴۳,۵	نارضایتی از خصوصیات شخصیتی همسر	۲۷
۲۱	۰,۹۰(۱,۴۵)	۱۸,۱	طولانی شدن دوران عقد	۲۸
۲۲	۰,۷۶(۱,۴۱)	۱۷,۴	بیکاری مرد	۲۹

۱۲۲ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

بخش دوم: وضعیت رضایت زناشویی

۴-۵- خصوصیات دموگرافیک نمونه مورد بررسی

در این مطالعه ۲۰۳۳ نفر مرد و زن، در مراکز ۹ استان (جدول ۲۹-۵) وارد مطالعه شدند، که ۱۰۳۴ نفر زن و ۹۹۹ نفر مرد بودند.

جدول ۲۹-۵- تعداد افراد مورد مطالعه جهت ارزیابی رضایت زناشویی به تفکیک استان

استان	تعداد	درصد
البرز	۲۹۳	۱۴,۴
خوزستان	۴۰۰	۱۹,۷
زنجان	۱۰۰	۴,۹
فارس	۳۹۸	۱۹,۶
کردستان	۱۹۹	۹,۸
کرمان	۲۰۰	۹,۸
گلستان	۱۸۳	۹,۰
قم	۱۶۰	۷,۹
یزد	۱۰۰	۴,۹
جمع	۲۰۳۳	۱۰۰

خصوصیات دموگرافیک زنان و مردان مورد مصاحبه به تفکیک در جدول ۳۰-۵ آمده است.

جدول ۳۰-۵- اطلاعات دموگرافیک نمونه مورد بررسی (n=۲۰۳۳)

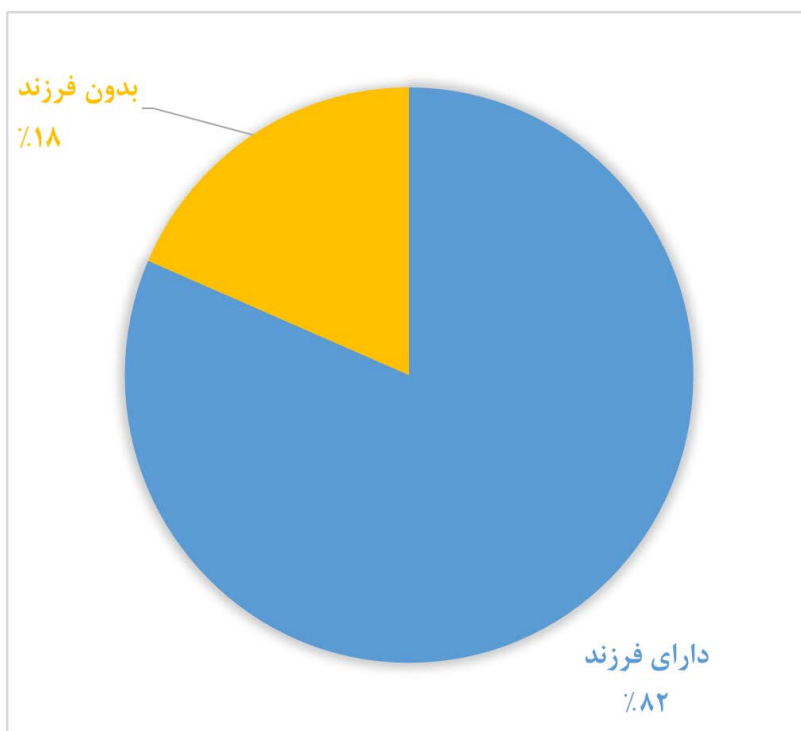
متغیر	میانگین	انحراف معیار
سن خانم (۱۰۳۴ نفر)	۳۵/۸	۹/۹
سن آقا (۹۹۹ نفر)	۳۷/۰	۱۰/۲
تفاوت سنی	۴/۰	۴/۵
مدت ازدواج	۱۳/۰	۱۰/۶

۱۲۳ نتایج مطالعه

جدول ۳-۵- سطح تحصیلات زنان و مردان مورد مصاحبه (n=۲۰۳۳)

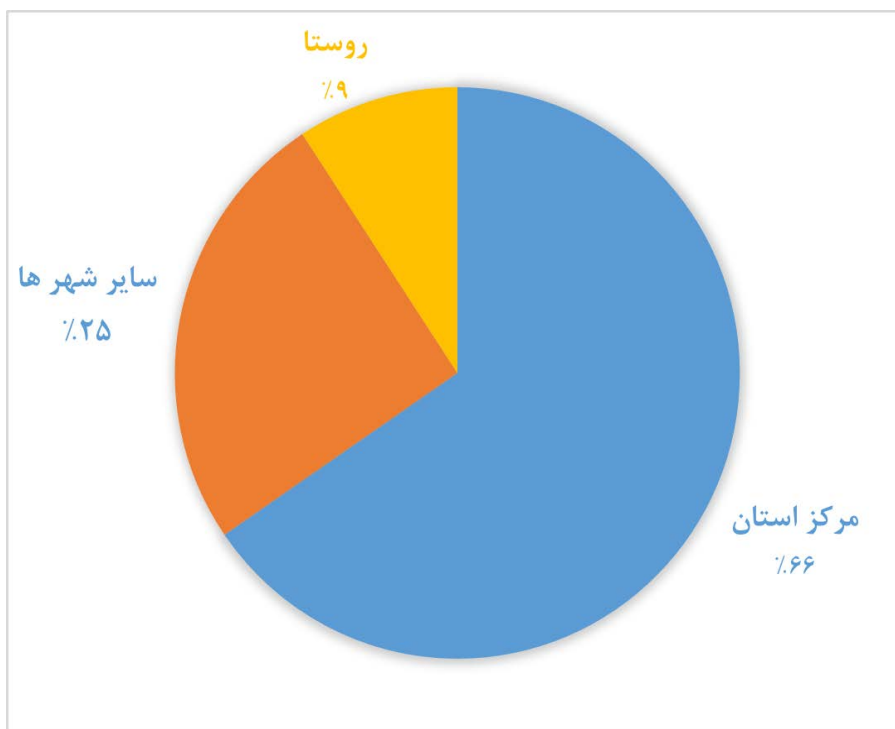
سطح تحصیلات	زنان (درصد)	مردان (درصد)
بیسواد	۳۸(۳/۷)	۲۳(۲/۳)
ابتدایی	۱۳۵(۱۳/۱)	۱۵۸(۱۵/۸)
متوسطه	۲۰۶(۱۹/۹)	۲۱۲(۲۱/۲)
دیپلم	۳۶۳(۳۵/۱)	۳۲۷(۳۲/۷)
دانشگاهی	۲۹۲(۲۸/۲)	۲۷۹(۲۷/۹)
جمع	۱۰۳۴	۹۹۹

وضعیت داشتن فرزند، محل سکونت، و نحوه آشنایی قبل از ازدواج افراد مورد مصاحبه در شکل‌های ذیل نشان داده شده است.



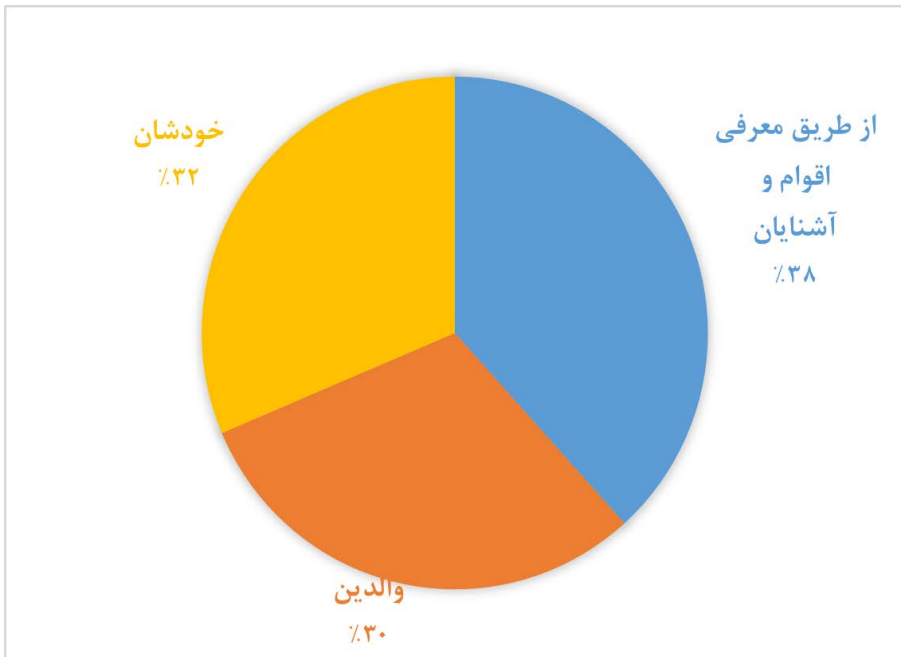
شکل ۳-۵ - درصد افراد مورد مصاحبه که فرزند داشته اند (n=۲۰۳۳)

۱۲۴ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق



شکل ۴-۵ - محل سکونت افراد مورد مصاحبه (n=۲۰۳۳)

۱۲۵ نتایج مطالعه



شکل ۵-۵- نحوه آشنایی قبل از ازدواج در افراد مورد مصاحبه (n=۲۰۳۳)

۱۲۶ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

۵-۴- وضعیت رضایت زناشویی زنان و مردان در ابعاد مختلف

وضعیت رضایت پاسخگویان از ابعاد دهگانه رضایت زناشویی، ذیلاً آمده است.

جدول ۳۲-۵ میزان موافقت پاسخگویان با هر یک از ابعاد دهگانه رضایت زناشویی در

کل ۹ استان (n=۲۰۳۳)

ردیف	عبارت	حیطه	درصد افراد موافق	میانگین (± SD) نمره موافقت*	رتبه موافقت
۱	از ویژگی‌های شخصی و عادات همسر راضی نیستم.	ویژگیهای شخصی	۲۲,۵	۳,۴۹(۱,۲۰)	۸
۲	از این که در زندگی مشترکمان مسؤولیت‌های خود را خوب ایفا می‌کنیم، خوشحالم.	عدالت	۸۴,۹	۴,۳۰(۰,۸۷)	۱
۳	روابطم با همسر رضایت بخش نیست و احساس می‌کنم او مرا درک نمی‌کند.	ارتباطات	۱۷,۷	۳,۷۲(۱,۱۷)	۹
۴	از نحوه تصمیم‌گیری‌ها در مورد چگونگی حل و فصل اختلافات بسیار خشنود هستم.	حل تعارض	۷۱,۸	۳,۸۹(۱,۰۶)	۵
۵	از وضعیت اقتصادی خانواده و نیز شیوه تصمیم‌گیری‌های مربوط به آن، راضی نیستم.	مدیریت مالی	۲۷,۶	۳,۳۵(۱,۲۶)	۶
۶	از نحوه برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت و نیز صرف اوقات در کنار همسر بسیار خوشحالم.	فعالیت‌های تفریحی	۷۳,۱	۴,۰۰(۱,۱۳)	۴
۷	از نحوه ابراز عشق و احساسات و نیز رابطه جنسی با همسر بسیار خشنود هستم.	رضایت جنسی	۷۶,۴	۴,۰۶(۱,۱۰)	۳
۸	از نحوه ایفای نقش و مسؤولیت خود و همسر به عنوان "والدین" راضی نیستم.	فرزندپروری	۱۵,۵	۳,۷۵(۱,۱۳)	۱۰
۹	از این که وقتم را با بعضی از بستگان همسر صرف کنم، لذت نمی‌برم.	خانواده مداری	۲۴,۲	۳,۴۲(۱,۲۵)	۷
۱۰	نسبت به نحوه عملکردمان به باورها و ارزش‌های مذهبی احساس خوبی دارم.	رویکرد مذهبی	۸۳,۹	۴,۲۷(۰,۹۴)	۲

*بر اساس مقیاس لیکرت که بین ۱ تا ۵ بوده و هرچه به پنج نزدیکتر باشد علامت رضایت بیشتر است.

۱۲۷ | نتایج مطالعه

جدول ۳۳-۵- میزان موافقت پاسخگویان با هر یک از ابعاد دهگانه رضایت زناشویی در استان البرز (n=۲۹۳)

ردیف	عبارت	حیطه	درصد افراد موافق	میانگین (± SD) نمره رضایت*	رتبه رضایت
۱	از ویژگی های شخصیتی و عادات همسرم راضی نیستم.	ویژگیهای شخصیتی	۲۷,۳	۳,۲۸(۱,۲۰)	۷
۲	از این که در زندگی مشترکمان مسؤولیت های خود را خوب ایفا می کنیم، خوشحالم.	عدالت	۸۲,۶	۴,۲۵(۰,۹۳)	۲
۳	روابطم با همسرم رضایت بخش نیست و احساس می کنم او مرا درک نمی کند.	ارتباطات	۲۱,۵	۳,۵۹(۱,۲۴)	۹
۴	از نحوه تصمیم گیریها در مورد چگونگی حل و فصل اختلافات بسیار خشنود هستم .	حل تعارض	۶۹,۶	۳,۸۴(۱,۰۳)	۴
۵	از وضعیت اقتصادی خانواده و نیز شیوه تصمیم گیری های مربوط به آن، راضی نیستم.	مدیریت مالی	۲۹,۷	۳,۲۷(۱,۲۶)	۶
۶	از نحوه برنامه ریزی برای اوقات فراغت و نیز صرف اوقات در کنار همسرم بسیار خوشحالم.	فعالیت های تفریحی	۶۸,۲	۳,۸۹(۱,۲۰)	۵
۷	از نحوه ابراز عشق و احساسات و نیز رابطه جنسی با همسرم بسیار خشنود هستم.	رضایت جنسی	۷۱	۳,۹۹(۱,۱۸)	۳
۸	از نحوه ایفای نقش و مسؤولیت خود و همسرم به عنوان "والدین" راضی نیستم.	فرزندپروری	۱۸,۷	۳,۵۸(۱,۱۵)	۱۰
۹	از این که وقتم را با بعضی از بستگان همسرم صرف کنم ، لذت نمی برم.	خانواده مداری	۲۶	۳,۳۶(۱,۲۸)	۸
۱۰	نسبت به نحوه عملکردمان به باورها و ارزش های مذهبی احساس خوبی دارم.	رویکرد مذهبی	۸۶,۴	۴,۳۳(۰,۸۶)	۱

*بر اساس مقیاس لیکرت که بین ۱ تا ۵ بوده و هر چه به پنج نزدیکتر باشد علامت رضایت بیشتر است.

۱۲۸ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

جدول ۳۴-۵- میزان موافقت پاسخگویان با هر یک از ابعاد دهگانه رضایت زناشویی در استان خوزستان (n=۴۰۰)

ردیف	عبارت	حیطه	درصد افراد موافق	میانگین (± SD) نمره رضایت*	رتبه رضایت
۱	از ویژگی های شخصیتی و عادات همسرم راضی نیستم.	ویژگیهای شخصیتی	۱۹,۸	۳,۶۰(۱,۱۳)	۸
۲	از این که در زندگی مشترکمان مسؤولیت های خود را خوب ایفا می کنیم، خوشحالم.	عدالت	۷۶,۳	۴,۰۶(۰,۹۵)	۲
۳	روابطم با همسرم رضایت بخش نیست و احساس می کنم او مرا درک نمی کند.	ارتباطات	۱۴,۵	۳,۷۰(۱,۱۲)	۹
۴	از نحوه تصمیم گیریها در مورد چگونگی حل و فصل اختلافات بسیار خشنود هستم .	حل تعارض	۶۵,۱	۳,۷۰(۱,۰۷)	۴
۵	از وضعیت اقتصادی خانواده و نیز شیوه تصمیم گیری های مربوط به آن، راضی نیستم.	مدیریت مالی	۲۳,۳	۳,۴۹(۱,۱۵)	۶
۶	از نحوه برنامه ریزی برای اوقات فراغت و نیز صرف اوقات در کنار همسرم بسیار خوشحالم.	فعالیت های تفریحی	۶۳	۳,۷۴(۱,۰۸)	۵
۷	از نحوه ابراز عشق و احساسات و نیز رابطه جنسی با همسرم بسیار خشنود هستم.	رضایت جنسی	۷۳,۶	۳,۹۰(۱,۰۵)	۳
۸	از نحوه ایفای نقش و مسؤولیت خود و همسرم به عنوان "والدین" راضی نیستم.	فرزندپروری	۱۳,۶	۳,۷۰(۱,۰۱)	۱۰
۹	از این که وقتم را با بعضی از بستگان همسرم صرف کنم ، لذت نمی برم.	خانواده مداری	۲۰	۳,۵۰(۱,۱۲)	۷
۱۰	نسبت به نحوه عملکردمان به باورها و ارزش های مذهبی احساس خوبی دارم.	رویکرد مذهبی	۷۹,۱	۴,۱۴(۱,۰۲)	۱

*بر اساس مقیاس لیکرت که بین ۱ تا ۵ بوده و هرچه به پنج نزدیکتر باشد علامت رضایت بیشتر است.

۱۲۹ نتایج مطالعه

جدول ۳۵-۵ میزان موافقت پاسخگویان با هر یک از ابعاد دهگانه رضایت زناشویی در استان زنجان (n=۱۰۰)

ردیف	عبارت	حیطه	درصد افراد موافق	میانگین (± SD) نمره رضایت*	رتبه رضایت
۱	از ویژگی های شخصیتی و عادات همسرم راضی نیستم.	ویژگیهای شخصیتی	۱۶	۳,۸۸(۱,۱۷)	۹
۲	از این که در زندگی مشترکمان مسؤولیت های خود را خوب ایفا می کنیم، خوشحالم.	عدالت	۸۲	۴,۲۱(۰,۹۴)	۱
۳	روابطم با همسرم رضایت بخش نیست و احساس می کنم او مرا درک نمی کند.	ارتباطات	۱۷	۳,۸۰(۱,۱۳)	۸
۴	از نحوه تصمیم گیریها در مورد چگونگی حل و فصل اختلافات بسیار خشنود هستم .	حل تعارض	۷۵	۳,۸۸(۱,۰۶)	۴
۵	از وضعیت اقتصادی خانواده و نیز شیوه تصمیم گیری های مربوط به آن، راضی نیستم.	مدیریت مالی	۲۶	۳,۴۹(۱,۳۱)	۶
۶	از نحوه برنامه ریزی برای اوقات فراغت و نیز صرف اوقات در کنار همسرم بسیار خوشحالم.	فعالیت های تفریحی	۷۲	۳,۹۵(۱,۲۴)	۵
۷	از نحوه ابراز عشق و احساسات و نیز رابطه جنسی با همسرم بسیار خشنود هستم.	رضایت جنسی	۷۷	۴,۰۹(۱,۱۲)	۳
۸	از نحوه ایفای نقش و مسؤولیت خود و همسرم به عنوان "والدین" راضی نیستم.	فرزندپروری	۷	۴,۱۷(۰,۹۵)	۱۰
۹	از این که وقتم را با بعضی از بستگان همسرم صرف کنم ، لذت نمی برم.	خانواده مداری	۱۸	۳,۴۵(۱,۱۶)	۷
۱۰	نسبت به نحوه عملکردمان به باورها و ارزش های مذهبی احساس خوبی دارم.	رویکرد مذهبی	۸۰	۴,۱۷(۱,۱۰)	۲

*بر اساس مقیاس لیکرت که بین ۱ تا ۵ بوده و هرچه به پنج نزدیکتر باشد علامت رضایت بیشتر است.

۱۳۰ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

جدول ۳۶-۵- میزان موافقت پاسخگویان با هر یک از ابعاد دهگانه رضایت زناشویی در استان فارس (n=۳۹۸)

ردیف	عبارت	حیطه	درصد افراد موافق	میانگین (± SD) نمره رضایت*	رتبه رضایت
۱	از ویژگی های شخصیتی و عادات همسرم راضی نیستم.	ویژگیهای شخصیتی	۱۹,۶	۳,۶۹(۱,۲۰)	۸
۲	از این که در زندگی مشترکمان مسؤولیت های خود را خوب ایفا می کنیم، خوشحالم.	عدالت	۸۸,۴	۴,۴۳(۰,۸۸)	۱
۳	روابطم با همسرم رضایت بخش نیست و احساس می کنم او مرا درک نمی کند.	ارتباطات	۱۳,۸	۳,۹۰(۱,۱۱)	۹
۴	از نحوه تصمیم گیریها در مورد چگونگی حل و فصل اختلافات بسیار خشنود هستم .	حل تعارض	۷۴,۶	۳,۹۳(۱,۱۹)	۵
۵	از وضعیت اقتصادی خانواده و نیز شیوه تصمیم گیری های مربوط به آن، راضی نیستم.	مدیریت مالی	۳۴,۶	۳,۲۲(۱,۳۷)	۶
۶	از نحوه برنامه ریزی برای اوقات فراغت و نیز صرف اوقات در کنار همسرم بسیار خوشحالم.	فعالیت های تفریحی	۷۷,۹	۴,۱۱(۱,۲۱)	۴
۷	از نحوه ابراز عشق و احساسات و نیز رابطه جنسی با همسرم بسیار خشنود هستم.	رضایت جنسی	۷۹,۶	۴,۱۴(۱,۲۲)	۳
۸	از نحوه ایفای نقش و مسؤولیت خود و همسرم به عنوان "والدین" راضی نیستم.	فرزندپروری	۱۳,۱	۳,۹۳(۱,۱۴)	۱۰
۹	از این که وقتم را با بعضی از بستگان همسرم صرف کنم ، لذت نمی برم.	خانواده مداری	۲۸,۴	۳,۴۴(۱,۳۸)	۷
۱۰	نسبت به نحوه عملکردمان به باورها و ارزش های مذهبی احساس خوبی دارم.	رویکرد مذهبی	۸۴,۹	۴,۲۶(۰,۹۲)	۲

*بر اساس مقیاس لیکرت که بین ۱ تا ۵ بوده و هرچه به پنج نزدیکتر باشد علامت رضایت بیشتر است.

۱۳۱ | نتایج مطالعه

جدول ۳۷-۵- میزان موافقت پاسخگویان با هر یک از ابعاد دهگانه رضایت زناشویی در استان کردستان (n=۱۹۹)

ردیف	عبارت	حیطه	درصد افراد موافق	میانگین (± SD) نمره رضایت*	رتبه رضایت
۱	از ویژگی های شخصیتی و عادات همسرم راضی نیستم.	ویژگیهای شخصیتی	۱۴,۱	۳,۶۲(۱,۰۰)	۹
۲	از این که در زندگی مشترکمان مسئولیت های خود را خوب ایفا می کنیم، خوشحالم.	عدالت	۹۰,۴	۴,۳۵(۰,۶۹)	۱
۳	روابطم با همسرم رضایت بخش نیست و احساس می کنم او مرا درک نمی کند.	ارتباطات	۱۶,۶	۳,۷۲(۱,۰۹)	۸
۴	از نحوه تصمیم گیریها در مورد چگونگی حل و فصل اختلافات بسیار خشنود هستم.	حل تعارض	۷۹,۹	۴,۰۱(۰,۹۰)	۴
۵	از وضعیت اقتصادی خانواده و نیز شیوه تصمیم گیری های مربوط به آن، راضی نیستم.	مدیریت مالی	۲۳,۱	۳,۳۲(۱,۱۱)	۶
۶	از نحوه برنامه ریزی برای اوقات فراغت و نیز صرف اوقات در کنار همسرم بسیار خوشحالم.	فعالیت های تفریحی	۷۹,۴	۴,۰۵(۰,۹۳)	۵
۷	از نحوه ابراز عشق و احساسات و نیز رابطه جنسی با همسرم بسیار خشنود هستم.	رضایت جنسی	۸۳,۴	۴,۱۶(۰,۹۲)	۲
۸	از نحوه ایفای نقش و مسئولیت خود و همسرم به عنوان "والدین" راضی نیستم.	فرزندپروری	۱۲	۳,۸۶(۰,۹۹)	۱۰
۹	از این که وقتم را با بعضی از بستگان همسرم صرف کنم ، لذت نمی برم.	خانواده مداری	۱۸,۶	۳,۴۲(۱,۰۶)	۷
۱۰	نسبت به نحوه عملکردمان به باورها و ارزش های مذهبی احساس خوبی دارم.	رویکرد مذهبی	۸۲,۹	۴,۱۸(۰,۸۹)	۳

*بر اساس مقیاس لیکرت که بین ۱ تا ۵ بوده و هرچه به پنج نزدیکتر باشد علامت رضایت بیشتر است.

۱۳۲ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

جدول ۳۸-۵- میزان موافقت پاسخگویان با هر یک از ابعاد دهگانه رضایت زناشویی در استان کرمان (n=۲۰۰)

ردیف	عبارت	حیطه	درصد افراد موافق	میانگین (± SD) نمره رضایت*	رتبه رضایت
۱	از ویژگی های شخصیتی و عادات همسرم راضی نیستم.	ویژگیهای شخصیتی	۲۶,۵	۳,۲۸(۱,۲۷)	۷
۲	از این که در زندگی مشترکمان مسؤولیت های خود را خوب ایفا می کنیم، خوشحالم.	عدالت	۸۹,۵	۴,۳۸(۰,۷۵)	۱
۳	روابطم با همسرم رضایت بخش نیست و احساس می کنم او مرا درک نمی کند.	ارتباطات	۲۴,۵	۳,۵۰(۱,۲۵)	۹
۴	از نحوه تصمیم گیری ها در مورد چگونگی حل و فصل اختلافات بسیار خشنود هستم .	حل تعارض	۷۰,۵	۳,۸۸(۱,۰۵)	۵
۵	از وضعیت اقتصادی خانواده و نیز شیوه تصمیم گیری های مربوط به آن، راضی نیستم.	مدیریت مالی	۲۵,۵	۳,۴۱(۱,۲۵)	۸
۶	از نحوه برنامه ریزی برای اوقات فراغت و نیز صرف اوقات در کنار همسرم بسیار خوشحالم.	فعالیت های تفریحی	۷۷	۴,۱۱(۱,۱۰)	۳
۷	از نحوه ابراز عشق و احساسات و نیز رابطه جنسی با همسرم بسیار خشنود هستم.	رضایت جنسی	۷۷	۴,۱۰(۱,۰۲)	۴
۸	از نحوه ایفای نقش و مسؤولیت خود و همسرم به عنوان "والدین" راضی نیستم.	فرزندپروری	۲۳,۵	۳,۴۶(۱,۲۴)	۱۰
۹	از این که وقتم را با بعضی از بستگان همسرم صرف کنم ، لذت نمی برم.	خانواده مداری	۲۹	۳,۲۹(۱,۲۸)	۶
۱۰	نسبت به نحوه عملکردمان به باورها و ارزش های مذهبی احساس خوبی دارم.	رویکرد مذهبی	۸۳	۴,۲۷(۰,۹۷)	۲

*بر اساس مقیاس لیکرت که بین ۱ تا ۵ بوده و هرچه به پنج نزدیکتر باشد علامت رضایت بیشتر است.

۱۳۳ | نتایج مطالعه

جدول ۳۹-۵- میزان موافقت پاسخگویان با هر یک از ابعاد دهگانه رضایت زناشویی در استان گلستان (n=۱۸۳)

ردیف	عبارت	حیطه	درصد افراد موافق	میانگین (± SD) نمره موافقت*	رتبه رضایت
۱	از ویژگی های شخصیتی و عادات همسرم راضی نیستم.	ویژگیهای شخصیتی	۳۱,۲	۳,۲۵(۱,۲۵)	۶
۲	از این که در زندگی مشترکمان مسؤولیت های خود را خوب ایفا می کنیم، خوشحالم.	عدالت	۸۹,۷	۴,۵۱(۰,۶۹)	۱
۳	روابطم با همسرم رضایت بخش نیست و احساس می کنم او مرا درک نمی کند.	ارتباطات	۱۸,۱	۳,۷۷(۱,۱۹)	۹
۴	از نحوه تصمیم گیری ها در مورد چگونگی حل و فصل اختلافات بسیار خشنود هستم .	حل تعارض	۷۷,۶	۴,۱۵(۰,۸۹)	۵
۵	از وضعیت اقتصادی خانواده و نیز شیوه تصمیم گیری های مربوط به آن، راضی نیستم.	مدیریت مالی	۲۹,۵	۳,۳۴(۱,۳۳)	۷
۶	از نحوه برنامه ریزی برای اوقات فراغت و نیز صرف اوقات در کنار همسرم بسیار خوشحالم.	فعالیت های تفریحی	۸۴,۷	۴,۳۹(۰,۹۱)	۳
۷	از نحوه ابراز عشق و احساسات و نیز رابطه جنسی با همسرم بسیار خشنود هستم.	رضایت جنسی	۸۱,۹	۴,۳۲(۰,۸۳)	۴
۸	از نحوه ایفای نقش و مسؤولیت خود و همسرم به عنوان "والدین" راضی نیستم.	فرزندپروری	۱۴,۲	۳,۸۰(۱,۱۷)	۱۰
۹	از این که وقتم را با بعضی از بستگان همسرم صرف کنم ، لذت نمی برم.	خانواده مداری	۲۳,۵	۳,۵۳(۱,۳۱)	۸
۱۰	نسبت به نحوه عملکردمان به باورها و ارزش های مذهبی احساس خوبی دارم.	رویکرد مذهبی	۸۸,۵	۴,۴۸(۰,۸۱)	۲

*بر اساس مقیاس لیکرت که بین ۱ تا ۵ بوده و هرچه به پنج نزدیکتر باشد علامت رضایت بیشتر است.

۱۳۴ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

جدول ۴۰-۵- میزان موافقت پاسخگویان با هر یک از ابعاد دهگانه رضایت زناشویی در استان قم (n=۱۶۰)

ردیف	عبارت	حیطه	درصد افراد موافق	میانگین (± SD) نمره رضایت*	رتبه رضایت
۱	از ویژگی های شخصیتی و عادات همسرم راضی نیستم.	ویژگیهای شخصیتی	۳۰	۳,۲۶(۱,۲۹)	۷
۲	از این که در زندگی مشترکمان مسؤولیت های خود را خوب ایفا می کنیم، خوشحالم.	عدالت	۸۳,۸	۴,۲۶(۰,۸۴)	۲
۳	روابطم با همسرم رضایت بخش نیست و احساس می کنم او مرا درک نمی کند.	ارتباطات	۲۰,۱	۳,۷۱(۱,۲۴)	۹
۴	از نحوه تصمیم گیریها در مورد چگونگی حل و فصل اختلافات بسیار خشنود هستم .	حل تعارض	۶۵,۷	۳,۷۸(۱,۱۲)	۳
۵	از وضعیت اقتصادی خانواده و نیز شیوه تصمیم گیری های مربوط به آن، راضی نیستم.	مدیریت مالی	۳۰,۷	۳,۲۲(۱,۳۰)	۶
۶	از نحوه برنامه ریزی برای اوقات فراغت و نیز صرف اوقات در کنار همسرم بسیار خوشحالم.	فعالیت های تفریحی	۶۵	۳,۸۷(۱,۲۳)	۵
۷	از نحوه ابراز عشق و احساسات و نیز رابطه جنسی با همسرم بسیار خشنود هستم.	رضایت جنسی	۶۵,۶	۳,۸۳(۱,۲۴)	۴
۸	از نحوه ایفای نقش و مسؤولیت خود و همسرم به عنوان "والدین" راضی نیستم.	فرزندپروری	۱۷,۵	۳,۶۶(۱,۱۶)	۱۰
۹	از این که وقتم را با بعضی از بستگان همسرم صرف کنم ، لذت نمی برم.	خانواده مداری	۲۷,۵	۳,۲۹(۱,۳۰)	۸
۱۰	نسبت به نحوه عملکردمان به باورها و ارزش های مذهبی احساس خوبی دارم.	رویکرد مذهبی	۸۴,۴	۴,۳۸(۰,۹۶)	۱

*بر اساس مقیاس لیکرت که بین ۱ تا ۵ بوده و هرچه به پنج نزدیکتر باشد علامت رضایت بیشتر است.

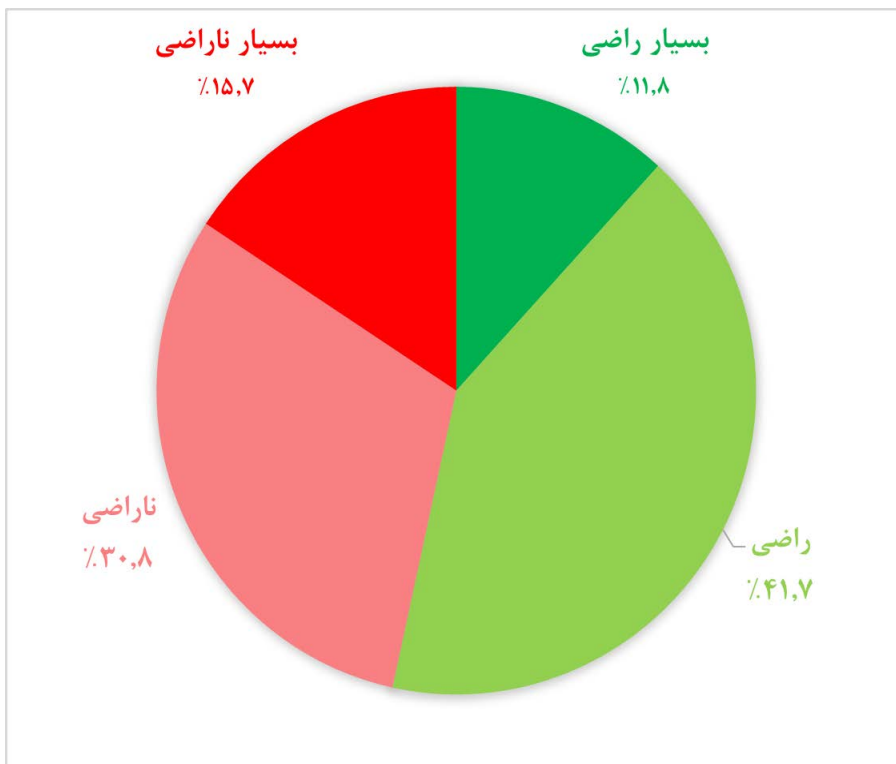
۱۳۵ | نتایج مطالعه

جدول ۴۱-۵- میزان موافقت پاسخگویان با هر یک از ابعاد دهگانه رضایت زناشویی در استان یزد (n=۱۰۰)

ردیف	عبارت	حیطه	درصد افراد موافق	میانگین (± SD) نمره موافقت*	رتبه رضایت
۱	از ویژگی های شخصیتی و عادات همسرم راضی نیستم.	ویژگیهای شخصیتی	۱۹	۳,۴۹(۱,۱۰)	۹
۲	از این که در زندگی مشترکمان مسؤولیت های خود را خوب ایفا می کنیم، خوشحالم.	عدالت	۸۷	۴,۳۷(۰,۷۸)	۲
۳	روابطم با همسرم رضایت بخش نیست و احساس می کنم او مرا درک نمی کند.	ارتباطات	۲۰	۳,۷۱(۱,۱۸)	۸
۴	از نحوه تصمیم گیری ها در مورد چگونگی حل و فصل اختلافات بسیار خشنود هستم .	حل تعارض	۷۸	۴,۰۵(۰,۹۱)	۵
۵	از وضعیت اقتصادی خانواده و نیز شیوه تصمیم گیریهای مربوط به آن، راضی نیستم.	مدیریت مالی	۱۷	۳,۵۶(۱,۱۷)	۱۰
۶	از نحوه برنامه ریزی برای اوقات فراغت و نیز صرف اوقات در کنار همسرم بسیار خوشحالم.	فعالیت های تفریحی	۸۰	۴,۲۱(۱,۰۶)	۴
۷	از نحوه ابراز عشق و احساسات و نیز رابطه جنسی با همسرم بسیار خشنود هستم.	رضایت جنسی	۸۱	۴,۱۶(۱,۰۶)	۳
۸	از نحوه ایفای نقش و مسؤولیت خود و همسرم به عنوان "والدین" راضی نیستم.	فرزندپروری	۲۲	۳,۶۶(۱,۲۵)	۶
۹	از این که وقتم را با بعضی از بستگان همسرم صرف کنم ، لذت نمی برم.	خانواده مداری	۲۲	۳,۵۲(۱,۲۵)	۷
۱۰	نسبت به نحوه عملکردمان به باورها و ارزش های مذهبی احساس خوبی دارم.	رویکرد مذهبی	۹۱	۴,۴۶(۰,۸۰)	۱

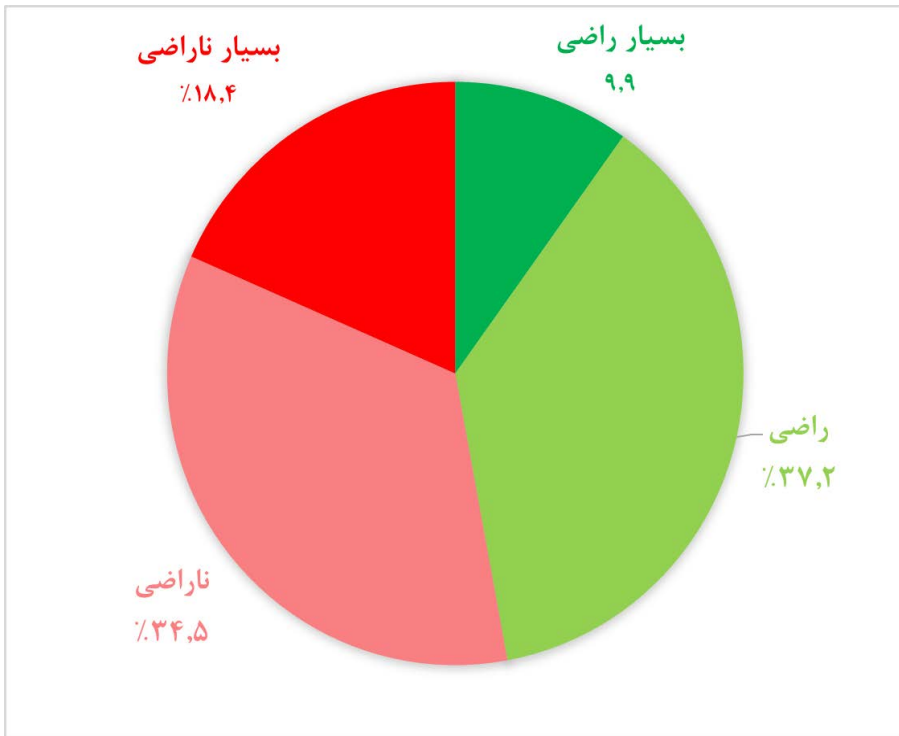
*بر اساس مقیاس لیکرت که بین ۱ تا ۵ بوده و هرچه به پنج نزدیکتر باشد علامت رضایت بیشتر است.

۱۳۶ | نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق



شکل ۵-۶ - درصد رضایت زناشویی در ۹ استان در افراد مورد مطالعه
(n=۲۰۳۳)

۱۳۷ نتایج مطالعه



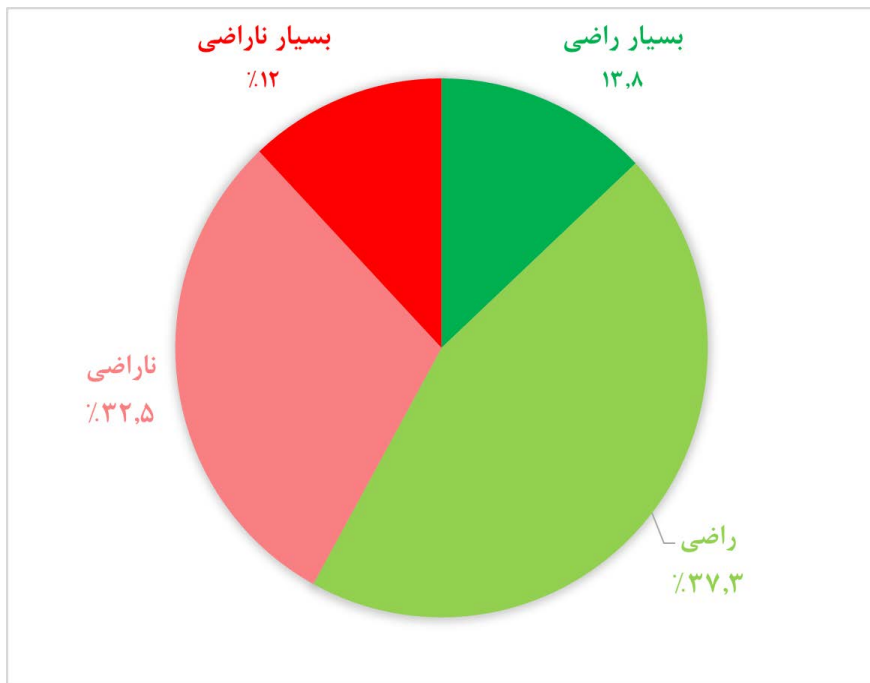
شکل ۷-۵ - درصد رضایت زناشویی در استان البرز در افراد مورد مصاحبه
(n=۲۹۳)

۱۳۸ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق



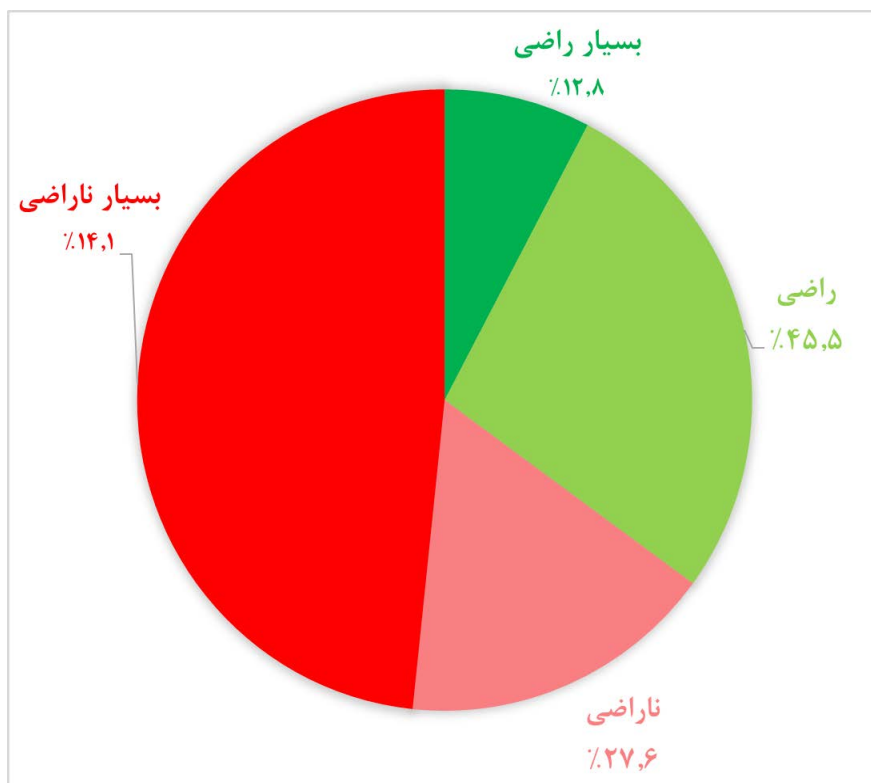
شکل ۸-۵ - درصد رضایت زناشویی در استان خوزستان در افراد مورد مصاحبه
(n=۴۰۰)

۱۳۹ نتایج مطالعه



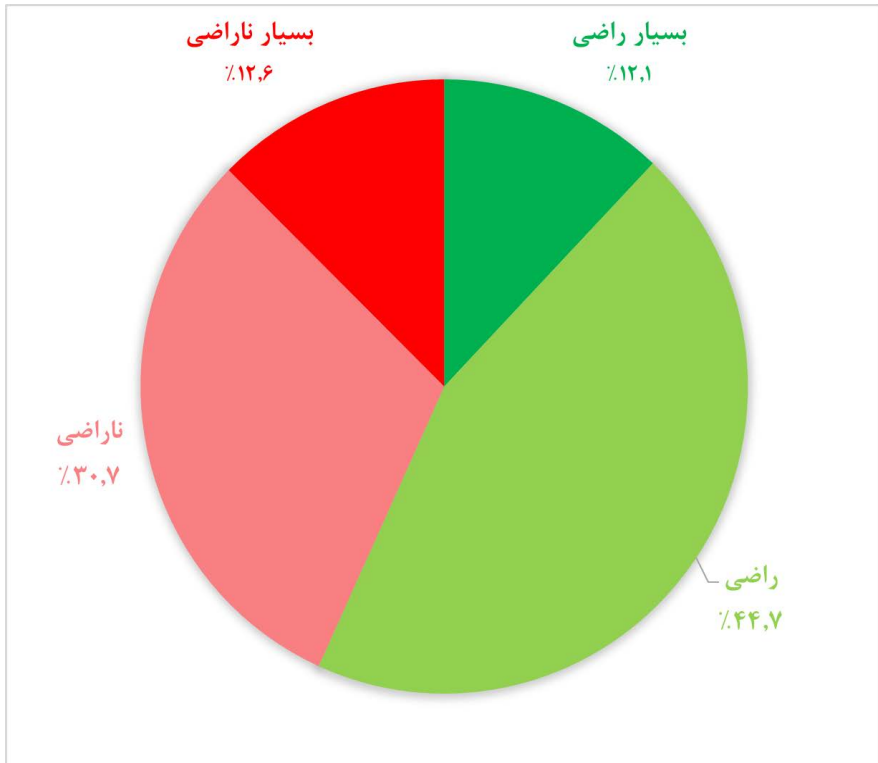
شکل ۹-۵ - درصد رضایت زناشویی در استان زنجان در افراد مورد مطالعه
(n=۱۰۰)

۱۴۰ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق



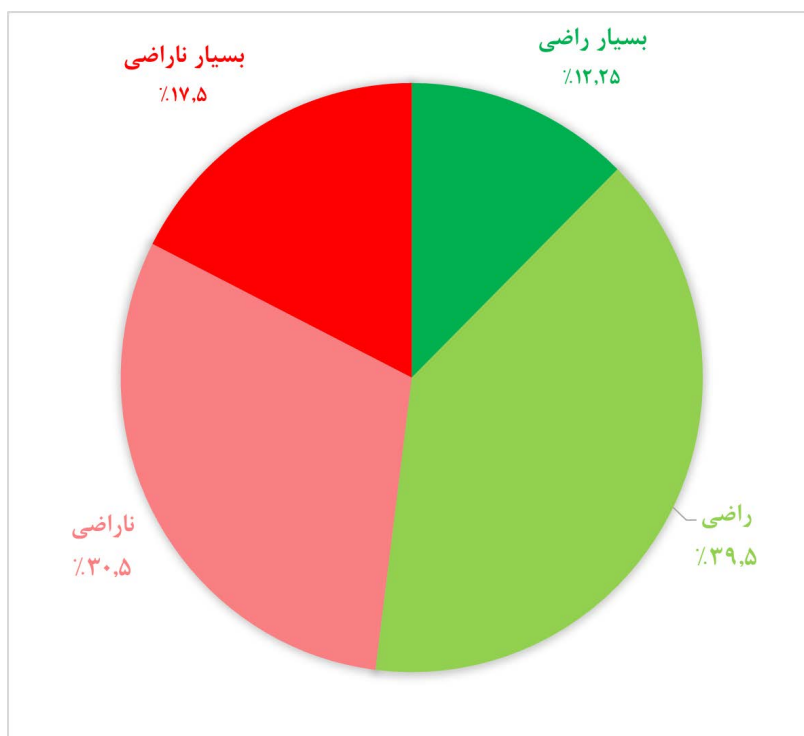
شکل ۱۰-۵ - درصد رضایت زناشویی در استان فارس در افراد مورد مصاحبه
(n=۳۹۸)

۱۴۱ نتایج مطالعه



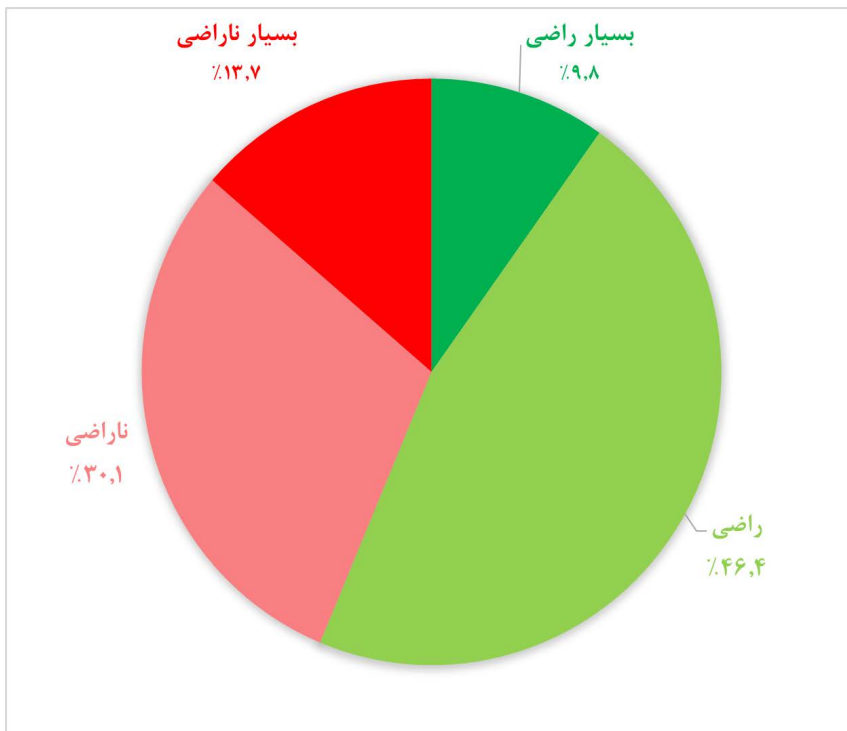
شکل ۱۱-۵ - درصد رضایت زناشویی در استان کردستان در افراد مورد مطالعه
(n=۱۹۹)

۱۴۲ | نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق



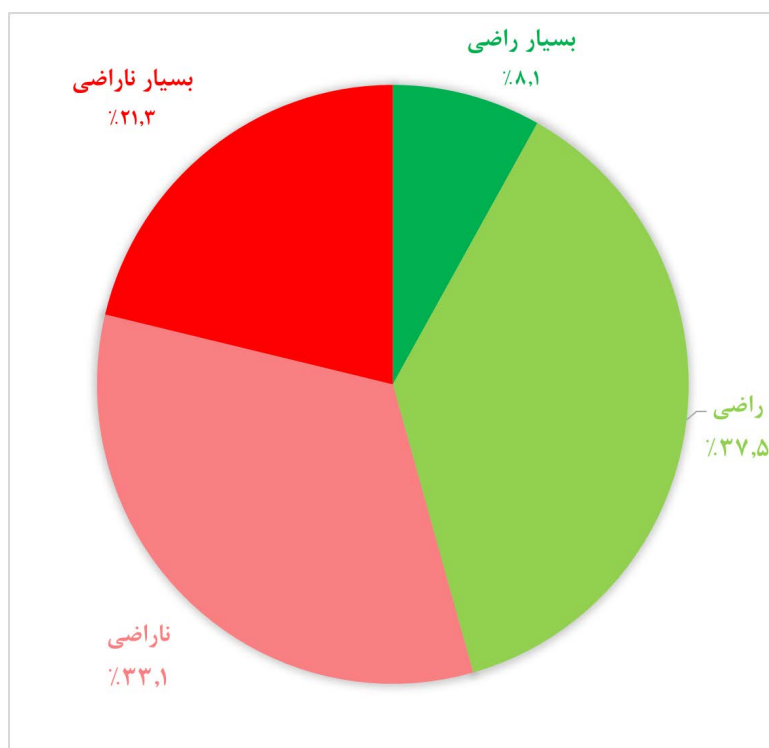
شکل ۱۲-۵ - درصد رضایت زناشویی در استان کرمان در افراد مورد مصاحبه
(n=۲۰۰)

۱۴۳ نتایج مطالعه



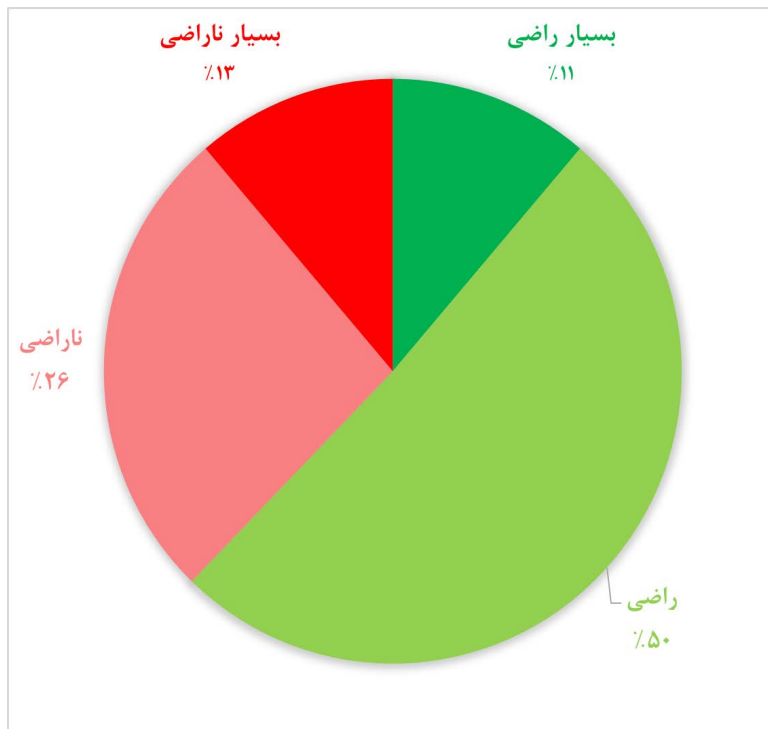
شکل ۱۳-۵ - درصد رضایت زناشویی در استان گلستان در افراد مورد مطالعه
(n=۱۸۳)

۱۴۴ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق



شکل ۱۴-۵ - درصد رضایت زناشویی در استان قم در افراد مورد مصاحبه
(n=۱۶۰)

۱۴۵ نتایج مطالعه



شکل ۱۵-۵ - درصد رضایت زناشویی در استان یزد در افراد مورد مصاحبه
(n=۱۰۰)

۱۴۶ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

جدول ۴۲-۵- نمره رضایت زناشویی به تفکیک استان‌ها (n=۲۰۳۳)

استان	میانگین	انحراف معیار
البرز	۴۹,۸۸	۱۱,۳۱
خوزستان	۵۰,۰۱	۱۲,۳۸
زنجان	۵۲,۳۶	۱۱,۱۵
فارس	۵۱,۸۱	۱۱,۳۱
کردستان	۵۲,۴۴	۱۰,۲۸
کرمان	۵۰,۰۶	۱۲,۲۲
گلستان	۵۱,۵۳	۱۰,۱۲
قم	۴۸,۹۱	۱۲,۰۰
یزد	۵۲,۲۱	۱۰,۲۴
کل	۵۰,۸۶	۱۱,۴۶

$P=0.010$

جدول ۴۳-۵- نمره رضایت زناشویی به تفکیک جنس (n=۲۰۳۳)

جنس	میانگین	انحراف معیار
زن	۵۰,۱۳	۱۲,۲۶
مرد	۵۱,۶۲	۱۰,۵۲

$P=0.004$

۱۴۷ نتایج مطالعه

جدول ۴۴-۵- نمره رضایت زناشویی به تفکیک محل سکونت (n=۲۰۳۳)

محل سکونت	میانگین	انحراف معیار
مرکز استان	۵۰,۵۱	۱۱,۷۳
روستا	۵۰,۷۵	۱۱,۳۶
سایر شهرها	۵۱,۸۲	۱۰,۷۳

جدول ۴۵-۵- فراوانی طلاق عاطفی به تفکیک استان‌ها و در کل (n=۲۰۳۳)

استان	تعداد	درصد
البرز	۳۹	۱۳,۳
خوزستان	۳۷	۹,۳
زنجان	۱۰	۱۰
فارس	۲۹	۷,۳
کردستان	۷	۳,۵
کرمان	۳۱	۱۵,۵
گلستان	۲۴	۱۳,۱
قم	۱۶	۱۰
یزد	۵	۵
کل	۱۹۸	۹,۷

بخش سوم: دیدگاه خبرگان پیرامون علل افزایش میزان طلاق در جامعه ایرانی

براساس مطالعه کیفی صورت پذیرفته و مصاحبه با خبرگان، و با توجه به تحلیل صورت گرفته در کدگذاری باز و محوری، سه درونمایه (تم) و ۱۶ طبقه فرعی به عنوان عوامل مرتبط با افزایش طلاق مشخص شد.

عوامل اجتماعی/فرهنگی (ultimate underlying causes)

تعهدات مذهبی:

عامل مذهب به عنوان یکی از محوری ترین علل ریشه‌ای طلاق مطرح گردید. شرکت کنندگان ابراز می‌داشتند که ضعف اعتقادات دینی ریشه اصلی افزایش طلاق در کشور است و این ضعف اعتقادی را در نتیجه‌ی هجوم با سرعت فرهنگ غرب می‌دانستند.

در فرهنگ ما زندگی مشابه یک سافتمان است که فونداسیون آن پابندی به اعتقادات مذهبی است. وقتی فونداسیون و پایه‌های زندگی زناشویی ضعیف باشد، عوامل متعددی پیدا می‌شوند که می‌توانند آن را در هم بریزند مانند اعتیاد، تن‌فروشی، بی وفایی.

من طلاق را عارضه یک بیماری در جامعه‌مان میدانم و نام این بیماری کم‌رنگ شدن باورهای مذهبی است.

تغییر نگاه ها به زندگی مشترک:

اعتقاد برخی از آنان این بود که جامعه سنتی ما در حال تبدیل به جامعه مدرن می‌باشد.

زندگی کردن دفتر و پسر و یا زن و مرد مطلقه با هم بدون انجام عقد قانونی به نام ازدواج سفید، با اعتقادات فرهنگی و مذهبی ما همخوانی ندارد و جامعه ما، حاصل این ازدواج را به رسمیت نمی‌شناسند ولی این موضوع در کشور ما در حال نفوذ و گسترش می‌باشد.

۱۴۹ | نتایج مطالعه

اصلی ترین عامل را من تغییر ارزش ها و نگرش ها می دانم. مثلاً چرا باید جشن طلاق برگزار کنند؟ موضوعی که تا چند سال پیش از مطرح کردنش فعالیت می کشیدند حالا به مناسبت آن میهمان دعوت می کنند. قبح طلاق کمرنگ شده است.

چه بفوایم و چه نفوایم جریان مدرنیته را مکتومیم که طی کنیم و افزایش طلاق یکی از فزاینده های جامعه پسا مدرن است.

رفاه طلبی و فردگرایی:

اکثر شرکت کنندگان رواج فرهنگ فردگرایی و دور شدن از جمع گرایی را - به عنوان عارضه مدرنیزاسیون - عامل اصلی می دانستند.

با توجه به گسترش فرهنگ فردگرایی، فرد سعی می کند منافع خودش را به پیش ببرد، بدون لحاظ کردن منافع همسر و خانواده های طرفین.

در حال حاضر یکی از اهداف اصلی ازدواج کسب لذت فردی است، و اهمیت دادن به نظر بزرگترها مانند قدیم مهم نیست.

فانم متوقع است که هر سال مدل گوشی همراهش، جواهرات و ماشینش را عوض کند تا جلوی دوستانش کم نیابد و چون شوهرش برای او ماشین نفریده برای او آسایش فراهم نشده است، و لذا اختلافات خانوادگی شروع می شود.

گذشت و صبر خیلی کم شده و همه چیز شده فودت. قبلاً زن و شوهر بفاطر همدیگر و بچه گذشت بیشتری میکردند.

مشکلات اقتصادی:

یکی دیگر از مواردی که اکثر مصاحبه شوندگان بر آن متفق القول بودند فشارهای اقتصادی بود.

فقر از در که بیاید عشق از پنجره بیرون می رود.

فانم ها بفضوص اقتصاد ضعیف خانواده را تحمل نمیکنند و اگر مایحتاج مادی اش در داخل خانه تامین نشود بیرون از خانه به طرق مختلف مطالبه و تامین می کند.

۱۵۰ | نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

شبکه‌های مجازی:

مشارکت کنندگان اظهار می‌داشتند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی موجی است که در حال همه‌گیری است و از عوامل ایجاد بی‌اعتمادی و گسست عاطفی، تلفن همراه و ارتباطات اینترنتی و شبکه‌های مجازی را ذکر کردند.

فانم در منزل از لحاظ مثبت تامین نمی‌شده، در گروه بندی‌های شبکه اجتماعی که قرار می‌گیرد مورد مثبت واقع می‌شود و بده بستون عاطفی صورت می‌گیرد.

زن و شوهرها شب تاگوشی همراه یکدیگر را کنترل نکنند خواب نمی‌روند. شبکه‌های مجازی بی‌اعتمادی بین زن و شوهر را دامن زده است و منجر به فرسودگی روانی زوجین شده است.

فیلم‌های ماهواره و مخرب:

عده‌ی کثیری از مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که بعضی از فیلم‌های ماهواره‌ای و همچنین فیلم‌های مستهجن، ساخته شده‌اند برای سست کردن بنیان خانواده‌ها و تقریباً به هدفشان هم رسیده‌اند.

مصاحبه‌شوندگان اظهار می‌کردند که اغلب فیلم‌های ماهواره‌ای توأم با خیانت‌هایی است که پایان فحش دارند و این طور نیست که در پایان این همه خیانت، خانواده از هم بپاشد بلکه در پایان زندگی‌ها بهتر می‌شود.

دلیل این همه سرمایه‌گذاری در خصوص دوبله این فیلم‌ها شیرین جلوه دادن خیانت و طبیعی نشان دادن روابط خارج از ازدواج است.

دیدن فیلم‌های پورن سبب می‌شود زوجین از یکدیگر فواسته‌هایی داشته باشند که میسر نیست. بطور کلی توقعات و ذائقه‌های جنسی جوانان به علت دیدن این گونه صحنه‌ها تغییر پیدا کرده است و با شرایط فرهنگی ما سن‌فیت ندارد.

عوامل مرتبط با خانواده ها (distal predisposing influences)

آموزش و تربیت خانواده‌ها:

برخی از خبرگان مورد مصاحبه اظهار داشتند که ریشه‌های افزایش موارد طلاق در جامعه را باید در سبک تربیتی فرزندان در خانواده‌ها دانست.

خانواده‌ها فرزندان خود را در زمینه احترام گذاشتن، گذشت و دگر فواهی به فوبی تربیت نکرده اند.

چونان امروز که کودکان دیروز هستند در خانواده‌های کودک سالار بزرگ شده‌اند و همیشه حق به آنان داده شده است و حرف، حرف آنان بوده است. چنین چوانی پس از ازدواج نیز همین سبک را ادامه می‌دهد و کوتاه نمی‌آید و سعی می‌کند حرف خودش را به کرسی بنشانند چه زن و چه مرد.

ما کودکانی را داریم تعویل جامعه می‌دهیم که صفاتی همچون صبوری، صداقت، و تاب آوری در آنان کم‌رنگ‌تر از گذشته شده است.

دخالت خانواده‌ها:

کلیه مصاحبه شوندگان یکی از قوی‌ترین عوامل موثر در زندگی زوجین را دخالت خانواده‌ها می‌دانستند.

در گذشته با وجودی که خانواده‌ها با هم زندگی می‌کردند ولی دخالت‌ها کمتر بود ولی الان با وجودی که خانواده‌ها از هم دور هستند پدر و مادرها کمتر بچه‌هایشان را می‌بینند ولی مداخلات بسیار زیاد است مادر حتی می‌تواند پرونده امشب پسرش پی فوره؟ کجا رفته و چه کرده؟

قبلا قائم که قهر می‌کرد و به فانه پدرش بر می‌گشت خانواده از او حمایت نمی‌کردند و این اعتقاد وجود داشت که دفتر که با چادر سفید رفته با کفن سفید باید برگردد. ولی الان پدر و مادرها تا بفهمند دفتر یا پسرشان با همسرش اختلاف پیدا کرده به صورت یک‌جانبه از او طرفداری کرده و حتی به جدایی آنان دامن می‌زنند.

۱۵۲ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

از آنجایی که فرزندان مانند قبل استقلال مالی ندارند، دقالت‌های والدین بیشتر از قبل شده است.

عوامل مرتبط با فرد (proximal immediate predictors)

نارضایتی در رابطه جنسی:

از دیدگاه مصاحبه شوندگان یکی از انگیزه‌های مهم برای ازدواج برقراری رابطه جنسی می‌باشد، که در صورت وجود مشکل در روابط جنسی به علت تابو بودن موضوع، به راحتی قابل حل نیست.

آقای در مرکز مشاوره ذکر می‌کند که هنگام ارتباط جنسی با همسرش ارضا نمی‌شده برای همین به دنبال ارضای آن در محیط خارج از خانه بوده است.

از دیدگاه عده‌ای از مصاحبه شوندگان فشونت جنسی ناشی از دیدن فیلم‌های پورن بر روند افزایشی طلاق موثر است.

فانمی ابراز می‌کند که همسرش فیلم‌های پورن را زیاد تماشا می‌کند و از فاشش می‌فواهد که مطابق فیلم‌ها رفتار جنسی داشته باشد و اگر کنار نیاید مورد ضرب و جرح قرار می‌گیرد.

سردی روابط عاطفی:

روابط و نیاز عاطفی به عنوان یکی از عوامل مهم ثبات زندگی زناشویی معرفی شد. همچنین بر عدم آگاهی زوجین از مهارت‌های همسرمداری تاکید گردید.

زن و شوهری که در زندگی زناشویی خود روابط عاطفی با هم ندارند و مورد قردردانی یکدیگر واقع نمی‌شوند بعد از مدتی، این زوج نسبت به هم دلزده می‌شود و اولین تظاهرات آن هم سردمزاجی فواهد بود.

فانمی می‌گفت که بارها از منزل خارج می‌شدم به قصد اینکه تو فیاپون یک نفر به من بگه که فیلی دوستم داره و اینکه از زیبایی من تعریف کنه. و من میدونستم که

۱۵۳ نتایج مطالعه

ظاهر است و دروغ مفض است ولی اینقدر تو زندگیم این حرفها رو نشنیدم که واقعاً حاضر بودم برای امتحان هم شده ده تا ماشین سوار شم و چند تا از این حرفها رو بشنوم.

درگیریهای زیاد زندگی مدرن مانند پرداختن اجاره منزل و شهریه مدرسه بچه، فریدن مایحتاج خانه و سبب می شود که به روابط عاطفی و زناشویی به حاشیه بروند.

بی وفایی زناشویی:

تجربیات مصاحبه شوندگان بیانگر این بود که رواج پیدا کردن روابط خارج از چارچوب خانواده ریشه طلاق شده است.

فیلی مرد می فواید که عصر پنجشنبه توی فیابون پرورد به همسرش خیانت نکند. وضع پوشش توی فیابون ها فیلی برای مردها وسوسه انگیز است.

قبیح ارتباطات نامشروع در حال کمرنگ شدن است.

فانم علناً می گوید چون شوهرم روابط خارج از منزل داشته و مرا در خانه تأمین نمی کند من هم دنبال روابط در خارج از خانه رفتم.

اعتیاد:

اعتیاد منجر به بیکاری مرد و ایجاد مشکلات اقتصادی در خانواده، رواج بی صداقتی در روابط، رفیق بازی و در نهایت ایجاد اختلافات خانوادگی می شود. بنا به اعتقاد خبرگان، اعتیاد عامل اصلی و مادر بسیاری از مفسده هاست.

اعتیاد به فصوص به شیشه منجر به ضرب و جرح شدید در خانه شده به طوری که فانم به اعتیاد همسرش به تریاک ارضی شده.

اعتیاد در خانه ها نیز رو به افزایش است و باعث جدایی و طلاق شده است.

فانم به فصوص در آرایشگاه شنیده که با مصرف شیشه فوش اندام، فوش تیپ و پوست صورتش بهتر می شود.

۱۵۴ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

بیماری‌های روانی:

برخی اظهار می‌داشتند که بیماری‌هایی مانند افسردگی و اضطراب شیوع بالایی دارند و گاهی این اختلالات پنهان هستند و درمان نمی‌شوند و لذا باعث اختلافات زناشویی و طلاق می‌شوند.

مرد افسرده که خودش هم نمی‌داند دچار بیماری روحی است حال و هوای همسر و فرزندان و کارش را ندارد و باعث افتلال در زندگی زناشویی و طلاق می‌شود، در حالی که با یک درمان دارویی رفتارش از این رو به آن رو می‌شود.

خانمی می‌گفت از وقتی که داروی ضد وسواس می‌فورد همسرش با او بهتر رفتار می‌کند و زندگی زناشویی‌شان خیلی بهتر شده است.

عدم آگاهی از مهارت‌های زندگی:

برخی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که خانم و آقا مهارت‌های زندگی را به مقدار کافی نمی‌دانند و به بلوغ فکری نرسیده‌اند، لذا در ازدواج هاشون دچار مشکل می‌شوند، چرا که لازمه سپری نمودن زندگی در دوران مدرنیته آشنایی با مهارت‌های زندگی است.

آقا یاد گرفته که اگر فواسته‌ای دارد باید داد بزند و هتما پیزی را بشکند تا جواب بگیرد و به فواسته هایش برسد.

دختر و پسر ما مهارت‌های ارتباطی را نیاموخته‌اند.

زن و شوهر بلد نیستند که چگونه حرف بزنند؟ چگونه انتقاد کنند؟ یاد نگرفته اند که مشکلاتشان را در زندگی، خودشان برطرف کنند و به خانواده‌ها کشیده نشود.

افزایش توانمندی خانم‌ها:

برخی از مشارکت‌کنندگان بر این نکته تاکید داشتند که اگرچه افزایش سطح تحصیلات، حمایت قوانین ازدواج و طلاق از زنان، و حضور فعال آنان در جامعه ارزشمند است، ولی افزایش طلاق یکی از تبعات آن می‌تواند قلمداد شود.

۱۵۵ نتایج مطالعه

در حال حاضر قانم‌ها از استقلال مالی بیشتری نسبت به سی سال قبل برخوردارند و این استقلال مالی از یک طرف و آگاهی از حقوق قانونی خود سبب شده که حتی برای کوچک‌ترین ابهامی که برایشان پیش آید به مراکز حقوقی مراجعه کنند.

یکی دو دهه قبل بازنگری قوانین طلاق سبب شد که حقوق زنان بیش از پیش لحاظ گردد.

وقتی زنی دستش تو جیبش باشه احتمال اینکه مثل قریما هر چی شوهرش گفت کوتاه بپارده کم‌تره.

ازدواج در سنین پایین:

برخورداری از بلوغ فکری و اجتماعی یکی از پیش‌نیازهای ازدواج معرفی گردید و چنین اظهار شد که برخی خانواده‌ها از ترس آنکه فرزندشان به خلاف بیفتد در سنین پایین او را عروس یا داماد می‌کنند.

عمده طلاق‌ها در سنین پایین اتفاق می‌افتند. چرا که در سن پایین هنوز شفصیت شکل نگرفته است و با بالا رفتن سن تازه توقعاتشان را می‌فهمند و متوجه می‌شوند که از زندگی چه می‌خواستند.

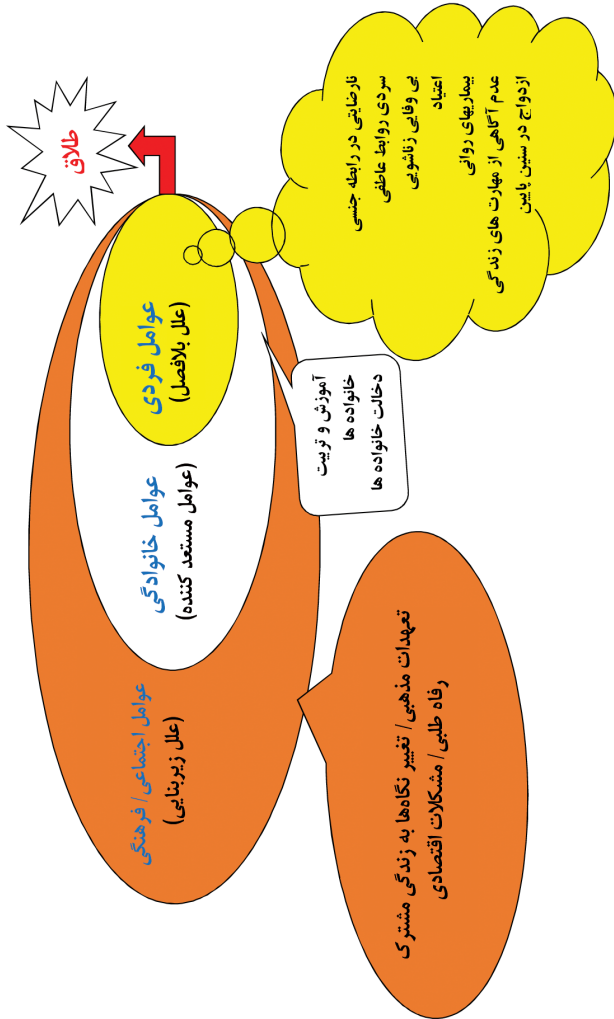
داوطلبین ازدواج کفایت لازم را ندارند، نه تنها اقتصادی بلکه اجتماعی، یعنی هنوز کفایت لازم برای همسررداری و فرزندپروری را ندارند. زیرا به نظر می‌رسد، استقلال فکری و عملی جوانان کمتر شده است و وابستگی به والدین بیشتر شده باشد.

عوامل منجر به افزایش طلاق در کشور از دید خبرگان به صورت خلاصه در جدول و شکل صفحات بعد آمده است.

۱۱۵۶ نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

جدول ۴۵-۳ طبقه‌بندی علل مطرح شده روند افزایشی طلاق از سوی خبرگان

طبقات	درون مایه های استخراج شده
تعهدات مذهبی تغییر نگاه‌ها به زندگی مشترک رفاه طلبی و فردگرایی مشکلات اقتصادی شبکه‌های مجازی فیلم‌های مخرب	عوامل اجتماعی/فرهنگی
آموزش و تربیت خانواده‌ها دخالت خانواده‌ها	عوامل مرتبط با خانواده ها
نارضایتی در رابطه جنسی سردی روابط عاطفی بی‌وفایی زناشویی اعتیاد بیماری‌های روانی عدم آگاهی از مهارت‌های زندگی افزایش توانمندی خانم‌ها ازدواج در سنین پایین	عوامل مرتبط با فرد



شکل ۵-۱۶ - سطح اثرگذاری عوامل مرتبط با روند افزایشی طلاق

واژه نامه

Accommodation behaviors	رفتارهای تطبیقی
Adultery	بی‌عفتی
Affection	مهربانی
Antagonism	مخالفت
Attribution theory	نظریه انتساب
Behavioral Theory	نظریه رفتاری
Being unfaithful	بی‌وفایی
Cascade process model	مدل فرایند آبشاری
Cheating	فریب
Coercion	اجبار
Cohort effects	تاثیرات همگروهی
Cohort-historical approach	رویکرد همگروهی-تاریخی
Collectivism	جمع‌گرایی
Commitment	تعهد
Communication satisfaction	رضایت ارتباطی
Companionate	رفاقتی
Consummate	تمام و کمال
Contempt	تحقیر
Coping	سازگاری
Crisis	بحران
Crisis theory	نظریه بحران
Criticism	انتقاد
Defensiveness	کناره‌گیری
Demand-withdraw	تقاضا-کناره‌گیری
Destructive marital conflict	تعارضات مخرب زناشویی
Divorce rate	نسبت طلاق
Double ABC-X model	مدل دوتایی ABC-X
Ecological theory	نظریه بوم‌شناختی
Emotional vulnerability	آسیب‌پذیری عاطفی
Empty love	عشق تهی
Exosystem	برون‌سیستم
Family decline	زوال تدریجی خانواده
Family resilience	تاب‌آوری خانواده
Family's available resources	منابع در دسترس خانواده
Fatuous	ابلهانه
Forgiveness	بخشش
Gross divorce rate	میزان ناخالص طلاق
Having an affair	معشوقه داشتن

۱۶۰ | نیم‌رخ رضایت زناشویی و دلایل ادراک شده اقدام به طلاق

Honeymoon effect	اثر ماه عسل
Individualism	فردگرایی
Infatuated	شیدایی
Infidelity	خیانت
Interpersonal Climate of Marriage	جو بین فردی ازدواج
"it won't happen to us" syndrome	سندرم «برای ما اتفاق نخواهد افتاد»
Intimacy	صمیمیت
Loyalty	وفاداری
Macro-level causes	علل سطح کلان
macrosystem	کلان‌سیستم
Marital dissolution	انحلال زناشویی
distress Marital	پریشانی زناشویی
Marital distress	درماندگی زناشویی
Marriage gap	شکاف ازدواج
Me self generation	نسل اول من
Mesosystem	میان‌سیستم
Microsystem	ریزسیستم
Mutual trap	تله متقابل
Negative reciprocity	مقابله به مثل منفی
Net divorce rate	میزان خالص طلاق
Neuroticism	روان‌رنجورخویی
No fault divorce	طلاق توافقی
Non-love	عدم عشق
Passion	هوس
Perceptions of the event	درک نسبت به وقایع
Period effects	اثرات دوره
Pile up	تجمع
Polarization	دو قطبی‌سازی
Risk factors	عوامل خطر
Rose-colored glasses	عینک گل‌گون
Social clock	ساعت اجتماعی
Social exchange theory	نظریه تبادل اجتماعی
Social network sites (SNS)	سایت‌های شبکه اجتماعی
Sociocultural approach	رویکرد اجتماعی فرهنگی
Stonewalling	سکوت (دیوار چینی)
Stressor event	رویداد استرس‌زا
Total divorce rate	میزان طلاق کلی
Triangular Theory of Love	نظریه مثلث عشق
Vulnerability	آسیب‌پذیری

این کتاب نتایج ارزیابی وضعیت رضایت زناشویی و دلایل اقدام به طلاق در نه استان کشور را ترسیم می‌نماید. علاوه بر این، با توجه به کمبود منابع فارسی در این زمینه، سعی گردید بر اساس یک مطالعه کتابخانه‌ای وسیع، مبانی نظری پیرامون طلاق در سه فصل اول کتاب تبیین گردد.